بِه نامِ خُداوَندِ جان و خِرَد

آموزشِ کاربردیِ واژه



عنوان و نام پدید آور: آموزش کاربردی واژه برای فارسی‌آموزان سطح مقدماتی و پیش‌میانی/ تالیف رضا مرادصحرائی... [و دیگران]؛
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۲ج.
فروست: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی؛ (۱)۴۱۰.
شابک: ج۱: ۷-۲۴۶-۲۱۷-۹۶۴-۹۷۸؛ ۲۵۰۰۰ تومان
ج۲: ۷-۰۰۶-۲۱۷-۹۶۴-۹۷۸؛ ۲۵۰۰۰ تومان
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
عنوان به انگلیسی: تالیف رضا مرادصحرائی، شهناز احمدی‌قادر ، فائزه مرصوص و لیلا بنفشه
موضوع: فارسی -- کتاب‌های درسی برای خارجیان
موضوع: Persian Language -- Textbooks for Foreign Speakers
موضوع: فارسی -- راهنمای آموزشی -- خارجیان
موضوع: Persian Language -- Study and Teaching -- Foreign Speakers
موضوع: فارسی -- مکالمه و جمله‌سازی
موضوع: Persian language -- Conversation and phrase books
شناسه افزوده: صحرایی، رضامراد، ۱۳۵۵ -
شناسه افزوده: دانشگاه علامه طباطبائی. معاونت پژوهشی
شناسه افزوده: بنیاد سعدی، معاونت آموزش و پژوهش
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ ۸ آ/PIR۲۸۲۷
رده بندی دیوئی: ۴/۲۱ فا ۸
شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۳۷۹۱۲

آموزش کاربردی واژه

برای فارسی آموزان سطح مقدماتی و پیش‌میانی

جلد اول

تألیف:

دکتر رضا مرادصحرائی

عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

شهناز احمدی قادر

فائزه مرصوص

لیلا بنفشه

تهیه عکس، طرح جلد / صفحه آرایی

محمد زمانی، مجید شمس‌الدین





آموزشِ کاربردیِ واژه

برایِ فارسی‌آموزانِ سطحِ مقدماتی و پیش‌میانی

جلدِ اول



این اثر توسط بنیاد سعدی تولید و با همکاری انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی چاپ شده است.

نام کتاب **آموزش کاربردی واژه**

نویسندگان **رضامراد صحرائی، شهناز احمدی‌قادر، فائزه مرصوص و لیلا بنفشه**

ترجمهٔ واژه‌ها **مروارید طالبی**

ویراستار **عباس نجّار**

تهیه عکس، طرح جلد / صفحه آرایی **محمد زمانی، مجید شمس‌الدین**

نوبت چاپ / شمارگان **اول ۱۳۹۶ / ۱۵۰۰ نسخه**

ناشر **دانشگاه علامه طباطبائی**

شمارگان **۱۵۰۰ نسخه**

ناظرفنی **رضا دنیوی**

لیتوگرافی / چاپ / صحافی **مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی**

قیمت ریالی / ارزی **۲۵۰۰۰ تومان / ۳۰ دلار**

شابک **978-964-217-246-7**

٤١٠(١)

تهران، انتهای غربی اتوبان شهیدهمت، دهکده‌المپیک، میدان دهکده، ساختمان مرکزی دانشگاه علامه‌طباطبائی. press.atu.ac.ir
صندوق پستی: ۱۴۸۹۶۸۴۵۱۱

تهران، ولنجک، خیابان پانزدهم شرقی، بعد از تقاطع ساسان، پلاک ۱۷، بنیاد سعدی. ۰۲۱۲۲۴۱۴۳۵۶ / www.saadifoundation.ir
کدپستی: ۱۹۸۵۸۶۴۴۴۹



کشف شده در جیرفت، مربوط به هزارهٔ سوم پیش از میلاد

شِکَرشِکَن شَوند هَمه طوطیانِ هِند

زین قَندِ پارسی کِه بِه بَنگالِه می‌رَوَد

حافظ (۷۲۷-۷۹۲)

«گفتار ناشر»

ماهیت پژوهشی دانشگاه در دوران مدرن بیش از دوران‌های قبل رسمیت می‌یابد؛ از بعد تاریخی، پیش از تأسیس نهاد دانشگاه، جامعه با پدیده آموزش رسمی آشنا بوده، هرچند که این آموزش مبتنی بر محفوظات بوده است؛ اما تحول مهمی که ظهور دانشگاه در ماهیت و بنیان آموزش ایجاد کرد، ظهور آموزش مبتنی بر پژوهش بود. به عبارت دقیق‌تر آنچه در دانشگاه باید آموزش داده می‌شد نه ترجیحات شخصی بلکه نتیجه پژوهش‌های عمیق و پردامنه در حوزه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی بود؛ بدین‌سان دانشگاه فضای امنی برای تأمل، تفکر، پژوهش و انتشار این‌گونه پژوهش‌ها گردید. البته شیوه سنتی انتشار پژوهش‌ها، انتشار شفاهی یا همان چیزی بود که از دیرباز آموزش نامیده می‌شد؛ اما اکتشافات جدید علمی جز با انباشت و نقادی دانش‌های قبلی اتفاق نمی‌افتد و بدین‌ترتیب بود که راه‌های جدیدی برای انتشار و انباشت دانش و خصوصاً انتشار آثار به شکل مکتوب (کتاب، مجله، بانک‌های اطلاعاتی و...) پیدا شد.

تأسیس نهاد انتشاراتی دانشگاه‌ها، در جایگاه بخش اجتناب‌ناپذیر توسعه علمی از این حیث شایان اهمیت است. مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی نیز در مقام بزرگ‌ترین دانشگاه علوم انسانی کشور نیز از این قاعده مستثنی نیست، به طوری‌که هم می‌تواند در انتشار افکار، اندیشه‌ها، نظریات و تولیدات علمی استادان، دانشجویان و اصحاب دانش کوشا باشد و هم به نیازهای علمی جامعه پاسخ گوید.

فعالیت مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه از سال ۱۳۹۲ با تأسیس شورای انتشارات دانشگاه متشکل از استادان فعال و پرکار در عرضه پژوهش و انتشار و نمایندگان شوراهای انتشارات دانشکده‌ها و مراکز پژوهشی وارد مرحله جدیدی شد. در این دوره همگام با تحول اساسی در کیفیت و کمیت آثار منتشرشده، رویکرد نوینی نیز مبتنی بر اولویت آثار بنیادین، بومی و برگرفته از تأملات نظری و عملی استادان در پیش گرفته شد. البته در این میان، ترجمه آثار کم‌نظیر و بی‌مانند در کشور با موافقت شورای انتشارت دانشگاه نیز مورد غفلت قرار نگرفته است. هرچند تا نیل به مطلوب فاصله زیادی وجود دارد و همکاری همه استادان و پژوهشگران را می‌طلبد؛ اما در همین مدت‌کوتاه نیز سالانه بالغ بر یک‌صد عنوان از آثار استادان دانشگاه به زیور طبع آراسته شده است و امید می‌رود این روند با کیفیتی بالاتر همچنان در مسیر رشد و ترقی پیش رود.

کتاب حاضر از جمله آثار بنیاد سعدی است که پس از طی فرایند بررسی و داوری‌های علمی و ادبی در دانشگاه علامه طباطبائی، اینک در اختیار خوانندگان محترم قرار می‌گیرد. امیدوار است علاقه‌مندان و خوانندگان این اثر نیز مانند سایر آثار، صاحب‌اثر را از نقدهای مشفقانه خود بهره‌مند سازند.

مرکز چاپ و انتشارات

دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه

واژه عنصر بنیادی در فهم هر زبانی است. اساساً زبان‌آموزی با واژه‌آموزی آغاز می‌شود و با ترکیب واژه‌ها و تشکیل گروه‌های نحوی، یادگیری جمله تداوم می‌یابد. برهمین اساس است که در بسیاری از برنامه‌های درسی، اعم از دستوری یا ارتباطی، آموزش واژه از اهمیت اساسی برخوردار است. به‌علاوه، اگر مؤلفه‌های زبان را شامل دو گروه مؤلفه‌های تکوینی[1] و مؤلفه‌های تنوعی[2] بدانیم، نحو و بخش قابل توجهی از صرف زبان تابع فرایند تکوین هستند. یعنی آموزش آن‌ها دارای نوعی مرحله‌بندی نسبتاً بدون انعطاف و از پیش‌تعیین‌شده است. اما واژه مؤلفه‌ای تنوعی است که آموزش آن بخشی از همهٔ مراحل زبان‌آموزی و دارای انعطاف است. این بدان معناست که زبان‌آموز واژه را متناسب با نیاز خود یاد می‌گیرد و در هر رخداد ارتباطی به واژه به عنوان عنصر اصلی ایجاد ارتباط نیاز دارد. اهمیت واژه باعث شده است که در چند دههٔ اخیر روش‌های فراوانی برای آموزش آن ابداع شود. هر یک از این روش‌ها دارای پشتوانهٔ علمی و تجربی معتبر هستند. در سیر تکوین برنامه‌های درسی، نیز، معرفی برنامهٔ درسی مهارتی[3]، که بر آموزش تخصصی مهارت‌ها و مؤلفه‌های زبانی تأکید می‌ورزد، خود یک نقطهٔ عطف در برنامه‌های آموزشی می‌باشد.

اگر چه برای آموزش واژه در زبان فارسی تعدادی کتاب تدوین شده است، لیکن تهیه و تدوین محتوای آموزش برای تقویت دایرهٔ واژگان فارسی‌آموزان خارجی برمبنای برنامهٔ درسی مهارتی و در قالب شیوه‌های نوین آموزش این مؤلفهٔ زبانی بی‌سابقه است. بنیاد سعدی، با درک اهمیت این موضوع، تولید مجموعهٔ سه جلدی *آموزش کاربردی واژه‌های زبان فارسی* را از خرداد سال ۱۳۹۳ آغاز نمود. هدف از تولید این مجموعه، آموزش واژه‌ها و عبارت‌های پرکاربرد زبان فارسی

1. developmental feature
2. variational features
3. skill-based syllabus

است که در موقعیت‌های معمول و واقعی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

برای تهیه این مجموعه چند گام به شرح زیر برداشته شد:

در **گام اول**، کلیهٔ مجموعه‌های معتبر آموزش واژه از لحاظ صوری- ساختاری و محتوایی-مفهومی تجزیه و تحلیل شدند و چند قالب برای درس‌ها و تمرین‌ها طراحی گردید. **سپس**، نقشهٔ محتوایی و حوزه‌های واژگانی کاربردی و پربسامد تدوین شد. در **گام سوم**، اصول و فنون آموزش واژه از منابع معتبر علمی استخراج و متناسب با ویژگی‌های زبان فارسی و نیازهای شناخته شدهٔ فارسی‌آموزان خارجی بومی‌سازی گردید. در **گام چهارم**، انواع تمرین‌های آموزشی از منابع معتبر استخراج و از ساده به پیچیده درجه‌بندی شد. از جملهٔ این تمرین‌ها، می‌توان به تمرین‌های تشخیصی، تمرین‌های تشخیصی-تولیدی، تمرین‌های تولیدی تک‌کلمه‌ای، تمرین‌های تولیدی به‌صورت جمله و عبارت، تمرین‌های تولیدی با توجه به اطلاعات شخصی (شخصی‌سازی موضوع درس و امکان جمله‌سازی زبان‌آموز دربارهٔ زندگی واقعی خود) و تمرین‌های شنیداری اشاره نمود. در **گام پنجم**، نیز حوزه‌های واژگانی کاربردی و پربسامد شناسایی و بر پایهٔ دو پژوهش علمی *واژگان پایه زبان فارسی* (شهین نعمت زاده، ۱۳۸۰) و *واژه‌های پایه زبان فارسی مبتنی بر متون مطبوعاتی* (صحرایی و همکاران، ۱۳۹۵) واژه‌های هر یک از دروس شناسایی گردید. سپس، نقشهٔ محتوایی کتاب، مشتمل بر سه سطح مقدماتی، میانی و پیشرفته، طراحی شد. تلاش شده است درس‌های این مجموعه، ساختار واحد داشته باشند، لذا هر درس شامل بخش‌هایی همانند «واژه‌ها»، «دقت کنید» و «تمرین‌ها» است. در بخش «دربارهٔ کتاب» و «راهنمای فارسی‌آموز» به این بخش‌ها بیشتر اشاره شده است.

از مهمترین ویژگی‌های این مجموعه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. آموزش در قالب روش‌های علمی آموزش واژه در متن و تأکید بر واژه‌های پربسامد هر حوزهٔ واژگانی؛

۲. تصویرگری مبتنی بر واقعیت، به گونه‌ای که تصاویر واقعی و عینی هستند؛

۳. روبه‌روی هم قرار گرفتن صفحهٔ درس و تمرین که باعث شده است این کتاب به یک خودآموز خوش‌خوان تبدیل شود؛

۴. ارائهٔ پاسخ تمرین‌ها در پایان کتاب؛

۵. تدوین لوح فشرده؛

۶. معرفی علمی و باظرافتِ تفاوت‌های فارسی گفتاری و فارسی نوشتاری.

برای تولید این کتاب، مجموعهٔ گسترده‌ای از همکاران در بنیاد سعدی و دانشگاه علامه طباطبائی، نقش داشته‌اند. در هر یک از مراحل تهیهٔ این کتاب، چه مرحلهٔ پژوهش، چه مرحلهٔ تهیهٔ درس‌ها و چه مرحلهٔ نقد و نظرخواهی، از دقت‌نظر و نقد عالمانهٔ مجموعهٔ وسیعی از استادان و مدرسان زبان فارسی در داخل و خارج از ایران بهره‌مند شدیم. مخصوصاً از ریاست محترم بنیاد سعدی، ریاست محترم دانشگاه علامه طباطبائی، اعضای محترم شورای بنیاد و کلیهٔ استادان و کارشناسان محترم به خصوص خانم دکتر گلناز مدرسی‌قوامی، آقای دکتر امیر زندمقدم، خانم دکتر افسانه غریبی، آقای امیر احمدی، خانم مروارید طالبی، خانم منیره شهباز و خانم دکتر تهمینه طاهردل سپاسگزاری کنیم.

دکتر رضا مراد صحرایی

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

و

سرپرست گروه تألیف

دربارهٔ کتاب

کتاب «آموزش کاربردی واژه» چیست؟

کتاب «آموزش کاربردی واژه»، به فارسی‌آموز کمک می‌کند تا کاربرد واژه‌ها و عبارت‌های پربسامد در زبان روزمرهٔ فارسی را بیاموزد و بتواند از آنها در موقعیت‌های واقعی جامعهٔ فارسی‌زبان استفاده کند.

این مجموعه می‌تواند به عنوان کتابی خودآموز یا مکملِ کتاب‌هایِ آموزشِ زبان فارسی مورد استفاده قرار بگیرد و یا به عنوان کتاب درسی در کلاس درس آموزش داده شود. دروسِ جلد ۱ و ۲ از این مجموعه برای سطح‌های مقدماتی و پیش‌میانی مناسب است. در این دو جلد جمعاً حدود ۱۶۰۰ واژه آموزش داده می‌شود. در گزینش واژه‌های کتاب سعی بر آن بوده است که ملموس‌ترین و پرکاربردترین آنها انتخاب و بر اساس حوزه‌های واژگانی دسته‌بندی شوند. همچنین کتاب دارای فایل صوتی برای استفاده بهتر در کلاس و به ویژه به عنوان خودآموز نیز هست. لازم به ذکر است که هدف اصلی این مجموعه بنا بر ماهیت آن، آموزش «واژه» است و در مواردی ورود به مقولهٔ «دستور»، فقط به منظور آموزش واژه‌های پرکاربرد دستوری بوده است.

ساختار کتاب چگونه است؟

در ابتدای کتاب بخش راهنمای کتاب برای فارسی‌آموز، راهنمای حل تمرین و راهنمای تلفظ حروف فارسی، تحت عنوان راهنمای فارسی‌آموز ارائه شده است.

کتاب حاضر دارای ۶ حوزه است. هر حوزه شامل ۵ درس است که به لحاظ معنایی به یکدیگر مرتبط هستند و در ادامهٔ هر درس تمرین‌های مربوط به آن درس را می‌بینید. در انتهای هر حوزه تمرین‌های «مرور» قرار دارد که به تثبیت واژه‌های جدید و بازیابی آنها کمک می‌کند. تعداد صفحات هر درس به همراه تمرین‌ها ۴ صفحه است.

بخش‌های پایانی کتاب، پیوست‌ها، شامل پاسخ تمرین‌ها، فهرست بخش‌های «دقت کنید»، فهرست فعل‌ها و ستاک حال آنها، متن تمرین‌های «گوش کنید» و واژه‌نامه است.

ساختار هر درس چگونه است؟

- در هر درس چند بخش وجود دارد.
- واژه‌هایِ جدید در هر درس پررنگ و مشخص شده‌اند. انتقال مفهوم و معنی واژه‌ها از طریق تصاویر و تعاریف در بخش «واژه‌ها» و بافت کاربردی آن صورت می‌گیرد.
- جمله‌ها، گفت‌وگوهایِ کوتاه و متن‌ها، کاربردِ واژه‌هایِ جدید را نشان می‌دهند.
- گفت‌وگوها با زمینهٔ کِرِم رنگ مشخص شده‌اند. بنابراین از این طریق توجه فارسی‌آموز به تفاوت‌هایِ فارسیِ گفتاری و نوشتاری جلب می‌شود. همچنین سعی بر آن بوده است که **گفت‌وگوها به فارسی گفتاری رسمی** باشد و فارسی‌آموز فقط در تمرین «گوش کنید»، **فارسی گفتاری محاوره‌ای** را می‌شنود.
- برای بعضی واژه‌هایِ مهم در بخشِ «دقت کنید» یا نکته‌ها توضیحاتی ارائه شده‌است. فهرستِ آنها در آخرِ کتاب آمده است.
- در ابتدای هر درس، در بالای صفحه شماره و نام درس آمده است و در پایین هر صفحه عنوان حوزهٔ مربوطه و شمارهٔ صفحات به عدد و حروف نوشته شده است.
- سعی شده است که در هر درس، ترتیب نوع تمرین‌ها از تشخیصی به تولیدی و از ساده به دشوار رعایت شود.
- در هر درس، یک تمرینِ شخصی‌سازی با عنوان «دربارهٔ شما» و یک تمرین شنیداری با عنوانِ «گوش کنید» وجود دارد. فارسی‌آموز در تمرین «دربارهٔ شما»، با کمک واژه‌های جدید درس به پرسش‌هایی که دربارهٔ خودِ اوست پاسخ می‌دهد.
- علاوه بر وجود راهنمای حل تمرین در کتاب، در هر درس به یک نمونه از تمرین‌ها پاسخ داده شده است. پاسخ تمرین‌ها در بخش پیوست‌ها آمده است.
- در پایان هر حوزه، تمرین‌های «مرور» قرار دارد که متفاوت از تمرین‌های پایان درس‌ها است. این تمرین‌ها به صورت چهار مهارتی طراحی شده است. همچنین در طراحی آنها بالا بودن سطح دشواری و تنوع آن نسبت به تمرین‌های درس و داشتن ماهیت سرگرم‌کننده در نظر گرفته شده است.

فارسی‌آموز گرامی!

شما می‌توانید به عنوان کتاب درسی یا خودآموز و حتی در کنار کتاب درسی خود، از این کتاب استفاده کنید. اگر این کتاب به عنوان خودآموز مورد استفاده قرار گیرد، پیشنهاد می‌شود به منظور یادگیری صحیح تلفظ واژه‌ها، حتماً از لوح فشرده در طول مطالعه درس استفاده کنید. شما به راحتی می‌توانید با توجه به نیاز یا علاقهٔ خود درس‌ها را انتخاب و مطالعه کنید. در بخش راهنمای فارسی‌آموز، بیشتر با روش استفاده از این کتاب آشنا می‌شوید.

شمارهٔ درس — **عنوانِ درس**

۲۸ حوادث طبیعی

حوادث = حادثه‌ها

شماره و عنوان بخش‌های درس

۱ حوادثِ طبیعی

واژه‌های جدید همراه با تصویر

توفان — سیل — زلزله/ زمین‌لرزه — آتش‌سوزی

یخبندان — گردباد — سونامی — خشکسالی

۲ من می‌توانم دربارهٔ حوادثِ طبیعی صحبت کنم.

کاربرد واژه‌ها در جمله

- در شُمالِ ایران، گاهی بارانِ زیادی می‌بارد و سیل جاری می‌شود.
- سونامی بسیار **خَطرناک** است و خانه‌هایِ ساحلی را **خَراب می‌کند.**
- در ژاپن، اغلبِ اوقات زِلزِله اِتفاق می‌افتد و زَمین به شِدت **می‌لَرزد.**
- گِردباد و توفانِ شَدید به شَهرها **آسیب می‌رسانَد.**
- در آتش‌سوزیِ جَنگل‌ها، دِرختانِ بِسیاری **می‌سوزَند.**
- هنگامِ یَخبندان به عِلتِ سَرمایِ زیاد، هَمه چیز **یَخ می‌زَند.**
- هنگامِ خُشکسالی به عِلتِ کَم بودنِ آب، گیاهان خُشک می‌شوند.

نکتهٔ دستوری یا کاربردیِ مربوط به بعضی از واژه‌ها

در فارسیِ گفتاری می‌گوییم:
(آتش‌سوزی/ یَخبندان/ توفان/ خُشکسالی) شُد.
(توفان/ سیل/ گِردباد/ زِلزِله) آمد.

نام حوزهٔ واژگانی

طبیعت

شمارهٔ صفحه به عدد و حروف

یک متن با واژه‌های جدید

۳

صبح دیروز زِلزِلهٔ شَدیدی، سَواحلِ شرقیِ ژاپن را لَرزاند و خانه‌هایِ زیادی را خَراب‌کرد. این زِلزِله باعِثِ آتش‌سوزی شد و شَهرهایِ فوکوشیما و میاگو در این حادِثه آسیب دیدند. مَعمولاً زِلزِلهٔ شَدید خَطَرِ سونامی را در شَهرهایِ ساحلی، **افزایش می‌دهد.** سونامی، ممکن است به عِلتِ توفانِ شَدید هم اِتفاق بیافتد. گاهی اِرتفاعِ موجِ سونامی به چندین متر می‌رسد. سالانه انسان‌هایِ زیادی بر اثرِ سونامی جانِ خود را **از دست می‌دهند.** اما خوشبختانه بعد از زلزلهٔ دیروز، سونامی اِتفاق نیفتاد.

نکتهٔ دستوری یا کاربردیِ مربوط به بعضی از واژه‌ها

دِقّت کنید | اسم/ صفت + شُدن

فعلِ "شدن" بیشترِ مواقع، تغییر در چیزی یا کسی را نشان می‌دهد:
هوا سرد شد. (سرد نبود. بعداً سرد شد.)
گیاهان خشک می‌شوند. (خشک نیستند بعداً خشک می‌شوند.)

تعریفِ واژه‌هایِ جدید

واژه‌ها

جاری شدن: وقتی مایعی جاری می‌شود، یعنی بر رویِ سطحی حرکت می‌کند. **حرکت کردن.**
خَطرناک: چیزی که می‌تواند به شما آسیب برساند؛ چیزی که خطر دارد.
خَراب کردن: از بین بردن
لَرزیدن: سَریع و پُشت هم تِکان خوردن
به (کسی/ چیزی) آسیب رساندن: به کسی صدمه‌زدن، چیزی را خراب‌کردن
سوختَن: وقتی چیزی بر اثرِ آتش می‌سوزد، یعنی آتش به آن آسیب می‌رساند.
یَخ زدن: تبدیل به یخ شدن
خُشک شدن: وقتی چیزی آب خود را از دست بدهد.
خَطر: حالتی است که ممکن است اتفاق بدی بیُفتد و باعثِ آسیب شود.
افزایش دادن: زیاد کردن
از دست دادن: وقتی چیزی را از دست می‌دهید، دیگر آن را ندارید.

شمارهٔ صفحه به عدد و حروف

راهنمای مدرسان

مدرس گرامی! پیشنهاد می‌شود:

- به منظور آمادگی برای ورود به درس، ابتدا در مورد موضوع درس با فارسی‌آموزان صحبت کنید. اجازه دهید اگر دانشی در زمینه محتوای درس دارند، دربارهٔ آن صحبت کنند.
- از فارسی‌آموزان بخواهید واژه‌های درس را بخوانند (در صورت نیاز می‌توانید از فایل صوتی استفاده کنید) و در گروه‌های کوچک یا دو نفره دربارهٔ واژه‌ها و جملات آن صحبت کنند.
- به پرسش‌های فارسی‌آموزان پاسخ دهید و در صورت نیاز، تلفظ آنها را اصلاح کنید.
- از فارسی‌آموزان بخواهید متن درس یا گفت‌وگوی آن را بخوانند. این کار می‌تواند به صورت انفرادی یا برای کل کلاس انجام شود. از آنها بخواهید اگر معنی واژه‌های جدید



۱۰ بیان احساسات

۱ چه احساسی داری؟

- او خوشحال است و می‌خندد.
- او ناراحت است و گریه می‌کند.
- او عصبانی است و فریاد می‌کشد.
- او به خاطر اشتباه خود شرمنده است و خجالت می‌کشد.
- او نگران است.

نگران چیزی هستی؟

- چیزی شده؟ نگران چیزی هستی؟
- آره، خیلی نگرانم. فردا امتحان دارم.
- نگران نباش. امیدوارم امتحانت رو خوب بدهی.

۲ چیزی شده، مشکلت چیه؟

۱) او گرسنه است، او می‌خواهد غذا بخورد.
۲) او تشنه است، او می‌خواهد آب بنوشد.
۳) او خسته است و خمیازه می‌کشد، او می‌خواهد بخوابد.

داخل متن یا گفت‌وگو را درک نکرده‌اند به ستون تعریف واژه‌های هر درس مراجعه کنند.

- اگر تعریف واژه‌ها توسط فارسی‌آموز درک نشد و راهنمایی‌های مدرس نیز راه‌گشا نبود، فارسی‌آموزان می‌توانند معادل انگلیسی واژه‌ها را در انتهای کتاب ببینند.
- در صورتی که درس دارای بخش «دقت کنید» یا نکته بود، از فارسی‌آموزان بخواهید با دقت به پیام این بخش‌ها توجه کنند و با توجه به بافت، آنها را بیاموزند.
- حدود ۳۰ دقیقه پایانی کلاس را به انجام تمرین‌ها اختصاص دهید. لازم است مدت زمان بیشتری به تمرین «دربارهٔ شما» و تمرین «گوش کنید» اختصاص دهید. تمرین «دربارهٔ شما» فرصت خوبی برای گفت‌وگوی کلاسی است.
- مدرس می‌تواند بر انجام تمرین‌ها نظارت داشته باشد و روند یادگیری فارسی‌آموزان را بررسی کند. در صورت نیاز فارسی‌آموزان برای اطمینان از پاسخ‌ها و یا به منظور اصلاح خطاهای خود می‌توانند به «پاسخ تمرین‌ها» در انتهای کتاب مراجعه کنند.
- از فارسی‌آموزان بخواهید از واژه‌نامه تک زبانه (یا دو زبانه در صورت نیاز) استفاده کنند.

راهنمای فارسی‌آموز

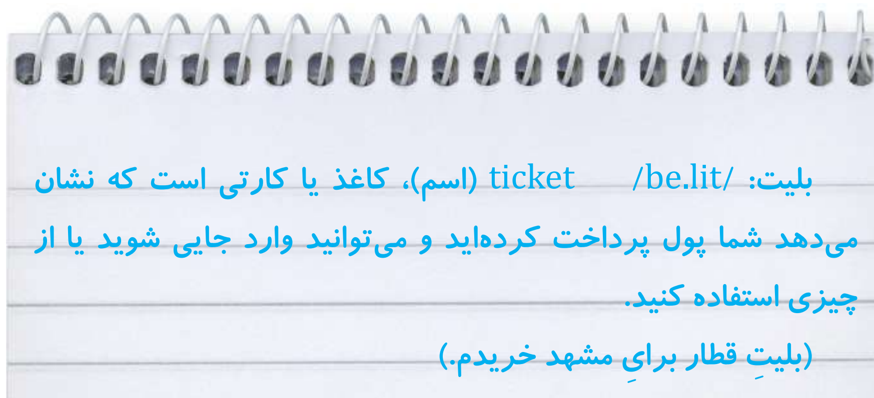
چگونه درس‌ها را به شکل خودآموز بخوانیم؟

فارسی‌آموز گرامی!

- واژه‌هایِ پُررنگ شده در متن درس‌ها و واژه‌های زیر هر تصویر را مطالعه کنید.
- به تصویرهایِ درس نگاه کنید و به تلفظ واژه‌ها در فایلِ صوتی گوش دهید یا می‌توانید از واژه‌نامهٔ انتهای کتاب تلفظِ دُرُست آنها را پیدا کنید.
- سعی کنید معنیِ واژه‌هایی که تصویر ندارند را در متن حدس بزنید. ستونِ «واژه‌ها» به شما کمک می‌کند، معنیِ واژه‌ها را دَرک کنید.
- واژه‌هایی در درس آبی رنگ هستند. دربارهٔ این واژه‌ها در بخشِ دِقَت کنید، توضیح داده شده است.
- متنِ درس را بخوانید و به فایلِ صوتیِ آن گوش دهید.
- تمرین‌ها را به ترتیب انجام دهید. سعی کنید در انجام تمرین‌ها از حافظهٔ خود استفاده کنید. پرسشِ اولِ همهٔ تمرین‌ها، پاسخ داده شده‌است. در صورت نیاز می‌توانید از بخشِ «پاسخ تمرین‌ها» در انتهای کتاب کمک بگیرید.
- تمرین «دربارهٔ شما» را پاسخ دهید. پاسخ این پرسش در بخش «پاسخ تمرین‌ها» وجود ندارد.
- فایلِ صوتیِ تمرینِ ۵ را چند بار گوش کنید تا تمرینِ آن را راحت‌تر انجام دهید. اگر بخشی از آن را متوجه نشدید، در انتهایِ کتاب، متنِ مربوط به آن را پیدا کنید و بخوانید.
- بعد از اینکه مطمئن شدید درس‌های یک حوزه را یادگرفته‌اید، تمرین‌هایِ مرورِ آن را به ترتیب انجام دهید. پاسخ این تمرین‌ها نیز در انتهای کتاب وجود دارد.
- در تمرین‌هایِ مرور، بخشی با عنوانِ «خودتان را اَرزیابی کنید» وجود دارد که شما باید روند یادگیری خود را در آن مشخص کنید.

روش‌های مؤثر در یادگیری واژه‌های جدید چیست؟

۱. دفترچهٔ یادداشت تهیه کنید. سپس واژه‌های جدید را یادداشت کنید و اطلاعات مربوط به آن را بنویسید. مانندِ تلفظِ واژه، مقولهٔ دستوری (اسم، صفت،...)، معادلِ واژه‌ها به زبان خود، ...



۲. واژه‌های جدید را هر چند وقت یکبار تکرار و مرور کنید.

۳. واژه‌های هم‌خانواده و مقوله‌های دستوری آن‌ها را نیز یادداشت کنید.

هنر (اسم)

هنرمند، هنرجو (صفت)

هنرمندانه (قید)

۴. یادگیری واژه‌هایی که بیشتر در کنار هم دیده می‌شوند، مهم است.

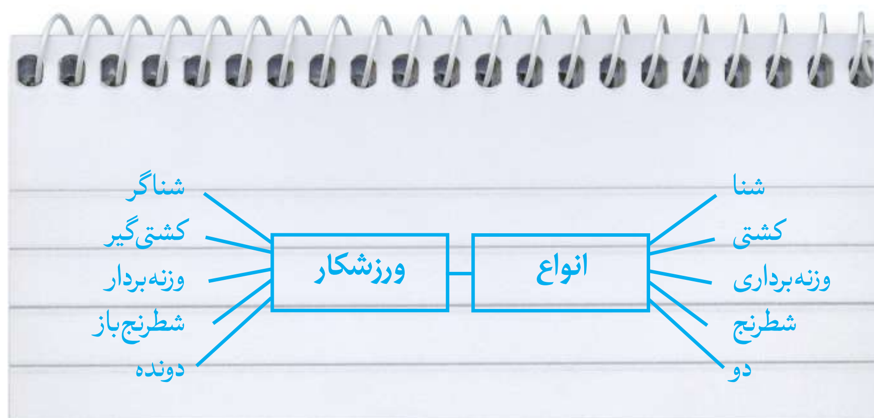
بَرفِ سَنگین

بارانِ شدید

باد تند

بادِ شدید

۵. ساختن شبکهٔ واژگانی با واژه‌ها به یادگیری واژه‌های جدید کمک می‌کند. شبکه واژگانی نوعِ ارتباط واژه‌ها را نشان می‌دهد.



۶. استفاده از فرهنگ‌لغت، به یادگیری واژه‌های جدید کمک می‌کند.

راهنمای پاسخگویی به تمرین‌ها و بعضی عبارات کاربردی در کلاس:

راهنَمای تَلفّظ حُروف وَ صداها

	حروف فارسی	نشانهٔ واجی	مثال انگلیسی	مثال فارسی
هم‌خوان‌ها (consonants)	ب	/b/	book	بـاران /bā.rān/
	پ	/p/	pen	پـا /pā/
	ت ، ط	/t/	ten	تـوپ/tup/
	س ، ص ، ث	/s/	rice, sad	سبز /sabz/ ، صابون /sā.bun/ ، کثیف /ka.sif/
	د	/d/	do	دود /dud/
	ظ ، ز ، ض ، ذ	/z/	zoo	زنبور/zan.bur/، ظرف /zarf/، غذا /qa.zā/، وضو/vo.zu/
	ق ، غ	/q/	-	قرمز/qer.mez/ ، غذا /qa.zā/
	ف	/f/	food	فرش /farʃ/ ، کفش /kafʃ/
	ک	/k/	cat, ask	کتاب /ke.tāb/
	گ	/g/	get	گل /gol/ ، سگ /sag/
	ل	/l/	ball, let	لـب /lab/ ، پل /pol/
	م	/m/	milk	میز /miz/
	ن	/n/	pen	نـمک /na.mak/
	و	/v/	very	وان /vān/
	ح ، ه	/h/	hit	هند/hend/ ، حباب /ho.bāb/
	ع ، ء	ʔ	-	عسل /ʔa.sal/ ، ساعت /sā.ʔat/ ، رئیس /ra.ʔis/
	خ	x	-	خـرس /xers/
	ج	ʤ	Job, age	جـنگل /dʒan.gal/
	چ	ʧ	cheese	چشم /tʃeʃm/
	ش	ʃ	she	شـیر /ʃir/
	یـ ی	j	yes	یـخ /jax/
	ر	r	red	رود/rud/
	ژ	ʒ	television	ژله /ʒe.le/ ، گاراژ /gā.rāʒ/
واکه‌ها (vowels)	اَ ـَ	/a/	cat	در /dar/
	اِ ـِ ـه ه	/e/	get	اِستخر/es.taxr/[1] ، سه /se/
	اُ ـُ	/ ɔ ː/[2]	saw	اُردک /ɔːr.dak/ ، پُر /pɔːr/
	آ	/ā/[3]	on, God	بابا /bā.bā/ ، آب /āb/
	یـ ، ایـ ، ای	/i/	happy	دیر /dir/ ، ایران/ir.ān/
	او ، و	/u/	good	موش /muʃ/ ، گردو /ger.du/

[1] نشانهٔ /ʔ/ (انسدادی چاکنایی) در بعضی از واژه‌هایی که با این واج شروع می‌شوند، آگاهانه و برای جلوگیری از سردرگمی نوآموزان حذف شده‌است.

[2] این واج در انگلیسی معادل تقریبی واج اُ ـُ در زبان فارسی است.

[3] معادل نشانهٔ /ā/ در جدول آی.پی.اِی (IPA) ، به صورت / ɑ / است. این جابجایی آگاهانه و برای ساده کردن نشانهٔ واج آ در فارسی بوده‌است.



حوزهٔ ۱ اطلاعاتِ مقدماتی

درس ۱ـ سلام و احوال‌پرسی

درس ۲ـ کشورها و ملیت‌ها

درس ۳ـ اعداد و زمان

درس ۴ـ تقویم

درس ۵ـ پر کردنِ فرم، اطلاعاتِ شخصی



سلام و احوال‌پرسی

۱ دَست دادن



رَسمی





غِیرِ رَسمی (دوستانِه)

رَسمی:

سَلام

حالِ شما چطوره؟ / حالِ شُما خوبه؟ / خوبید؟

خوبم، شُما خوبید؟

متشکرم/ مَمنونم.

خُدانِگَهدار/ خُداحافِظ

غِیرِ رَسمی:

سَلام

حالت چِطُوره؟ / خوبی؟

خوبَم، تُو خوبی؟

(خیلی) مَمنونم!

خُدافِظ، می‌بینَمِت.



هِنگامِ اَحوال‌پُرسی مَعمولا با هَم **دَست می‌دَهیم.**

۲ سَلام و اَحوال‌پُرسی

مَریَم: سَلام.

مینا: سَلام، حالت خوبه؟

مَریَم: خوبَم، ممنون. تُو خوبی؟

مینا: بَله، مَمنونم.

...

مَریَم: خُداحافِظ.

مینا: خُداحافِظ. می‌بینَمت.

آقایِ اَحَدی: سَلام. **صُبح بِه خِیر.**

خانمِ کیان: سَلام، صبحِ شما هم به خیر.

آقایِ اَحَدی: حالِ شما خوبه؟

خانمِ کیان: خیلی مَمنون، شما خوب هستید؟

آقایِ اَحَدی: بَله، مَمنونم.

خانُمِ کیان: روزِ خوبی داشتِه باشید.

آقایِ اَحَدی: شما هم **همین‌طور.**

خانُمِ کیان: خُداحافظ.

آقایِ اَحَدی: خُدانِگَهدار.

۳ اَمیر و علی برایِ اَوَلین بار یِکدیگر را مُلاقات می‌کنند.

اَمیر: سَلام.

علی: سَلام.

اَمیر: مَن اَمیر هَستم. اِسمِ شُما چیه؟

علی: من علی هستم.

اَمیر: خُوش‌وَقتَم.

علی: مَنَم هَمین‌طور.



دِقّت کنید | **فارسیِ نِوشتاری و گُفتاری** > جلد ۲ درسِ ۳۰

شکلِ بیشترِ واژه‌ها در فارسیِ نِوشتاری و فارسیِ گُفتاری یکسان است، مانندِ سلام، ممنون. اما شکلِ بعضی واژه‌ها هنگامِ گُفتار تَغییر می‌کُنند: (شُما > تُو) و فعلِ («است» > « ه / ـه») حالت خوب است؟ > حالت خوبه؟

• اما اگر واژهٔ قبل از «است» با (ه/ـه/ ا) تمام شود «است» در گفتار چندان تغییری نمی‌کند: (او داناست.)، (ساعت ده و بیست دقیقه‌است.)

واژه‌ها

مُلاقات کردن: دیدنِ کسی از نزدیک

صُبح بِه خِیر: وقتی دو نفر هنگامِ صبح یکدیگر را می‌بینند از این عِبارت استفاده می‌کنند.

خُوش‌وَقتَم: وقتی با کسی برایِ اولین بار آشنا می‌شویم از این عِبارت استفاده می‌کنیم.

... هَمین‌طور: در پاسخ به عباراتی مانندِ «خوش وقتم»، برای جلوگیری از تکرار و نشان دادنِ شباهت، از «...همین‌طور» استفاده می‌کنیم.

۱ با واژه‌هایِ داده شده ٦ عِبارت بِسازید.

خوش	خدا	چطوره	صبح	شماهم	خیلی
به خیر	وقتم	ممنون	نگهدار	حالت	همین‌طور

۱) خوش وقتم ۴) ....

۲) .... ۵) ....

۳) .... ۶) ....

۲ با استفاده از عبارت‌هایِ تمرین ۱ ، گفت‌وگویِ زیر را کامل کنید. دو عبارت اضافِه است.

۱) – سلام، حَسَنی هستم.
– سلام، آقایِ حَسَنی، خوش وقتم

۳) – سلام، ....
– سلام، ممنون. تو چطوری؟

۲) – خداحافظ.
– ....

۴) – سلام، ....
– سلام، صبحِ شما هم به خیر.

۳ واژهٔ اضافی را حذف کنید و با بقیهٔ واژه‌ها جمله یا عبارت بسازید.

۱) حالِ / خوبه / شما / صبح ..... حالِ شما خوبه؟

۲) هستم / من / زهرا / خوبی ....

۳) باشید / ممنون / خیلی ....

۴) صبح / به / خوب / خیر ....

۵) چیه / اسمِ / شما / لیلا ....؟

۴ دربارهٔ شما: جدولِ زیر را کامل کنید.

دوستِ شما	پاسخِ شما (به زبانِ فارسی)	پاسخِ شما (به زبانِ خودتان)
۱) سلام.	....	....
۲) حالِ شما خوبه؟	....	....
۳) خوش‌وقتم.	....	....
۴) خدانگهدار.	....	....

۵ گوش کنید: چه کسانی با هم صحبت می‌کنند؟ از گزینه‌هایِ زیر انتخاب کنید. 

الف) دو هم‌کلاسی   ب) دانشجو و استاد



۲ کشورها و ملیّت‌ها

۱ شما کُجایی هَستید؟

من ایرانی هَستم.



تِهران **پایتختِ** ایران است.

قارّه	کِشوَر	مِلیّت
آسیا	ایران تاجیکِستان کره	ایرانی تاجیک کره‌ای
اُروپا	روسیه فَرانسه ایتالیا	روس فَرانسَوی ایتالیایی
آفریقا	مِصر نیجِر تونِس	مِصری نیجِری تونِسی
آمریکا	کانادا آرژانتین مِکزیک	کانادایی آرژانتینی مِکزیکی
اُقیانوسیه	اُستralia نیوزلند	اُسترالیایی نیوزلندی



نامِ پایتختِ هر کِشوَر را در اطلسِ جغرافیا یا در اینترنِت جستجو کنید.

دِقّت کنید | ملیت + ها

وقتی دربارهٔ مردمِ یک کِشوَر صحبت می‌کنیـــم، علامتِ جمعِ «ها» را بـه مِلیّتِ آنها اضافه می‌کنیم.

ایرانی‌ها = مردمِ ایران

ایتالیایی‌ها = مردمِ ایتالیا

۲ شما به چه زَبانی صُحبت می‌کُنید؟

به زبانِ فارسی

به زبانِ عربی

	کِشوَر	مِلیّت	زَبان
مَردم در بعضی کشورها زَبانِ مُشتَرک و مُشخَصی دارند.	• لُبنان، سوریه، عِراق ... • اسپانیا، کلمبیا، کوبا، ... • انگلستان، آمریکا، استرالیا، ...	• لُبنانی، سوری، عراقی ... • اسپانیایی، کلمبیایی، کوبایی ،... • انگلیسی، آمریکایی، ...	• عَرَبی • اسپانیایی • انگلیسی
نامِ زبانِ مردم در بعضی کشورها مانندِ نام ملیتِ آنها است و در بعضی دیگر فرق دارد.	آلمان ژاپُن فرانسه روسیه تُرکیه	آلمانی ژاپُنی فرانسوی روس تُرک	آلمانی ژاپُنی فرانسوی روسی تُرکی

۳

۱) ایرانی‌ها، اَفغان‌ها و تاجیک‌ها به زَبانِ فارسی صُحبَت می‌کُنَند.

۲) مِکزیکی‌ها به زبانِ اِسپانیایی صحبت می‌کنند.

۳) بِرزیلی‌ها به زبانِ پُرتِغالی صحبت می‌کنند.

٤) زبانِ سَواحیلی یکی از زبان‌های آفریقایی است.

٥) ایران در قارّهٔ آسیا است/ **قَرار دارد.**

٦) یونان در قارّهٔ اُروپا است/ **قَرار دارد.**



سیتا خود را معرفی می‌کند:

اسمِ مــن سیتـــا است. من هِندی هستم و در دِهلیِ نو زندگی می‌کنم. دهلیِ‌نو پایتَختِ هِند است. **زبانِ رسمیِ** هندی‌ها، هندی و انگلیسی است.

در دهلی، مردم به زبانِ اردو هم صحبت می‌کنند.

۱ کدام جمله درست (✓) و کدام جمله نادرست (✗) است.

روسی
۱. روس‌ها به زبانِ روسیه‌ای صحبت می‌کنند. ⊗
۲. مردمِ ترکیه به زبانِ تُرکی صحبت می‌کنند. ◯
۳. ایتالیایی‌ها به زبانِ ایتالیا صحبت می‌کنند. ◯
۴. ژاپنی‌ها به زبانِ ژاپن صحبت می‌کنند. ◯
۵. عراقی‌ها به زبانِ عربی صحبت می‌کنند. ◯

برایِ پاسُخ دادن به بعضی تمرین‌ها ممکن است لازم باشد از کتابِ مرجع، فرهنگِ لغت یا اینترنت استفاده کنید.

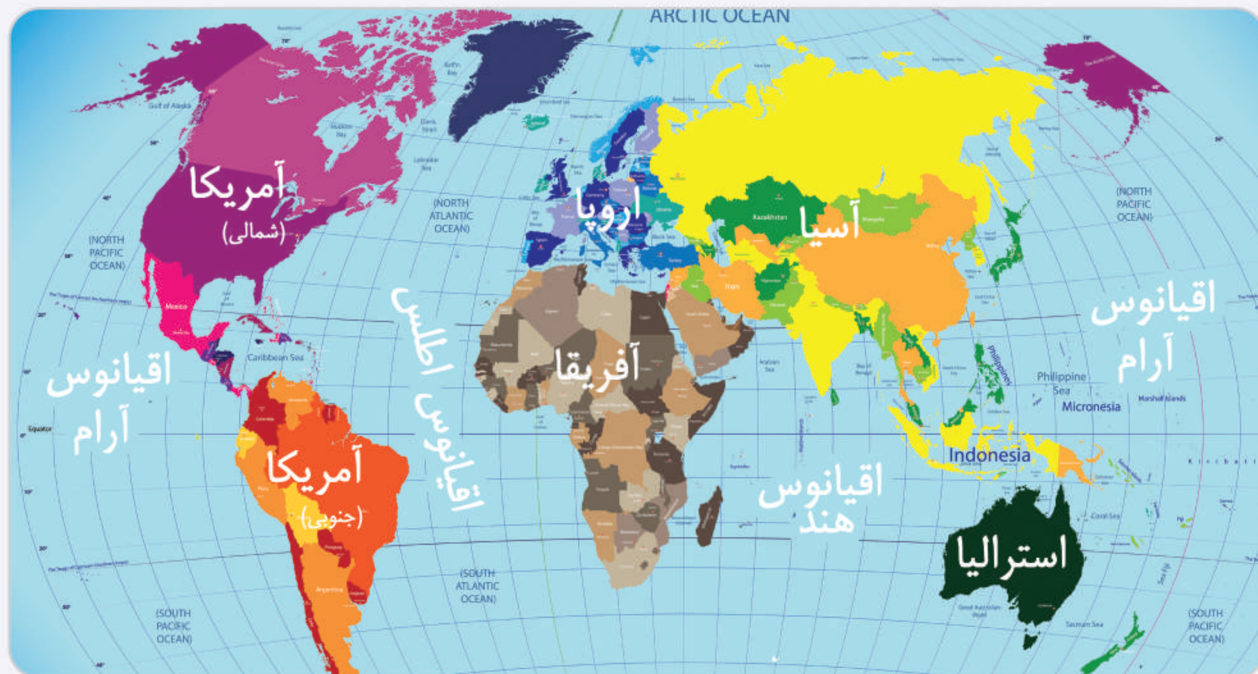
۲ دورِ واژهٔ درست خط بکشید.

۱. مردمِ هُلَند،(هُلَندی/ هُلَند) صحبت می‌کنند.
۲. من در (فرانسوی/ فرانسه) زندگی می‌کنم.
۳. او (انگلیس/ انگلیسی) صحبت می‌کند.
۴. (مصر/ مصری) در قارّهٔ آفریقا قرار دارد.
۵. آندریاس (اُتریشی/ اُتریش) است.

۳ کدام واژه با واژه‌هایِ دیگر فَرق دارد؟ توضیح دهید؟

۱. سوریه، کُره، ایتالیایی، عراق ... ایتالیایی نامِ زبان یا ملیّت است؛ اما بقیهٔ واژه‌ها نام کشور هستند.
۲. آسیا، آفریقا، انگلستان، اروپا ...
۳. چین، اِسپانیا، آلمان، روسی ...
۴. ایرانی، ترکیه، روس، تاجیک ...
۵. ایران، فرانسه، لبنان، آفریقا ...

۴ دربارهٔ شما: حدودِ کشورِ خود را بر رویِ نَقشه مشخص کنید و جاهایِ خالیِ زیر تصویر را پر کنید.





قاره: ....

کشور: ....

پایتخت: ....

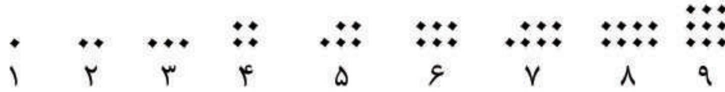
ملیّت: ....

زبان: ....

۵ گوش کنید: سارا خود را معرفی می‌کند. با توجه به صحبت‌هایِ او، جاهایِ خالیِ زیر را پُر کنید. 

۱. نامِ کشورِ سارا: .... ۲. ملیّتِ سارا: .... ۳. زبانِ سارا: ....

۳ اعداد و زمان



۱ اعداد

صَد و یِک	۱۰۱	بیست	۲۰	دَه	۱۰	صِفر	۰
هِزار و یِک	۱,۰۰۱	سی	۳۰	یازدَه	۱۱	یِک	۱
یِک میلیون و یِک	۱,۰۰۰,۰۰۱	چِهِل	۴۰	دَوازدَه	۱۲	دو	۲
هَشتاد و چهار	۸۴	پَنجاه	۵۰	سیزدَه	۱۳	سه	۳
نَوَد و سه	۹۳	شَصت	۶۰	چهاردَه	۱۴	چهار	۴
دویست و بیست و شِش	۲۲۶	هَفتاد	۷۰	پانزدَه	۱۵	پَنج	۵
سیصد و شِش	۳۰۶	هَشتاد	۸۰	شانزدَه	۱۶	شِش	۶
پانصَد و نَوَد و یِک	۵۹۱	نَوَد	۹۰	هِفدَه	۱۷	هَفت	۷
نُهصَد و بیست و یِک	۹۲۱	صَد / یِک‌صد	۱۰۰	هِجدَه	۱۸	هَشت	۸
دو هِزار و هَفت‌صَد و سی و دو	۲,۷۳۲	هِزار/ یِک‌هزار	۱,۰۰۰	نوزدَه	۱۹	نُه	۹
دو میلیون و چهارصَد و پَنج‌هزار	۲,۴۰۵,۰۰۰	یِک میلیون	۱,۰۰۰,۰۰۰				

۲ ساعَت


چهار


چهار و دَه دَقیقه


چهار و پانزده دَقیقه
(چهار و رُبع)


چهار و سی دَقیقه
(چهار و نیم)


چهاروچِهِل وپَنج‌دَقیقه
(یِک رُبع به پَنج)


چهار و پَنجاه دَقیقه
(دَه دَقیقه به پَنج)

۳ اوقاتِ شبانه روز

هشتِ **صُبح**	08:00
دوازده **ظُهر**	12:00
دوِ **بَعد از ظُهر**/ چهارده	14:00
هَشتِ **شَب**/ بیست	20:00
دوازده شب/ **نیمه شَب**/ بیست و چهار	24:00
سی دقیقهٔ **بامداد**/ بعد از **نیمه شَب**	00:30

. سی دقیقهٔ **بامداد**
. بعد از **نیمه شَب**
00:30

. دوازدهِ شَب
. **نیمه شَب**
. بیست و چهار
24:00

. هَشتِ **شَب**
. بیست
20:00

. دوِ **بَعد از ظُهر**
. چهارده
14:00

. دوازدهِ **ظُهر**
12:00

. هشتِ **صُبح**
08:00



۴ ساعت چَنده؟

– بِبَخشید، ساعت چَنده؟
: ساعت چهاره.
– خیلی مَمنون.
: خواهِش می‌کنم.

در گفتنِ عَددها و ساعَت «و» به صورتِ ـُ /o/ تَلفظ می‌شود.
پَنج و بیست دَقیقه
/pand$_3$–o bist daqiqe/

۳ تمرین

۱ اعدادِ داده شده را در جایِ خالیِ مُناسب بنویسید. یک عدد اِضافه است.

۹۳ ~~۴۵~~ ۱۰۶ ۴۲۹ ۱۹ ۲۱۳۰ ۱۲

۱) چِهِل و پَنج = ..۴۵...

۲) دَوازدَه = ...

۳) نَوَد و سه = ...

۴) دو هِزار و صَد و سی = ...

۵) نوزدَه = ...

۶) چهار صَد و بیست و نُه = ...

۲ هر یک از عبارت‌هایِ سمتِ راست را به عبارت‌هایِ مناسب در سمتِ چپ وصل کنید.

۱) یک رُبع به دو (بعد از نیمه شب)

۲) سه و رُبع

۳) هَفت و نیم

۴) یک رُبع به هَفت

۵) پنجِ بَعد از ظُهر

- هَفت و سی دَقیقه
- سه و پانزدَه دَقیقه
- هفدَه
- یَک و چِهِل و پَنج دَقیقهٔ بامداد
- شِش و چِهِل و پَنج دَقیقه

۳ شکلِ دیگرِ اعداد و ساعت‌ها را مقابلِ آن‌ها بنویسید.

عدد		ساعت	
۱) هفتصَد و شَصت و نُه	.۷۶۹.	۱) سه و بیست دَقیقه	......
۲) هجدَه	......	۲) دَه دَقیقه به هَشت	......
۳) نُوَد و شِش	......	۳) یازدَه و دَه دَقیقه	......
۴)	۷۵	۴) دو و بیست و پَنج دَقیقه	۲:۲۵
۵)	۵۴۴	۵)	۱۸:۰۳

۴ دربارهٔ شما: به پرسش‌هایِ زیر پاسخ دهید، سپس این پرسش‌ها را از دوستِ خود بپرسید.

۱) شما هر روز صبح «ساعَتِ چَند» از خواب بیدار می‌شوید؟ ....

۲) «چِه ساعَتی» به دانشگاه یا به محلِ کار خود می‌روید؟ ....

۳) «چِه ساعَتی» به خانه برمی‌گردید؟ ....

۴) شما در «چِه سالی» به دنیا آمده‌اید؟ ....

۵) شما «چَند ساعَت» در شَبانه روز می‌خوابید؟ ....

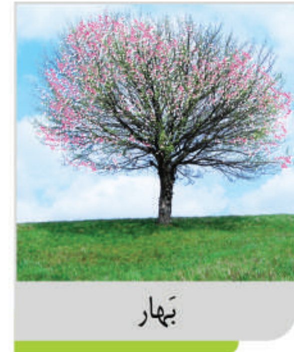
۵ گوش کنید: دورِ پنج عددی را که می‌شنوید خط بکشید. 

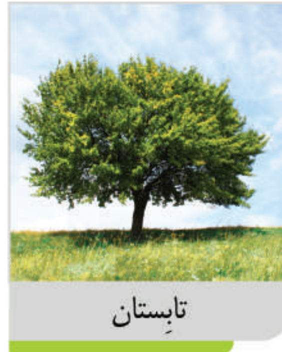
۱۷ – ۲۹ – ۳۸ – ۹ – ۴۰۷ – ۷۱ – ۱۱۴ – ۹۰ – ۱۰۰۰ – ۳۶ – ۱۸ – ۵ – ۵۲ – ۴۴۶ – ۲۷۰

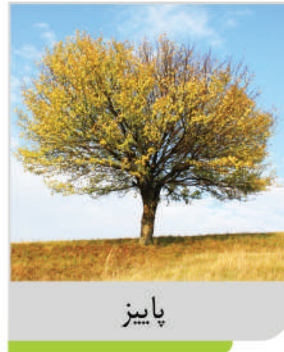


۴ تقویم

۱ فَصل‌ها و ماه‌ها


بَهار


تابِستان


پاییز


زِمِستان

	بَهار	تابِستان	پاییز	زِمِستان
یک **سال** چهار **فَصل** دارد. ⟵	بَهار	تابِستان	پاییز	زِمِستان
یک **سال** دوازده **ماه** دارد. ⟵	۱. فَروَردین	۴. تیر	۷. مِهر	۱۰. دِی
	۲. اُردیبِهِشت	۵. مُرداد	۸. آبان	۱۱. بَهمَن
	۳. خُرداد	۶. شَهریوَر	۹. آذَر	۱۲. اِسفَند

۲ روزهایِ هَفتِه

یک **هَفتِه** هفت **روز** دارد. ⟵ **شَنبه، یِک‌شَنبه، دوشَنبه، سِه‌شَنبه، چهارشَنبه، پَنج‌شَنبه، جُمعه**

فروردین ۱۳۹۵

Mar / Apr 2016

جمادی الثانی / رجب ۱۴۳۷

روز					
شنبه Saturday		۷ (26 / ۱۶)	۱۴ (2 / ۲۳)	۲۱ (9 / ۱)	۲۸ (16 / ۸)
یکشنبه Sunday	۱ (20 / ۱۰)	۸ (27 / ۱۷)	۱۵ (3 / ۲۴)	۲۲ (10 / ۲)	۲۹ (17 / ۹)
دوشنبه Monday	۲ (21 / ۱۱)	۹ (28 / ۱۸)	۱۶ (4 / ۲۵)	۲۳ (11 / ۳)	۳۰ (18 / ۱۰)
سه‌شنبه Tuesday	۳ (22 / ۱۲)	۱۰ (29 / ۱۹)	۱۷ (5 / ۲۶)	۲۴ (12 / ۴)	۳۱ (19 / ۱۱)
چهارشنبه Wednesday	۴ (23 / ۱۳)	۱۱ (30 / ۲۰)	۱۸ (6 / ۲۷)	۲۵ (13 / ۵)	
پنج‌شنبه Thursday	۵ (24 / ۱۴)	۱۲ (31 / ۲۱)	۱۹ (7 / ۲۸)	۲۶ (14 / ۶)	
جمعه Friday	۶ (25 / ۱۵)	۱۳ (1 / ۲۲)	۲۰ (8 / ۲۹)	۲۷ (15 / ۷)	

سینا: تولدِ تو چَند شَنبه اَست؟
پارسا: جُمعه. خوشحال می‌شَم تو هم بیایی.
سینا: بله، حتماً!

۱) تیر، **چهارُمین** ماهِ سال است.
۲) پاییز **سوُمین فصلِ** سال است.
۳) جُمعه **آخرین روزِ** هفته است.
٤) در ایران جمعه‌ها **تعطیل** است و ما به دانشگاه نمی‌رویم.
٥) **اَولِ فروردین، اولین روزِ** سال در ایران است.
٦) شروعِ سالِ جدید را **نوروز** می‌نامیم.



دیروز	اِمروز	فَردا
دیشَب	اِمشَب	فَردا شَب
پارسال	اِمسال	سالِ آیَنده

دِقَت کنید | **اعدادِ تَرتیبی**

یکُـم (اَوَل)، دُوُم، سِـوُم، چهـارُم ... (عـدد + ـُم) و اوَلیـن، دُوُمین، سِـوُمین، چهارُمین ... (عدد + ـُمین) اعدادِ ترتیبی هستند. معمولاً اعدادِ ترتیبی با اسم می‌آیند:
روزِ اَوَل (یکُم)، هفتهٔ دُوم، ... (اسم + عددِ ترتیبی)
اَوَلین روز، دُوُمین هَفتِه، ... (عددِ ترتیبی + اسم)

۳ تاریخ

سینا: امروز چند شنبه است؟
مریم: دوشنبه.
سینا: **چندُم** آذره؟
مریم: **نوزدَهُم** آذر.
سینا: یعنی **چندُم** دِسامبر؟
مریم: **پَنجُم** دِسامبر.

دِقَت کنید | **گفتن و نوشتنِ تاریخ**

تاریخ را به این صورت می‌گوییم:
۹۴/۸/۱ = یکِ هشتِ نود و چهار/ اولِ آبان/ یکمِ آبان
۹۴/۸/۳۰ = سیِ هشتِ نود و چهار/ سیِ اُم آبان نود و چهار/ آخَرِ آبانِ نود و چهار و به این صورت می‌نویسیم:
۱۳۹۴/۸/۱ = اولِ آبان (ماه) سالِ هزارُ و سیصدُ و نودُ و چهار

«شب‌ها ماه در آسمان است.»
«هر سال دوازده ماه دارد.»
واژهٔ «ماه» در دو جملهٔ بالا چه فرقی با هم دارند؟

۴ تمرین

۱ جاهایِ خالیِ زیر را با واژه‌هایِ داده شده پر کنید. یک واژه اضافه است.

سِوُمین — فروردین — آخَرین — تابِستان — ~~بَهار~~ — شَهریوَر

۱) فَروَردین، اردیبِهِشت و خُرداد ماه‌هایِ فَصلِ ...... بهار ...... هستند.

۲) اوّلین ماهِ سال .... است.

۳) پاییز .... فصلِ سال است.

۴) زِمستان .... فَصلِ سال است.

۵) تیر، اَوَلین ماهِ .... است.

۲ دورِ تاریخ‌هایِ داده شده را در تقویمِ خط بکشید.

۱) بیست و شِشُمِ شَهریوَر

۲) چهاردَهُمِ مُرداد

۳) بیست و هَشتُمِ مُرداد

۴) هَفتُمِ شَهریوَر

۵) هِجدهُمِ مُرداد

شهریور ۱۳۹۵ — August-September2016

شنبه		۶ 27	۱۳ 3	۲۰ 10	۲۷ 17
یکشنبه		۷ 28	۱۴ 4	۲۱ 11	۲۸ 18
دوشنبه	۱ 22	۸ 29	۱۵ 5	۲۲ 12	۲۹ 19
سه شنبه	۲ 23	۹ 30	۱۶ 6	۲۳ 13	۳۰ 20
چهارشنبه	۳ 24	۱۰ 31	۱۷ 7	۲۴ 14	۳۱ 21
پنجشنبه	۴ 25	۱۱ 1	۱۸ 8	۲۵ 15	
جمعه	۵ 26	۱۲ 2	۱۹ 9	۲۶ 16	

مرداد ۱۳۹۵ — July-August2016

شنبه	۲ 23	۹ 30	۱۶ 6	۲۳ 13	۳۰ 20
یکشنبه	۳ 24	۱۰ 31	۱۷ 7	۲۴ 14	۳۱ 21
دوشنبه	۴ 25	۱۱ 1	۱۸ 8	۲۵ 15	
سه شنبه	۵ 26	۱۲ 2	۱۹ 9	۲۶ 16	
چهارشنبه	۶ 27	۱۳ 3	۲۰ 10	۲۷ 17	
پنجشنبه	۷ 28	۱۴ 4	۲۱ 11	۲۸ 18	
جمعه	۱ 22	۸ 29	۱۵ 5	۲۲ 12	۲۹ 19

۳ با توجه به تقویمِ صفحهٔ قبل به پرسش‌هایِ زیر پاسخ دَهید.

۱) اَوَلین دوشنبه در ماهِ مُرداد، چَندُم مُرداد است؟ ... چهارمِ مُرداد ...

۲) هشتمِ سِپتامبر، چندمِ شَهریوَر است؟ ....

۳) هِجدَهُمِ مُرداد، چندمِ آگوست است؟ ....

۴) آخَرین روزِ شَهریور چَند شَنبه است؟ ....

۵) شانزدَهُمِ مُرداد چَند شَنبه است؟ ....

۴ دربارهٔ شما: به تقویمِ خود نگاه کنید و جدولِ زیر را کامل کنید.

	تاریخِ امروز	تاریخِ تَولُدِ شما	تاریخِ یک روزِ مهم در کشورِ شما	تاریخِ اولین روزِ سال در کشورِ شما
تقویمِ کشورِ شما	....	....	....	....
تقویمِ ایرانی	....	....	....	....

۵ گوش کنید: با توجه به گفت‌وگو، گزینهٔ درست (✓) را انتخاب کنید.



۱) سارا در چه روزی به دنیا آمده است؟ الف) ۲۶ بهمن ب) ۲۶ تیر پ) ۲۰ تیر

۲) سارا کِی به ایران آمده است؟ الف) مهرِ امسال ب) تیرِ پارسال پ) مهرِ پارسال

۵ پر کردنِ فرم و اطلاعاتِ شخصی

۱ پُرکردنِ فُرم

اسکار برای **ثبتِ نام** در کلاسِ زبان، **فُرمِ زیر** را **پُــر می‌کند.**

فرمِ ثبتِ نام		عکس
نام: اسکار	نامِ خانوادگی: پودلاشینسکی	
نام پِدَر: میهاو	ملیت : لهستانی	
شُغل: دانشجو	سِن: ۲۳	
تاریخ تولد: ۱۹۹۳ /۱۲/۲۰	محلِ تولد: کراکوف	
جنسیت: زن ○ مَرد ✓	وضعیت تأهُل: متأهل ○ مُجرد ✓	
تلفن ثابت: ۲۲۳۴۵۷۶	تلفن همراه: ۰۹۱۲۴۳۰۰۰۵	
محل سکونت: تهران	آدرس ایمیل: o_pod@gmail.com	
نشانی: تهران، خیابانِ فردوسی، کوچهٔ سوم، شمارهٔ ۲۸، طبقهٔ دوّم		
کد پستی: ۱۸۹۲۳۹۸۸۷	امضا: oscar	

...خارجی جهت ورود به کشور جمهوری اسلامی

...با خط خوانا، در صورت دادن پاسخ نادرست یا ناقص به درخواست شما رسیدگی نخواهد...

الف: مشخصات دعوت شونده:

۱- نام فارسی

لاتین

۲- نام خانوادگی فارسی

لاتین

۳- نام پدر:

۴- نام قبلی:

۶- تاریخ و محل تولد:

۵- نام جد (فقط مخصوص اتباع کشورهای عربی و افغانستان)

- تابعیت قبلی

فعلی

۷- نوع و شماره گذرنامه:

- میزان تحصیلات:

۹- وضعیت تاهل: مجرد ☐ متاهل ☐ مطلقه ☐

- وضعیت اشتغال (بطور مشروح پاسخ دهید)

خصوصی ☐

۱۱- نام و نام خانوادگی همسر:

دقیق محل کار و شماره تلفن:

۲ پرسیدن و دادنِ اطلاعاتِ شخصی

مینا: **اِسمِ شما چیه؟**

مریم: مریم

مینا: **نامِ خانوادگیِ شما چیه؟**

مریم: سلیمی

مینا: **شما اهلِ کُجا هستید؟**

مریم: ایران

مینا: **محلِ تولدِ شما کجاست؟**

مریم: شیراز

مینا: **محلِ سکونتِ شما کجاست؟ / شما کجا زندگی می‌کنید؟**

مریم: تهران

مینا: **چَند سال دارید؟**

مریم: ۳۰ سال.

مینا: **شُغلِ شما چیه؟**

مریم: کارمندم.

مینا: **شما متأهل هستید؟**

مریم: بله

واژه‌ها

ثبتِ نام: نام‌نویسی در جایی برایِ استفاده از امکاناتِ آنجا

پُرکردنِ فُرم: نوشتنِ پاسخِ سوال‌هایِ داخلِ یک فرم

نام: اسم

نامِ خانوادگی: نامی که بینِ همهٔ اعضای خانواده مشترک است؛ هم‌معنیِ **فامیلی**

تاریخِ تولد: روز، ماه و سالی که به دنیا آمده‌اید.

مَحَلِ تولد: شهری که در آنجا به دنیا آمده‌اید.

جنسیت: زن یا مرد بودن

مُتَأهِل: کسی که ازدواج کرده است. مخالفِ مجرد

مَحَلِ سُکونَت: محلی که در آن زندگی می‌کنید.

اِطلاعات: چیزهایی هستند که می‌دانید یا می‌توانید با پرسیدن از آن‌ها با خبر شوید.

اِطلاعاتِ شَخصی: واقعیت‌هایی که در زندگیِ کسی وجود دارد، مانندِ اسم، آدرس، تحصیلات، ...

۵ تمرین

۱ هر یک از سوال‌هایِ سمتِ راست را به پاسخِ مناسب در ستونِ سمتِ چپ وصل کنید.

۱) شما متأهل هستید؟	• سی سالمه.
۲) شغلت چیه؟	• بله.
۳) اهلِ کجایی؟	• معلمم.
۴) اسمِ شما چیه؟	• ایران
۵) چند سالته؟	• مهدی

۲ پرسش‌هایِ زیر را کامل کنید.

۱) اِسمِت ...... چیِه ....؟	– مینا
۲) .... کجا هستید؟	– مصر
۳) .... شما چیه؟	– معلم هستم.
۴) چَند.................؟	– سی و پنج.
۵) .... زندگی می‌کنی؟	– در قاهره.

۳ واژه‌هایِ زیر را مرتب کنید و جمله بسازید. یک واژه در هر جمله اضافه است.

۱) شما / نام / چیه/ ~~چند~~/ خانوادگی؟ .... نامِ خانوادگیِ شما چیه؟........

۲) تولد/ کجاست / شما/ محل/ چیه؟ ....

۳) لطفاً / اهل/ این / پُر کُنید / فُرم / رو. ....

۴) سکونت/ کجاست / شما/ محل/ چیه؟ ....

۵) متأهل / شما / سال/ هستید؟ ....

۴ دربارهٔ شما: فُرمِ زیر را با مُشخصاتِ واقعیِ خود پُر کنید.

فرم مشخصات			
نام:	نامِ خانوادگی:	نامِ پدر:	تاریخِ تولد:
شغل:	ملیّت:	جنسیت: زن ◯ مَرد ◯	وضعیتِ تأهل:
تلفنِ ثابت:	تلفنِ همراه:	آدرس ایمیل:	
نشانی:			

۵ گوش کنید: دورِ واژهٔ مناسب را خط بکشید.



۱) کاترین (انگلیسی / ایرانی) است.

۲) کاترین ازدواج (کرده است/ نکرده است).

مرور

۱ واژه‌ها و عبارت‌هایِ داده شده را در جدولِ زیر دسته‌بندی کنید.

حالِت چِطوره؟ خوب هستید؟

ایشون آقایِ اسلامی هستن.

حالِ شما خوبه؟ چند سالته؟ خوبی؟

رسمی	دوستانه
ایشون آقایِ اسلامی هستن.	....
....	....
....	....

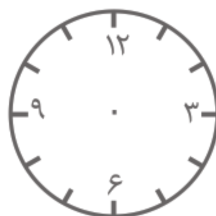
۲ جاهایِ خالی زیر را با نامِ کشور، زبان و ملیّت پر کنید.

محمد و علی دانشجو هستند. آنها **مصری** هستند و به زبانِ عـ ـ ـ ـ صحبت می‌کنند. دانشجویانِ کلاسِ آنها از کشورها و ملیت‌هایِ مختلفی هستند. دو نفر از کشورِ نیجـ ـ ـ ـ ، سه نفر کُـ ـ ـ ـ ـ و یک نفر از کشورِ رو ـ ـ ـ دو نفر هم از کشورِ تا جـ ـ ـ ـ ـ ـ هستند. تا ـ ـ ـ ها به زبانِ فا ـ ـ ـ صحبت می‌کنند، اما خطِ آنها فارسی نیست.

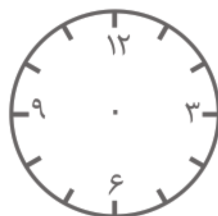
۳ الف) عقربه‌های ساعت‌ها را بکشید.



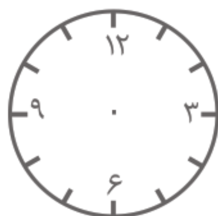
۱) هفت و ده دقیقه



۲) نُه و سی و پنج دقیقه



۳) بیست دقیقه به ده



۴) دو و نیم

ب) با توجه به تصویر، ساعت را به حروف بنویسید.



۱) **هفت و سی دقیقه**



۲) ....



۳) ....



۴) ....

پ	ج	گ	ن	ا	ت	س	م	ز
ک	م	ز	ا	ص	ب	ق	ذ	چ
ه	ب	ن	ش	ر	ا	ه	چ	د
ص	ت	ش	ر	و	ی	ر	ه	ش
و	ا	ه	ع	ت	ا	ب	س	ر
پ	ب	خ	ا	ل	ب	ت	ه	و
ی	س	ر	ص	د	ن	ف	س	ا
ح	ت	د	ط	ر	د	ث	ه	ی
ن	ا	ا	ل	ب	ا	پ	ر	گ
ز	ن	د	ر	ه	ب	ن	ش	ب

۴ هفت واژهٔ مربوط به روزهایِ هفته، ماه و فصل را در جدولِ زیر پیدا کنید و دورِ آن‌ها خط بکشید.

۱) ...... زمستان ......
۲) ....
۳) ....
۴) ....
۵) ....
۶) ....
۷) ....

۵ صحبت کنید: ایران کشورِ چهار فصل است. کشورِ شما چطور؟ دربارهٔ آن صحبت کنید.

۶ گوش کنید: کدام جمله درست (✓) و کدام جمله نادرست (✗) است.

۱) آلیس دربارهٔ نوروز هیچ چیز نمی‌دانست. ◯
۲) آلیس جشنِ نوروز را ندیده است. ◯
۳) روبرت امسال برایِ جشنِ کریسمس به فرانسه می‌رود. ◯

۷ بنویسید: مشخصاتِ خود را در یک بند (پاراگراف) به صورتِ یک متنِ کوتاه بنویسید.

....
....
....



۸ بخوانید: متنِ زیر را بخوانید و به پرسش‌هایِ آن پاسخ دهید.

تقویم

گاهشُماری یا تقویم راهی برایِ حساب کردنِ زمان و تاریخ است. کشورهایِ مختلف جهان از تقویم‌هایِ متفاوتی استفاده می‌کنند. تقویمِ هجریِ شمسی/خورشیدی، در کشورهایِ ایران و افغانستان **تقویمِ رسمی** است. این تقویمِ ایرانی دقیق‌ترین گاهشماریِ جهان است. اولین روزِ سالِ خورشیدی، **نخستین** روزِ بهار است. کشورهایی که از این تقویم استفاده می‌کنند، معمولاً سالِ جدید را در اولین روزِ بهار جشن می‌گیرند. تقویمِ هجریِ قمری در بسیاری از کشورهایِ اسلامی به عنوانِ **تقویمِ مذهبی** استفاده می‌شود. تقویمِ چینی، تقویمِ هندی و تقویمِ میلادی نمونه‌هایِ دیگری از تقویم هستند.

فکر کنید: ۱) آیا معنیِ واژه‌هایِ مشخص شده را می‌دانید؟
۲) آیا تقویمِ رسمی و تقویمِ مذهبی در کشورِ شما متفاوت است؟

خودتان را اَرزیابی کنید:
آیا واژه‌هایِ این حوزه را کاملاً یاد گرفته‌اید؟
کدام درس را بهتر یاد گرفته‌اید؟
از ۱ تا ۵ به خودتان نمره دهید.

- سلام و احوال‌پرسی ◯
- کشورها و ملیت‌ها ◯
- اعداد و زمان ◯
- تقویم ◯
- پرکردنِ فرم و اطلاعاتِ شخصی ◯

حوزهٔ ۲ مردم

درس۶- خانوادهٔ من

درس۷- اعضایِ بدن و افعالِ حرکتی

درس۸- توصیفِ ویژگی‌هایِ ظاهری

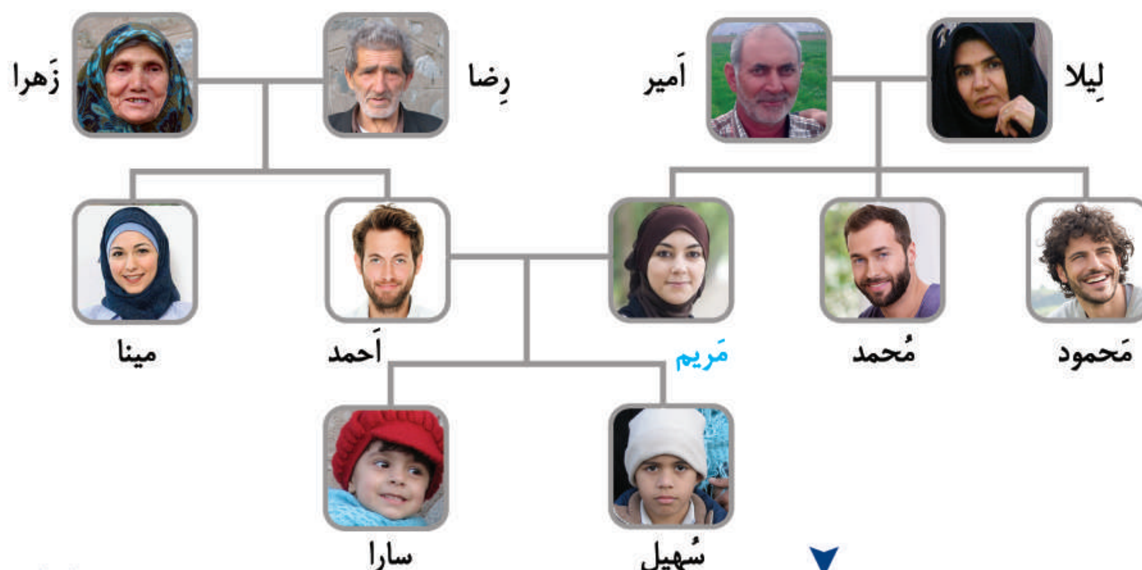
درس۹- توصیفِ خصوصیاتِ شخصیتی

درس۱۰- بیانِ احساسات



۶ خانوادهٔ من

۱ نِسبت‌هایِ خانوادگی



در فارسیِ گفتاری به مادر و پدر، ماماِن و بابا می‌گوییم.

هَمسر= زن و شوهر
امیر هَمسرِ مریم است.
امیر شوهرِ مریم است.
مریم زنِ اَمیر است.
مریم هَمسرِ امیر است.

۲

- ۱ مَریم **فَرزَندِ** لیلا و امیر است؛ امیر **پدر** و لیلا **مادرِ** مَریم است.
- ۲ مَریم دو **بَرادر** دارد؛ مَحمود و مُحمد بَرادرهای مَریم هستند. مَریم **خواهر** ندارد.
- ۳ مَریم **با** احمد **ازدواج کرده است** و دو فَرزند دارد؛ مَریم و احمد **زَن** و **شوهَر** هستند.
- ۵ سُهیل **پِسرِ** مَریم است و سارا **دَخترِ** او است؛ سُهیل و سارا **بَچه**هایِ مَریم و احمد هستند.
- ۶ رِضا **پدربزرگِ** سُهیل و سارا است؛ زَهرا **مادربزرگِ** آنها است؛ سُهیل و سارا **نَوه**هایِ رِضا و زَهرا هستند.
- ۷ مُحمد و مَحمود **دایی**هایِ سُهیل و سارا هستند؛ سُهیل و سارا **خاله** (خواهرِ مادر) ندارند.
- ۸ مینا **عَمّهٔ** سُهیل و سارا است؛ سُهیل و سارا **عَمو** (بَرادرِ پدر) ندارند.
- ۹ رِضا **پدرشوهرِ** مَریم است و زَهرا **مادرشوهرِ** او است.
- ۱۰ امیر **پدرزنِ احمد است** و لیلا **مادرزنِ** او است.
- ۱۱ پِدر و مادرِ احمد **پیر** هستند.

به دنیا آمدن ≠ **از دنیا رفتن**

۳

مَریم مُتأهل است. هفت سالِ پیش، احمد از او **خواستگاری کرد** وآنها ازدواج کردند. یک سال بَعد، اولین فَرزندِ آنها به دنیا آمد . **نام** او را سارا **گذاشتند.**
سارا اولین نَوهٔ **فامیل** است. بَرادرهایِ مَریم مُجرد هستند. خواهرِ احمد هم **از** هَمسرش **جُدا شده است** و فَرزندی ندارد.
پدرِ احمد دو سال بَعد از تَولّد سُهیل، از دنیا رفت. **مَرگِ** او برای **خانواده** سَخت بود. حالا زَهرا و دُختَرش، مینا، با هم زندگی می‌کنند.



واژه‌ها

با(کسی) ازدواج کردن: وقتی زن و مردی ازدواج می‌کنند، هَمسرِ یکدیگر می‌شوند.

پیر: کسی که سنِ زیادی دارد؛ مخالفِ **جوان**

خواستگاری کردن: درخواستِ ازدواج کردن

نام گذاشتن: برایِ (کسی/ چیزی) اسم انتخاب کردن

خانواده: وقتی زن و مردی ازدواج می‌کنند، یک خانواده تشکیل می‌دهند.

فامیل: خانواده‌هایی که با هم نسبت دارند.

از (کسی) جُدا شدن: طلاق گرفتن، وقتی زن و مردی از یکدیگر جدا می‌شوند، دیگر هَمسرِ یکدیگر نیستند.

مَرگ: مُردن؛ از دنیا رفتن

۱ هر یک از واژه‌های ردیفِ بالا را به عبارت‌هایِ مناسب در ردیفِ پایین وصل کنید.

• مادرزَن • مَرگ • عَمّه • مادربُزرگ • تَولد

• از دُنیا رفتن • خواهرِ پدر • مادرِ هَمسر • به دنیا آمدن • مادرِ مادر/ پِدر

۲ جدولِ زیر را کامل کنید.

زَن	مَرد
خاله	.... دایی ......
....	عَمو
مادربُزرگ	....
....	بَرادر
....	پِدرشوهر
مادرزَن	....

۳ با توجه به درختِ خانوادگیِ مقابل، جاهایِ خالی را پر کنید.

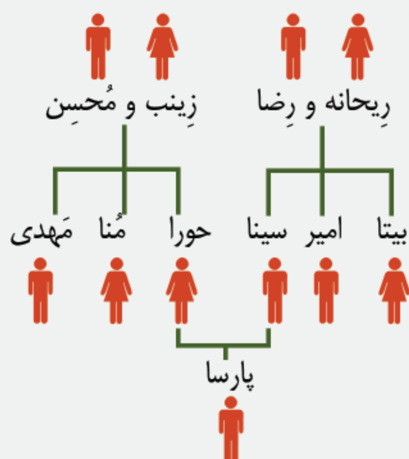
۱) پارسا خواهر و بَرادری ندارد، او ... تک فرزند ... است.

۲) .... عَمّهٔ پارسا است و امیر .... او است.

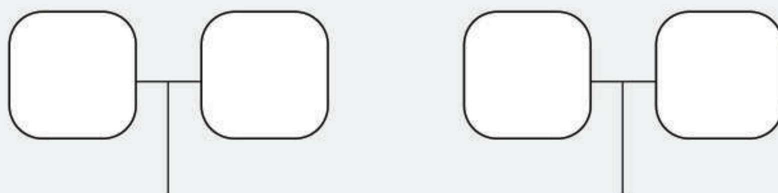
۳) مَهدی .... پارسا و مُنا .... او است.

۴) .... مادرِ حورا و .... سینا است.

۵) رِضا .... حورا و .... سینا است.



۴ دربارهٔ شما: درختِ خانوادگیِ خود را بکشید و دربارهٔ آن با دوستانِ خود صحبت کنید.



۵ گوش کنید: دورِ واژه‌هایی را که می‌شنوید، علامت بزنید.

عمو ◯ خاله ◯ عمه ◯ مامان ◯ همسر ◯ دایی ◯ مادربزرگ ◯

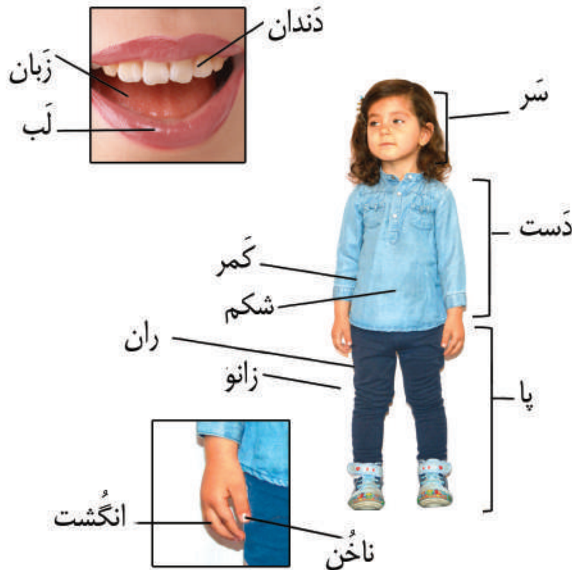


۷ بدنِ انسان و افعالِ حرکتی

۱ اعضایِ سر و صُورت



۲ اعضایِ بَدَن



۳ افعالِ حَرکتی


دراز کشیدن


نِشستن


ایستادن

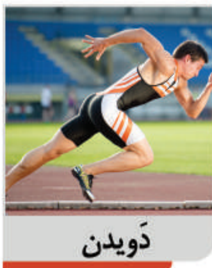

پَریدن


هُل دادن


کِشیدن


حَمل کردن


زَمین خوردن


دَویدن


راه رَفتن


پیاده شدن


سَوار شدن


باز کَردن


بَستن

۴ افعالِ حِسی







•۱ زهرا کوچولو می‌تواند **راه بِرود**، ولی گاهی **زَمین می‌خورد**.

•۲ بَچه‌ها در پارک **می‌دَوند**، **می‌پَرند** و بازی می‌کنند.

•۳ شَهاب یک سال دارد؛ او نمی‌تواند راه بِرود، ولی می‌تواند به تنهایی **بایستد** و **بِنشیند**.

•۴ امیر رویِ تخت **دراز کشید** و خوابید.

•۵ وقتی می‌خواهید **سوارِ** ماشین **شوید** یا از ماشین **پیاده شوید**، مواظب باشید.

•۶ کودکان معمولاً می‌خواهند مثلِ بزرگترها، چیزهایِ سَنگین را **حَمل کنند** و یا چرخِ خرید را **هُل دهند**.

•۷ بچه‌ها سعی می‌کنند طَناب را به طَرف خود **بِکشند**.

•۸ ما با گوش‌هایمان **می‌شِنویم** و با چِشم‌هایمان **می‌بینیم** و با بینی **بو می‌کنیم**.

•۹ ما با دَست‌هایمان دَر را باز **می‌کنیم** و **می‌بَندیم**.



دقَت کنید | ریشهٔ حال > جلد ۲ درسِ ۲۳

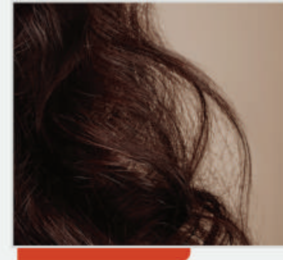
ریشهٔ حالِ فعل‌هایِ زبانِ فارسی را باید یادبگیرید. فهرستی از ریشهٔ حالِ افعال در آخرِ کتاب آمده است.

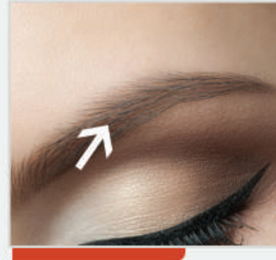
ریشهٔ حالِ شنیدن: شنو

ریشهٔ حالِ دیدن: بین

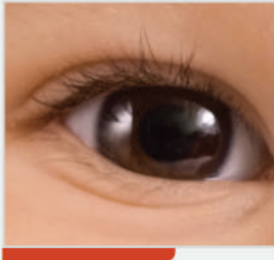
۷ تمرین

۱ نامِ تصویرهایِ زیر را بنویسید.







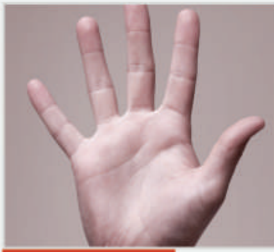


۱) ......مو...... ۲) .... ۳) .... ۴) ....









۵) .... ۶) .... ۷) .... ۸) ....

۲ دورِ واژهٔ درست خط بکشید.

۱) دُختر بچه به سُرعت می‌دَوید که ناگهان (بست/ زَمین خورد).

۲) کیفَم خیلی سَنگین است و نمی‌توانم آن را به راحتی (سَوار شَوَم/ حَمل کنم).

۳) در اتوبوس معمولاً برایِ (نِشستن/ پریدن) جایِ خالی وجود نَدارد و من بیشترِ اوقات (می‌دَوم/ می‌ایستم).

۴) ماشینِ دوستم خَراب شد، همه پیاده شدیم و آن را (هُل دادیم/ کشیدیم).

۵) مهرداد در ماشین را (بست/ بازکرد) و سوارِ ماشین شد.

۳ **جزء دومِ افعالِ زیر را در جاهایِ خالی بنویسید و با فعلِ به دست آمده جمله بسازید.**

۱) حَمل ..کردن.... : ....

۲) دِراز .... : ....

۳) پیاده .... : ....

۴) راه .... : ....

۵) باز .... : ....

۴ **دربارهٔ شما: عکسِ خود را در قابِ زیر بچسبانید و نام اعضایِ صورت را به زبانِ خود بنویسید. سپس معادل فارسی آنها را نیز بنویسید.**



۵ **گوش کنید : با توجه به گفت‌وگو، کدام جمله درست(✓) و کدام نادرست(✗) است؟**

۱) پسربچه سمیرا را هُل داد. درست ◯ نادرست ◯

۲) پسربچه زَمین خورد. درست ◯ نادرست ◯

۸ توصیفِ ویژگی‌هایِ ظاهری

۱ مو

- رنگِ **موهایِ** مَریم **قَهوه‌ای** است، ولی موهایِ خواهرش **مِشکی** است.
- موهایِ ندا **بور** و **کوتاه** است.
- یانگا موهایِ مِشکی و **صاف** دارد.
- موهایِ سمانه قَهوه‌ایِ **تیره** و صاف است، ولی او موهایِ **فِر** را بیشتر دوست دارد.
- سارا موهایِ **مُجعدِ** خود را همیشه **بُلَند** نگه می‌دارد.


بور


قهوه‌ای


مِشکی


سفید


کوتاه


بُلَند

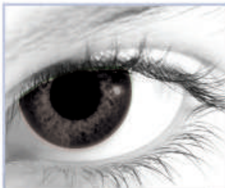

مُجَعد

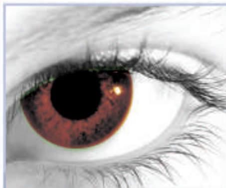

فِر / فِرفِری

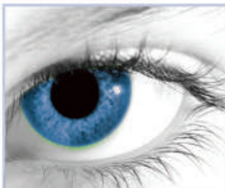

صاف

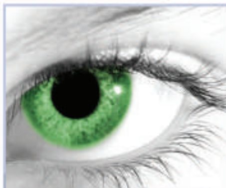
۲ رَنگِ چِشم و رَنگِ پوست

- **چشم**هایِ حامد مِشکی است.
- رنگِ چشم‌هایِ دیوید **سَبز** است.


مِشکی


قهوه‌ای


آبی


سبز

- رَنگِ پوستِ هادی **تیره** است.
- پوستِ مینا **روشن** است.


تیره


روشن

۳ قَد و وَزن

- آیدا **قد** بُلندی دارد. او از خواهرش **بُلندتر** است.
- اَمین **چاق** است. او از همهٔ بَرادرنش **چاق‌تر** است.
- آوا **لاغر** است و قَدِ **کوتاهی** دارد.
- قَدِ بابک **مُتوسط** است و **اَندامِ** او **مُتناسب** است.



بُلند مُتوَسط کوتاه لاغر مُتِناسب چاق

۴

سوفیا ۸ سال دارد و اهلِ لَهستان است. رنگِ پوستِ سوفیا سِفید است. او قَدِ بُلندی دارد و لاغر است و صورتِ **زیبایی** دارد. موهایِ او بور و فر است، ولی موهایِ صاف را بیشتر دوست دارد. برادرِ سوفیا، لوکاس نام دارد. او ۱۴ ساله است. قدِ لوکاس از سوفیا بُلندتر است. اَندامِ او مُتِناسب است. چشم‌هایِ لوکاس آبی و موهایِ او صاف و قهوه‌ای است. رنگِ پوستِ سوفیا از برادرش روشن‌تر است.

دِقّت کنید | چاق / اضافه وزن داشتن

چاق بارِ معناییِ منفی دارد و اگر به کسی بگویید «شما **چاق** هستید.» مؤدبانه نیست. بهتر است بگویید «شما **اضافه وزن** دارید».

دِقّت کنید | مقایسه > جلد ۲ درسِ ۲۵

قدِ لیلی از خواهرش **بُلندتر** است.
سارا از همهٔ دوستانش **لاغرتر** است.

واژه‌ها

اَندام: بدن

زیبا: قَشَنگ؛ مخالفِ **زِشت**

۸ تمرین

۱ جملهٔ مناسبِ هر تصویر را مقابلِ آن بنویسید.

- موهایِ این دختر صاف است.
- نَوید از برادرانِ خود کوتاه‌تر است.
- رنگِ چِشمِ این دُختر آبی است.
- رَنگِ پوستِ حمیده تیره است و موهایش فِر است.
- چِشم‌هایِ یاسَمین سَبز است.
- موهایِ زَهرا مُجعد و قَهوه‌ایِ روشن است.

۱ ... چِشم‌هایِ یاسَمین سَبز است. ...

۲ ....

۳ ....

۴ ....

۵ ....

۶ ....

۲ با توجه به عکس، جاهایِ خالی را پر کنید.



اِمیلیا ۷ سال دارد. او اهلِ بِرلین است. اِمیلیا زیبا است. اوموهایی ... بور ... و .... دارد و رَنگِ چِشم‌های او .... است.

اِمیلیا در مَدرسه..... همهٔ دوستانِ خود بُلند...... است.

۳ برایِ هر یک از تصویرهایِ زیر یک جمله بنویسید.



....



....



....

۴ دربارهٔ شما: ویژگی‌هایِ ظاهریِ خود و دوستتان را در جدولِ زیر بنویسید.

	رنگِ مو	حالتِ مو	رنگِ چشم	توصیفِ قَد و وَزن
شما	....	....	....	....
دوستتان	....	....	....	....

۵ گوش کنید: کامران کدامیک از ویژگی‌هایِ زیر را دارد، علامت بزنید.

۱) موهایِ کامران: مشکی و کوتاه ◯ قهوه‌ای و کوتاه ◯

۲) قد و اندامِ کامران: بلند و چاق ◯ بلند و متناسب ◯

۹ توصیفِ خصوصیاتِ شخصیتی

۱ خصوصیاتِ شَخصیتی

+		−
خوب	بیتا دخترِ **خوبی** است، او همیشه به دیگران کُمک می‌کند.	مخالفِ **بَد**
خوش‌اَخلاق	رِضا خیلی **خوش‌اَخلاق** است، او با دیگران رَفتار خوبی دارد.	مخالفِ **بَداَخلاق**
شُجاع	علی بِسیار **شُجاع** است، او هیچ وقت از چیزی نمی‌ترسد.	مخالفِ **تَرسو**
صَبور	زِینب خیلی **صَبور** است، او سَختی‌ها را تَحمل می‌کند.	مخالفِ **عَجول**
سَخت‌کوش	صَبا **سَخت‌کوش** است. او برای قَبولی در امتحان بسیار دَرس می‌خواند.	مخالفِ **تَنبل**
دانا	دوستِ من **داناست**. او خیلی کتاب می‌خواند و هَمه چیز را می‌داند.	مخالفِ **نادان**
باهوش	اَحمد پسرِ **باهوشی** است، او هوشِ زیادی دارد و همه چیز را زود یاد می‌گیرد.	مخالفِ **کَم‌هوش**
بادِقّت	فاطمه دانشجویِ **بادِقّتی** است و به دَرس، خوب دقّت می‌کند.	مخالفِ **بی‌دِقّت**
مِهربان	مادرها بسیار **مِهربان** هستند و به فَرزندانِ خود مُحبّت می‌کنند.	مخالفِ **نامِهربان**

۲ وَحید چه جور شَخصیتی داره؟

علی: وَحید! چه ماهی به دنیا آمدی؟

وحید: فروردین.

علی: در یک مجله دربارۀ متولدین فروردین خواندم. آنها بی‌دقت و ترسو هستند.

وحید: اما من ترسو نیستم.

علی: می‌دانم. فقط کمی بی‌دقت هستی.

۳ خصوصیاتِ شَخصیتی

مـن کاتریـن را بـرایِ اولیـن بـار در دورهٔ آمـوزشِ زَبـانِ فارسـی دیـدم. او بسـیار باهـوش اسـت و به‌سـرعت درس‌هـا را یـاد می‌گیـرد. البتـه کمـی هـم عَجـول اسـت. کاتریـن شـخصیتی **اِجتماعـی** دارد و بـا همـهٔ دانشـجوها زود آشـنا می‌شـود و صُحبـت می‌کنـد، ولـی مـن **خِجالَتـی** هسـتم. یـک بـار وقتـی مـن تنهـا نشسـته بـودم او آمـد و خـود را معرفـی کـرد. ایـن شُـروعِ دوسـتی مـا بـود. او واقعـا خوب و **دوست‌داشـتنی** اسـت. خصوصیات اَخلاقی ما به هَم **شَبیه است**، اما کمی هم **فَرق داریم**؛ او خیلی **مُنَظَّم** است، ولی من **بی‌نَظم** هستم.



دِقّت کنید | صفت < جلد ۲ درسِ ۲۵

به جایگاه صفت در جمله توجه کنید:

- بچهٔ باهوش (اسم + صفت)
- آن بچه، باهوش است.

واژه‌ها

خوب: صفتِ کسی که خصوصیاتِ شخصیتی و رفتارِ او موردِ قبول دیگران است.

سَخت‌کوش: صفتِ کسی که تلاشِ زیادی می‌کند تا به هدفِ خود برسد.

اِجتماعی: صفتِ کسی که به راحتی با دیگران اِرتباط برقرار می‌کند. افرادِ **خِجالتی**، اجتماعی نیستند.

دوست داشتنی: کسی/ چیزی که دیگران او/ آن را دوست دارند.

شَبیه بودن: مانندِ هم بودن

فَرق داشتن: مانندِ هم نبودن

مُنَظّم: کسی که در کارهایش نَظم دارد؛ مخالفِ **بی‌نَظم**

تمرین

۱ هر یک از واژه‌هایِ ردیفِ اول را به واژه‌های مخالفِ آن در ردیفِ دوم وصل کنید.

• صبور • دانا • منظم • شجاع • اجتماعی

• بی‌نظم • عجول • نادان • خجالتی • ترسو

۲ واژهٔ مناسب برایِ هر تصویر را انتخاب کنید.



۱) پارسا (شُجاع/ ترسو) است.



۴) سامان خیلی (سَخت‌کوش/ تَنبل) است.



۲) امیر واقعا (مُنَظّم/ بی‌نَظم) است.



۵) حامد پسری (خوش‌اَخلاق/ بَداَخلاق) است.



۳) حُسین پِسری (مِهربان/ نامِهربان) است.

۳ جاهای خالی را با واژه‌های درست پر کنید.

۱) رِضا بسیار ...... دانا .... است، من هر سؤالی دارم از او می‌پرسم.

۲) خواهرِ کوچکِ من خیلی .... است. جوابِ پُرسش‌ها را می‌داند، ولی معمولاً غَلَط جَواب می‌دهد.

۳) سپیده دوستانِ زیادی دارد، چون دُختری .... است. او هَرگز با دوستانش دَعوا نمی‌کند.

۴) فاطمه .... است؛ او وقتی یک بار دَرس را می‌خواند، به خوبی یاد می‌گیرد.

۵) امیر خیلی با بَرادرِ کوچکش .... است و او را بِسیار دوست دارد.

۴ دربارهٔ شما: پرسش‌نامهٔ زیر را با توجه به خصوصیاتِ شخصیتیِ خود پر کنید.

	خصوصیتِ شَخصیتی	هستم	نیستم
من	عَجول	◯	◯
	باهوش	◯	◯
	بادِقت	◯	◯
	خوش‌اَخلاق	◯	◯
	بی‌نَظم	◯	◯

۵ گوش کنید: رضا کدام‌یک از خصوصیاتِ شخصیتیِ زیر را دارد. علامت بزنید.

ترسو ◯ صبور ◯ سخت‌کوش ◯ بی‌دقت ◯ خوش‌اخلاق ◯ دانا ◯ مهربان ◯



۱۰ بیان احساسات

۱ چه اِحساسی داری؟

عَصبانی هستم.


خوشحال

خَندیدَن


ناراحَت

گِریه کردن


عَصبانی

فَریاد کِشیدن


شَرمَنده

خِجالت کِشیدن


نِگَران

نِگران بودن

- او **خوشحال** است و **می‌خَندد.**
- او **ناراحت** است و **گِریه می‌کند.**
- او **عَصبانی** است و **فَریاد می‌کشد.**
- او به خاطرِ اِشتباه خود **شَرمَنده** است و **خِجالَت می‌کشد.**
- او **نِگران** است.

نِگران چیزی هستی؟

: چیزی شده؟ **نِگرانِ** چیزی هستی؟

– آره، خیلی نِگرانم. فردا اِمتِحان دارم.

: نِگَران نَباش. اُمیدوارم امتحانت رو خوب بدهی.

۲ چیزی شُده، مُشکِلت چیه؟

گُرُسنه هستم.

۱) او **گُرُسنه** است، او می‌خواهد غذا **بخورد.**

۲) او **تِشنه** است، او می‌خواهد آب **بنوشد.**

۳) او **خَسته** است و **خَمیازه می‌کشد.** او می‌خواهد **بِخوابد.**

۱


گُرُسنه

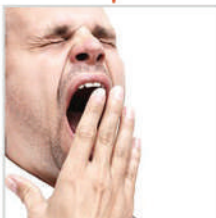
خوردَن

۲


تِشنه

نوشیدن / خوردن

۳


خستِه

خَمیازه کِشیدن



– گَرمَمه.

در تابستان هوا گرم است.



– سَردَمه.

در زمستان هوا سرد است.

خَسته‌ای؟

: چی شده؟ چرا اینقدر **خَمیازه می‌کشی؟**

– **خَسته**‌ام. آخه اِمروز خیلی کار داشتم.

سَردِته؟

: چرا اینقدر لِباس پوشیدی؟

– خیلی **سَردَمه**.

: واقعاً! ولی من **سَردَم نیست. گَرمَمه.**

دِقّت کنید | **اسم/صفت + است**

فعلِ «است» فعلِ ربطی است و معنایِ آن با واژهٔ قبل از خودش (اسم یا صفت) کامل می‌شود.

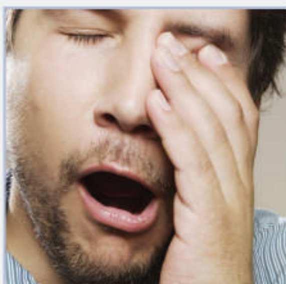
نمونه: او ناراحت است. هوا سرد است. آن درخت است.



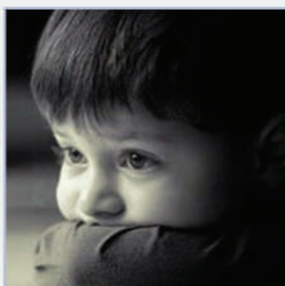
در فارسیِ گفتاری به جایِ «نوشیدن» از «خوردن» استفاده می‌کنیم.

۱۰ تمرین

۱ واژهٔ مُناسبِ هر تصویر را بنویسید.


۱) خوشحال ۲) .... ۳) ....

۴) .... ۵) ....

۲ واژه‌هایِ زیر را مرتب کنید و جمله بسازید.

۱) من/ و/ خیلی خَسته / خَمیازه/ هستم/ می‌کشم ...... من خیلی خسته هستم و خمیازه می‌کشم .

۲) می‌کند/ بچهٔ خواهرم/ خیلی/ گِریه ....

۳) من/ کردم/ و/ شَرمَنده/ اِشتِباه/ هستم ....

۴) نِگرانِ/ همیشه/ مادرِ سِتاره/ او است ....

۵) است و/ او/ می‌کِشد/ فَریاد/ عَصَبانی ....

۳ برایِ هر تصویر یک جمله بسازید.


۱) این پسر گرسنه است.


۲) ....


۳) ....


۴) ....


۵) ....

۴ دربارهٔ شما: جدولِ زیر را پر کنید.

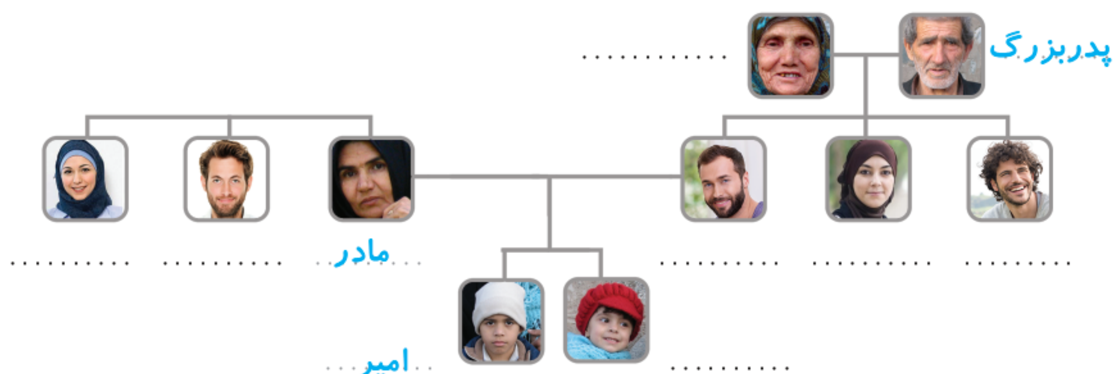
	سوال	بله	خیر
۱	آیا می‌توانید به راحتی احساساتِ خود را بیان کنید؟		
۲	آیا شما زیاد عَصبانی می‌شوید؟		
۳	آیا تا به حال برایِ شما اتفاقی افتاده که از آن شرمنده شوید؟		
۴	آیا وقتی عَصبانی هستید، فریاد می‌کشید؟		
۵	آیا زیاد نِگران می‌شوید؟		

۵ گوش کنید: دورِ واژهٔ مناسب در هر یک از موقعیت‌ها، خط بکشید.

۱) (عصبانی / خوشحال)　　۲) (ناراحت / نگران)　　۳) (خسته / خوشحال)

۲ مرور

۱ این افراد با امیر چه نسبتی دارند، بنویسید.



۲ سعی کنید واژه‌هایِ افعالِ حرکتی را که به صورتِ متوالی نوشته شده‌اند، پیدا کنید.

پ ر ی د ن ب س ت ن ا س ت ر ا ح ت ک ر د ن ک ش ی د ن ش س ت ن

ن د ر ک ل م ح ن د ر و خ ن ی م ز ن د ش ر ا و س ن د ا ت س ی ا

۳ نامِ ۱۲ واژهٔ مربوط به توصیفِ خصوصیاتِ شخصی را در جدولِ زیر پیدا کنید و دورِ آن‌ها خط بکشید.

ر	ع	خ	و	ب	ن	ل	ک	ی	م
ت	ه	خ	ف	ص	ا	ب	م	ص	ه
ن	ض	س	ع	ب	د	ح	ه	ب	ر
ب	د	ا	خ	ل	ا	ق	و	و	ب
ل	ف	ظ	ب	ت	ن	د	ش	ر	ا
ح	ط	گ	ا	پ	ک	ف	ق	ا	ن
ص	ب	ژ	ه	ف	ض	و	ی	ت	س
ت	ر	س	و	ح	ز	ب	ش	ل	ج
ع	ل	خ	ش	ج	ا	ع	ج	و	ل

۱) ..... تنبل .....　　۷) ....

۲) ....　　۸) ....

۳) ....　　۹) ....

۴) ....　　۱۰) ....

۵) ....　　۱۱) ....

۶) ....　　۱۲) ....

۴ حروفی که اضافه هستند را حذف کنید و واژهٔ مناسب با هر موقعیت را پیدا کنید.

۱) وقتی شما به نوشیدنِ آب نیاز دارید، شما ..... تشنه ..... هستید.　　ب ت ج س ش و ن ر پ ه د

۲) شما امروز کارهایِ زیادی انجام داده‌اید، شما .... هستید.　　ج خ ف ا س و ت ک ه م ر

۳) شما در آزمونِ پایانِ ترم قبول شده‌اید، شما .... هستید.　　خ ی ش و ش ج ح ا ه ل ی

۴) شما به خوردنِ غذا نیاز دارید، شما .... هستید.　　ک گ د ر و س خ ا ن ه ز

۵) فرزندِ کوچکِ شما در خانه تنهاست، شما .... هستید.　　ن ک ا گ ز ی ر ه ا ح ن ب

۵ صحبت کنید: دربارهٔ خانوادهٔ خود صحبت کنید.

۶ گوش کنید: سمانه در موردِ خصوصیاتِ شخصیتیِ دوستِ خود صحبت می‌کند. با توجه به صحبت‌هایِ او جدولِ زیر را کامل کنید.

+	مهربان ◯	صبور ◯	سخت‌کوش ◯	باهوش ◯
−	تنبل ◯	عجول ◯	بی‌دقت ◯	بداخلاق ◯

۷ بنویسید: این دو نفر را از نظرِ ویژگی‌هایِ ظاهریِ (قد، وزن، مو، رنگ چشم و ...)، مقایسه کنید.



....

....

....

....

....

....



تفاوت‌هایِ ترکیبِ خانواده در غرب و شرق

ترکیبِ خانواده با توجه به خصوصیاتِ هر **جامعه** متفاوت است. در غرب، ترکیبِ خانواده به صورتِ خانوادهٔ هَسته‌ای است، یعنی خانواده‌ای که شاملِ پدر، مادر و احتمالاً فرزند یا فرزندان است. خانوادهٔ سنتی ایرانی از نوعِ خانوادهٔ گُسترده است، یعنی خانواده‌ای که بیش از دو **نسل** با یکدیگر زندگی می‌کنند. در این نوع خانواده، پدربزرگ یا مادربزرگ نیز با خانواده زندگی می‌کنند. این خانواده‌ها معمولاً پر جمعیت هستند. امروزه، تغییراتی در ترکیبِ سنتی خانوادهٔ ایرانی به وجود آمده است و ترکیبِ خانوادهٔ گُسترده به خانوادهٔ هسته‌ای در حالِ تغییر است.

فکر کنید: ۱) آیا معنی واژه‌هایِ مشخص شده را می‌دانید؟

۲) ترکیبِ خانواده در فرهنگِ شما چگونه است؟

خودتان را اَرزیابی کنید:
آیا واژه‌هایِ این حوزه را کاملاً یاد گرفته‌اید؟
کدام درس را بهتر یادگرفته‌اید؟
از ۱ تا ۵ به خودتان نمره بدهید.

- خانوادهٔ من ◯
- اعضایِ بدن و افعالِ حرکتی ◯
- توصیفِ ویژگی‌هایِ ظاهری ◯
- توصیفِ خصوصیاتِ شخصیتی ◯
- بیانِ احساسات ◯

حوزهٔ ۳ خانه



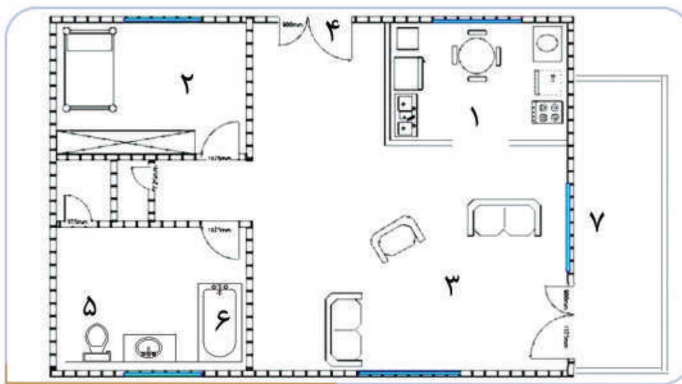
خانه و بخش‌های آن

۱ خارجِ



۱. پُشتِ‌بام
۲. ایوان
۳. پَنجره
۴. دیوار
۵. دَرِ خانه/ دَر
۶. پِلّه
۷. حَیاط
۸. باغچه

۲ نقشۀ داخلِ خانه



۱. آشپزخانه
۲. اُتاق خواب
۳. اتاقِ پَذیرایی
۴. دَرِ خانه/ دَر
۵. سِرویسِ بهداشتی
۶. حَمام
۷. ایوان

۱) در گذشته، خانه‌ها حیاط‌هایِ بزرگ با باغچه‌هایِ زیبایی داشتند.

۲) دَرِ ورودیِ ساختمان‌ها در **طَبقۀ هَمکَف** است.

۳) **اَنباری‌ها** و پارکینگ معمولاً در **زیرزَمین** قرار دارند.

٤) ما برایِ رفتن به طَبَقاتِ دیگر از **راه‌پلّه** یا **آسانسور** استفاده می‌کنیم.

۴



آسانسور

۴



راه پلّه



۳

خانوادهٔ آقایِ رجبی، در **مَحَلّهٔ** وِلنجَک زندگی می‌کنند. خانهٔ آنها در یک ساختمانِ چهار طَبَقه است و آنها در آپارتمانِ طَبَقهٔ سِومِ آن **ساکِن** هستند. قدیمی‌ترین **هَمسایهٔ** آنها خانوادهٔ آقایِ شَهابی است که در طَبَقهٔ اَول زِندگی می‌کنند.

آقایِ اَحمدی نیز **صاحِبِ** آپارتمان‌هایِ طَبَقهٔ دوم و چهارم است. او می‌خواهد آپارتمانِ طبقهٔ دوم را **بفروشد** و طبقهٔ چهارم را **اِجاره بِدَهد**.

واژه‌ها

طبقهٔ هَمکَف: طبقه‌ای که زیرِ طبقهٔ اول است.

اَنباری: جایی است که وسایلِ قدیمی یا اِضافه را در آن نگهداری می‌کنیم.

زیرزَمین: طبقه‌ای که زیرِ طبقهٔ همکف است.

مَحَله: کوچه و خیابان‌هایِ اطرافِ هر خانه

ساکن بودن: وقتی ساکنِ جایی هستید، در آنجا زندگی می‌کنید.

هَمسایه: دو یا چند کَس/ خانواده که خانه‌هایشان نزدیکِ هم باشد.

صاحِب: کسی که چیزی دارد، صاحِب و مالکِ آن چیز است.

فروختن: وقتی چیزی را به کسی می‌دهیم و به جایِ آن پول می‌گیریم؛ مخالفِ **خریدن**

اجاره دادن: وقتی چیزی را برای مدتی به کسی می‌دهیم و به جایِ آن پول می‌گیریم؛ مخالفِ **اجاره کردن**

۱۱ تمرین

۱ شماره‌هایِ مربوط به هر واژه را مقابلِ آن بنویسید.

حَمام (۴) آشپزخانه ◯ پارکینگ ◯ اتاقِ پذیرایی ◯ سرویسِ بهداشتی ◯ اُتاق‌خواب ◯



۲ دورِ واژهٔ درست خط بکشید.

۱) علی یک ماشین از دوستش خرید؛ یعنی دوستِ او ماشین را به علی (فروخت/ اِجاره داد).

۲) امیر خانه‌ای از دوستش اِجاره کرد؛ یعنی دوستِ امیر خانه‌اش را به او (اِجاره داد/ فروخت).

۳) ما و خانوادهٔ آقایِ اسدی در یک کوچه زندگی می‌کنیم. آنها (صاحب‌خانهٔ/ همسایهٔ) ما هستند.

۴) در (باغچهٔ/ پارکینگِ) حیاطِ ما گُل‌ها و درختانِ زیبایی وجود دارد.

۵) امیر بعضی شب‌ها به (آشپزخانه/ پشتِ‌بام) می‌رود تا ستاره‌ها را در آسمان تماشا کند.

۳ جاهایِ خالیِ زیر را با واژه‌هایِ درس پر کنید.

۱) به طبقه‌ای که زیرِ طبقهٔ همکَف است، ..... زیرزَمین ..... می‌گوییم.

۲) طبقه‌ای که زیرِ طبقهٔ اول است، طبقهٔ .... نامیده می‌شود.

۳) به بیرونِ ساختمان که معمولاً باغچه دارد، .... گفته می‌شود.

۴) ما برایِ رفت و آمدِ بینِ طَبَقات از راه‌پلّه و یا .... استفاده می‌کنیم.

۵) به جایی‌که وسایلِ قدیمی یا اِضافه را در آن نگهداری می‌کنیم، .... می‌گوییم.

۴ دربارهٔ شما: کدام یک از جمله‌های زیر در موردِ خانهٔ شما درست نیست، آنها را اصلاح کنید.

	✓	✗	
۱) خانهٔ ما حیاطِ بزرگی دارد.	◯	◯	....
۲) خانهٔ ما چهار اتاق خواب دارد.	◯	◯	....
۳) خانهٔ ما در طبقهٔ سوم است.	◯	◯	....
۴) خانهٔ ما آسانسور دارد.	◯	◯	....
۵) ایوانِ خانهٔ ما بزرگ است.	◯	◯	....

۵ گوش کنید : با توجه به گفت‌وگو، کدام جمله درست(✓) و کدام نادرست(✗) است؟

۱) آپارتمانِ طبقهٔ دوم برایِ فروش بود. درست ◯ نادرست ◯

۲) فروشنده گفت: آپارتمان پارکینگ دارد اما انباری ندارد. درست ◯ نادرست ◯

۱۲ اتاقِ پذیرایی

۱ اُتاقِ پَذیرایی: اُتاقی در خانه که در آن از مِهمان‌ها **پَذیرایی می‌کنند.**



۱. سَقف   ۲. لوستِر   ۳. پَرده   ۴. میز   ۵. مُبل   ۶. صَندلی

۷. فَرش   ۸. میزِغذاخوری   ۹. کِتابخانه   ۱۰. تِلویزیون   ۱۱.گُلدان   ۱۲.کَف

در فارسی گفتاری به جایِ "دَر"، "تو" /tu/ به کار می‌بریم.

دِقّت کنید   حروفِ اضافۀ مکان‌نما > جلد ۲ درسِ ۲۷

حـروفِ **در، رویِ، کنـارِ و ...** نشـان دهنـدۀ مـکانِ کسی/ چیزی هستند.

۳ من می‌توانم دربارهٔ وَسایلِ خانه صحبت کنم.

۱) گُلدان رویِ میز است و فَرش زیرِ میز است.

۲) مُبل جلویِ کتابخانه است و کتابخانه پُشتِ مُبل است.

۳) کِتاب‌ها دَر کتابخانه هستند و کِتابخانه کنارِ دیوار است.

٤) میز، وسطِ اُتاق و جلویِ تلویزیون است.

٥) مینا گُلدان را پُر از آب کرد و گُل‌ها را در آن **گذاشت**.

٦) اَمیر تلویزیون را **روشن** کرد تا فوتبال ببیند.

٧) لوستر از سقف **آویزان** است.

٨) علی **تابلو** را به دیوارِ اُتاقِ پذیرایی آویزان کرد.

٩) سارا روزها پَرده‌ها را **کِنار می‌زند** و شَب‌ها پَرده‌ها را **می‌کِشَد**.



واژه‌ها

پذیرایی کردن: وقتی از مهمانی پذیرایی می‌کنید، برایِ او خوردنی و نوشیدنی می‌آورید.

گُذاشتن: قرار دادن

روشن کردن: افروختن؛ مخالفِ **خاموش کردن**



آویزان: وقتی چیزی آویزان است، بالایش به جایی وَصل است و پایین آن آزاد است.

تابلو: چیزی که برای دیده شدن به دیوار آویزان/نصب می‌کنند.



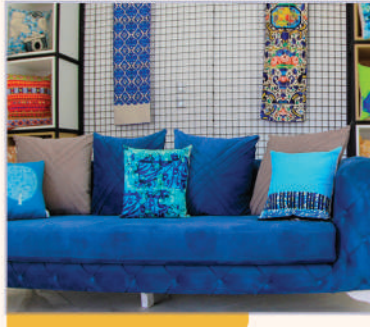
کِنار زدن: وقتی چیزی را کنار می‌زنید، آن را حرکت می‌دهید تا پشتِ آن آشکار شود.

کِشیدن: وقتی چیزی را می‌کشید (با فشار) آن (او) را به طرفِ خود می‌آورید یا به طَرفی می‌بَرید.

۱۲ تمرین

۱ نامِ تصویرهایِ زیر را بنویسید.







۱) ... گُلدان ....

۲) ....

۳) ....





۴) ....

۵) ....

۲ دورِ واژهٔ درست خط بکشید.

۱) مادر پَرده‌ها را (کنار زد/ کشید) تا اُتاق روشن شود.

۲) اَمیر تلویزیون را (خاموش کرد/ روشن کرد) تا فوتبال ببیند.

۳) بهاره گُل‌ها را در گُلدان (گذاشت/ آویزان کرد).

۴) پدر تابلو را به دیوارِ پذیرایی (گذاشت/ آویزان کرد).

۵) مریم موقعِ خواب چراغ را (روشن کرد / خاموش کرد).

۳ جمله‌هایِ زیر را با توجه به تصویر کامل کنید.



۱) لوستر از سقف ...آویزان..... است.

۲) مُبل .... پنجره است.

۳) چراغ‌ها .... هستند.

۴) کتاب‌ها .... میز هستند.

۵) گُلدان .... میز است.

۴ دربارهٔ شما: عکسِ اتاقِ پذیراییِ خود را در قابِ زیر بچسبانید، و دربارهٔ وسایلِ آن چند جمله بنویسید.



....

....

....

....

....

۵ گوش کنید: در اتاقِ پذیراییِ خانهٔ سارا چه وسایلی وجود داشت. علامت بزنید.



مُبل ◯ فرشِ بزرگ ◯ تلویزیون ◯ پرده ◯ لوستر ◯ میزغذاخوری ◯ تابلو ◯ کتابخانه ◯

آشپزخانه



۱ وَسایلِ آشپزخانه

۱) یَخچال ۲) فِریزِر ۳) ماشینِ ظَرفشویی ۴) ماشینِ لِباسشویی

۵) سینکِ ظَرفشویی ۶) اُجاق گاز ۷) فِر ۸) کابینِت



۲ من می‌توانم دربارهٔ وَسایلِ آشپزخانه صحبت کنم.

• ۱ پارسا لِباس‌هایِ کثیفش را در ماشینِ لِباسشویی **ریخت**.

• ۲ سَحَر ظرف‌هایِ کثیف را در ماشینِ ظَرفشویی **چید**.

• ۳ امیر ظرف‌ها را در سینکِ ظَرفشویی **شُست**.

• ۴ سینا آب را در کِتری **ریخت** و آن را رویِ اُجاق‌گاز گذاشت.

• ۵ مادر هر روز در قابلَمه غذا **می‌پزد**.

• ۶ من دارم چای **دَم می‌کنم**.

• ۷ مریم در حالِ رَنده کردنِ سیب‌زمینی است.

• ۸ بهاره ظَرف‌هایِ تمیز را در کابینت چید.

• ۹ علی موادِ غذاییِ تازه را در یَخچال گذاشت.

• ۱۰ اَحمد در حالِ شستنِ ظرف‌ها است.





۱. کِتری
۲. قوری
۳. ماهی‌تابه
۴. قابلَمه
۵. مَلاقه
۶. کَفگیر
۷. هَمزَن
۸. چاقو
۹. رَنده

واژه‌ها

ریختن:
۱) چیزهایی را بطورِ نامرتب و نامنظم جایی گذاشتن؛ مخالفِ **چیدن**
۲) برایِ مایعات (مانند آب) بکار می‌رود.

چیدن: وقتی چیزهایی را در جایی می‌چینید، آنها را مُرتب و مُنظم در آنجا می‌گذارید.

شُستن: تمیز کردن هرچیزی بوسیلهٔ آب



پُختن: برایِ پختنِ چیزی، آن را حرارت می‌دهیم تا برایِ خوردن آماده شود.

دَم کردن: پُختن و آماده کردنِ موادی مانندِ چای، قهوه و برنج

دِقّت کنید | داشتن > درسِ ۲۰

به فعل «داشتن» در این جمله دقت کنید:

«من دارم گردگیری می‌کنم.»

فعلِ "داشتن" در این جمله نشان می‌دهد، کاری در حالِ انجام شـدن اسـت؛ همچنین قبل از فعلِ اصلی می‌آید و منفی نمی‌شود و این ساختار بیشتر در فارسـیِ گفتاری استفاده می‌شود.

۱۳ تمرین

۱ واژهٔ مُناسبِ هر تصویر را به آن وصل کنید.

۱) ۲) ۳) ۴) ۵)

• چاقو • اُجاق گاز • کفگیر • قوری • سینک

۲ دورِ واژهٔ درست خط بکشید.

۱) امیر کِتریِ پُر از آب را رویِ اُجاق‌گاز (چید/ گذاشت).

۲) الهام در قوری، چای (دَم کرد/ پخت).

۳) علی ظرف‌ها را در سینکِ ظرفشویی (پخت/ شُست).

۴) مینا آب را در کِتری (ریخت/ گذاشت).

۵) بهاره ظرف‌هایِ کثیف را در ماشینِ ظَرفشویی (ریخت/ چید).

۳ جاهایِ خالیِ زیر را با واژه‌هایِ درس پُر کنید.

۱) مَهسا ظَرف‌هایِ تَمیز را در ...کابینت..... می‌چینند.

۲) شَهاب گوشت را در .... می‌پزد.

۳) اَکرم لباس‌ها را در .... می‌ریزد.

۴) سارا موادِ غذاییِ تازه را در .... می‌گذارد.

۵) سَمیرا غذا را رویِ .... می‌پزد.

۴ دربارهٔ شما: پنج وسیله از وسایلِ آشپزخانهٔ خود را نام ببرید و با آنها جمله بسازید.

۱) ....

۲) ....

۳) ....

۴) ....

۵) ....

۵ گوش کنید: دور واژهٔ مناسب را خط بکشید.

۱) سارا با ندا بیرون (رفت / نرفت).

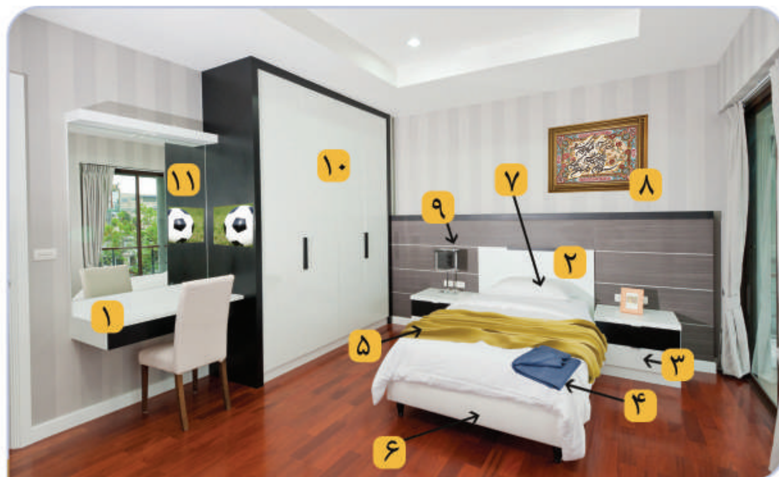
۲) سارا در حالِ (پختنِ/ رنده کردنِ) سیب‌زمینی بود.



اتاق خواب و سرویسِ بهداشتی

۱ اُتاق خواب

۱.میز
۲.تَخت
۳.کِشو
۴.روتختی
۵.پَتو
۶.تُشَک
۷. بالِش
۸. تابلو
۹. چراغ خواب
۱۰. کُمُد
۱۱. آینه



۲ سِرویسِ بهداشتی

۱. روشویی
۲. وان
۳. شیرِآب
۴. دوش
۵. توالِت
۶. توالِت فَرَنگی



۳ وَسایلِ بهداشتی



۱. شامپو
۲. نَخِ دَندان
۳. خَمیر دَندان
۴. مِسواک



۵. صابون



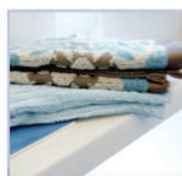
۶. ناخُن‌گیر



۷. شانه



۸. بُرِس

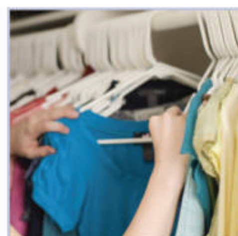


۹. حوله

۴ من می‌توانم دربارهٔ کارهایم صُحبت کنم.



۱. سارا حوله‌اش را **تا می‌کند.**



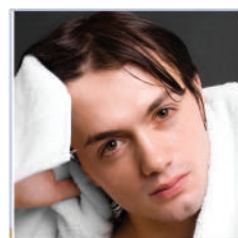
۲. مادر لباس‌ها را **مُرتب می‌کند.**



۳. بهاره لِباس‌هایَش را در کُمُد **آویزان می‌کند.**



۴. پدرم دَهانش را با **دَهان‌شویه** می‌شوید.



۵. اُمید موهایش را با حوله **خُشک می‌کند.**



۶. فاطمه با ناخُن‌گیر، **ناخن**هایَش را **می‌گیرد.**



۷. مِهرداد همیشه قَبل از خواب **مِسواک می‌زند.**



۸. رضا کوچولو **حَمام کردن** را دوست دارد.



۹. علی شیرِ آب را **باز می‌کند** و صورتش را می‌شوید.



۱۰. علی بعد از شستنِ صورتش، شیرِ آب را **می‌بندد.**

در اتاق خـواب و سرویس بهداشتـیِ خانهٔ خود، بر رویِ وسایل برچسب بزنید و نامِ فارسیِ آنها را بنویسید. این روش به شمــا کمک می‌کند تا نامِ آنها را سریع‌تر بیاموزید.

۱۴ تمرین

۱ نامِ تصویرهایِ زیر را بنویسید.







۱) .... ۲) .... ۳) ....





۴) .... ۵) ....

۲ دورِ واژهٔ درست خط بکشید.

۱) امیر جلویِ آینه موهایش را (می‌شوید/ شانه می‌زند).

۲) بهاره صورتش را شست و بعد شیرِ آب را (باز کرد/ بست).

۳) سارا لباس‌هایش را در کمد (آویزان می‌کند/ می‌بندد).

۴) مونا دست‌هایش را با حوله (مرتب می‌کند/ خُشک می‌کند).

۵) سُهیل موقعِ خواب، دندان‌هایَش را (مسواک می‌زند/ می‌شوید).

۳ جاهایِ خالیِ زیر را با واژه‌هایِ درس پُر کنید.

۱) پدربزرگ لباس‌هایِ تَمیز را در ......کِشو........ می‌گذارد.

۲) من بعد از مسواک زدن، دهانم را با .... می‌شویم.

۳) محمد .... را باز می‌کند تا دست و صورتش را بشوید.

۴) امیر موهایش را با .... خُشک می‌کند.

۵) سارا با .... ناخن‌هایِ دَستش را می‌گیرد.

۴ دربارهٔ شما: وسایلِ بهداشتیِ خود را بنویسید و بگویید چند بار در روز یا هَفته از آنها استفاده می‌کنید.

وسایلِ بهداشتی	...مسواک..	....	....	....	....
چند بار	.روزی ۳ بار	....	....	....	....

۵ گوش کنید: خریدار چه چیزهایی خرید؟ علامت بزنید.

شامپو ◯ مسواک ◯ نخ‌دندان ◯ صابون ◯ بُرس ◯ خمیردندان ◯ دهان‌شویه ◯

۱۵ خانه‌داری

۱ وسایلِ خانه‌داری


میزِ اُتو


جارو برقی


مایع ظَرفشویی


اُتو


کیسه زُباله


سَطلِ زُباله


جارو


دَستمال


دَستکِش

۲ بعضی صفت‌ها


کَثیف


تَمیز


چُروک


صاف


خیس


خُشک

۳ من می‌توانم دربارهٔ کارهایِ خانه صحبت کنم.


۱. احمد زمین را **جارو می‌کند.**


۴. علی با دستمال ظرف‌هایِ تَمیز را **خُشک می‌کند.**


۲. سینا تَختش را **مُرتب می‌کند.**


۵. مهران لباس‌هایِ خیس را **پَهن می‌کند.**


۳. رضا وسایلِ اتاق را **گَردگیری می‌کند.**


۶. سامان زُباله‌ها را در کیسه می‌ریزد و دَرِ کیسه را **گِره می‌زند.**

دِقّت کنید | فعلِ مرکب > جلد ۲ درسِ ۲۳

فعل‌هایی مانندِ **کردن، کشیدن، زدن، دادن، شدن** و...
با واژهٔ قبل از خودشان یک "فعلِ مرکب" می‌سازند
که با هم یک معنایِ مشخص دارند.

۴ مادرِ من **خانه‌دار** است. او به تمامِ کارهایِ خانه **رسیدگی می‌کند.**
همچنین تربیت و درس‌خواندنِ فرزندان برایِ او بسیار مهم است.
معمولاً همهٔ اعضایِ خانواده در **انجام دادنِ** کارهایی مانندِ خرید
کردن، **پُخت و پَز**، شستنِ ظرف‌ها، لباس‌ها و ... کمک **می‌کنند.**
اما همیشه مادرم است که برایِ این کارها **برنامه‌ریزی می‌کند.**

واژه‌ها

خانه‌دار: کسی که مسئولیت کارهایِ خانه را دارد.
رسیدگی کردن: وقتی به کاری رسیدگی می‌کنید، مراقب هستید تا آن کار درست انجام شود.
کار انجام دادن: کار کردن
پُخت و پَز: آشپزی
برنامه‌ریزی‌کردن: مشخص‌کردنِ کارها براساسِ ترتیب و زمانِ انجام دادنِ آنها

۱۵ تمرین

۱ نامِ تصویرهایِ زیر اشتباه است. نامِ درستِ هر تصویر را زیرآن بنویسید.







۱) سطل .... جارو

۲) جارو ....

۳) مایع ظرفشویی ....





۴) اتو ....

۵) جارو برقی ....

۲ دورِ واژهٔ درست خط بکشید.

۱) مهرداد لباس‌هایِ (خیس/ خُشک) را از رویِ بَند جَمع می‌کند.

۲) بهرام لباس‌هایِ (خُشک/ خیس) را رویِ بَند پَهن می‌کند.

۳) سارا ظرف‌هایِ (کَثیف/ تَمیز) را می‌شوید.

۴) رضا لباس‌هایِ (صاف/ چُروک) را اُتو می‌کند.

۵) سمیه ظرف‌هایِ (تَمیز/ کثیف) را خُشک می‌کند.

۳ واژه‌هایِ داده‌شده را به‌صورتِ فعلِ مرکب، در جمله‌هایِ زیر به‌کار ببرید. یک واژه اضافه است.

جارو اتو مُرتب گِره ~~تمیز~~ گردگیری

۱) سیما شیشه‌ها را با دَستمال، ... تمیز می‌کند ... .

۲) سُهراب وَسایلِ اتاق را ....

۳) سامان دَرِ کیسهٔ زُباله را ....

۴) ندا کَفِ اتاقش را ....

۵) مونا تختش را ....

۴ دربارهٔ شما: در خانهٔ شما کارهایِ زیر را چه کسی انجام می‌دهد؟ در جدول زیر علامت بزنید.

	غَذا پُختن	جارو کردن	اُتو کردن	مُرتب کردنِ تَخت	بیرون بُردنِ کیسهٔ زباله
من					
پدرم					
مادرم					
....					
....					

۵ گوش کنید : با توجه به گفت‌وگو، کدام جمله درست (✓) و کدام نادرست (✗) است؟

۱) ایرانی‌ها معمولاً در اسفند ماه خانه‌تکانی می‌کنند. درست ◯ نادرست ◯

۲) ماریا امسال مانند همهٔ ایرانی‌ها و به همان شکل خانه‌تکانی کرد. درست ◯ نادرست ◯

۱ هریک از جمله‌هایِ زیر، کدام واژه را تعریف می‌کند. وصل کنید. یک واژه اضافه است.

حَمام	۱) مکانی است که در آن معمولاً اعضای خانواده دور هم هستند و تلویزیون تماشا می‌کنند.
اُتاق نِشیمَن	۲) مکانی است که در آن غذا می‌پزیم.
سِرویس بِهداشتی	۳) مکانی است که در آن می‌خوابیم.
پارکینگ	٤) مکانی است که در آن دوش می‌گیریم.
اُتاق خواب	٥) مکانی است که در آن وسیلهٔ نقلیه را پارک می‌کنیم.
آشپزخانه	

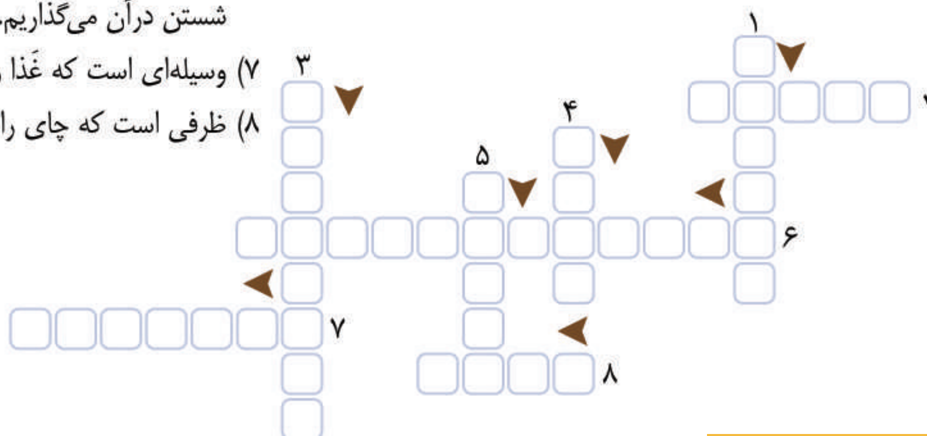
۲ با توجه به تصویر، ۵ وسیله را نام ببرید و جایِ آنها را در اتاق مشخص کنید.



۱) ....
۲) ....
۳) ....
۴) ....
۵) ....

۳ جدولِ زیر را کامل کنید.

۱) ظَرفی است که در آن غذا می‌پَزیم.
۲) وسیله‌ای است که مَوادِ غَذاییِ تازه را در آن نگه می‌داریم.
۳) ظَرفی است که مَوادِ غَذاییِ را در آن تَفت می‌دهیم و یا سُرخ می‌کنیم.
۴) وسیله‌ای است که شُست و شویِ مَوادِ غَذایی و ظروف را در آن انجام می‌دهیم.
۵) وسیله‌ای است که موادِ غذایی در آن یخ می‌زند.
۶) وسیله‌ای است که ظرف‌هایِ کثیف را برای شستن درآن می‌گذاریم.
۷) وسیله‌ای است که غَذا را رویِ آن می‌پزیم.
۸) ظرفی است که چای را در آن دم می‌کنیم.



۴ لباس علی و بهرام چگونه است و آنها چه کاری انجام می‌دهند؟


۱


۲

۱) علی: ....

....

۲) بهرام: ....

....

۵ صحبت کنید: دوست دارید در چه خانه‌ای زندگی کنید؟ آن را توصیف کنید.



۶ گوش کنید: کدام جمله درست (✓) و کدام جمله نادرست (✗) است.

۱) بهاره یک خانهٔ بزرگ و سه‌خوابه خریده بود. ◯

۲) خانهٔ بهاره آسانسور و انباری دارد. ◯

۳) خانهٔ بهاره تمیز بود و او می‌خواست وسایلش را بچیند. ◯

۷ بنویسید: برایِ بهداشتِ فردیِ خود روزانه چه کارهایی انجام می‌دهید، بنویسید.

....

....

....

....

....



خانه‌هایِ ایرانی

معماریِ خانه‌هایِ ایرانی از زیباترین معماری‌هایِ جهان و نشان‌دهندهٔ فرهنگِ مردمِ ایران است. خانه سازیِ علمی در ایران سابقه‌ای طولانی دارد که به فضایِ بهداشتی و **رفاهی** و ایجادِ هوایِ مطلوب در خانه بسیار اهمیت داده است. خانه‌ها در هر منطقه، متناسب با ویژگی‌هایِ آب و هوایی و جغرافیاییِ آن منطقه ساخته می‌شوند و هدف، ایجادِ آرامش، شادی و راحتیِ خانواده، درکنارِ زیبایی‌ها و **تزئینات** آن است. به‌عنوانِ نمونه در کاشان، به علتِ گرمایِ هوا، خانه‌ها **دستگاه تهویهٔ** طبیعی (**بادگیر**) دارند. در حالی‌که در آذربایجان با توجه به سرمایِ زیاد، معماریِ خانه‌ها به گونه‌ای است که به راحتی گرم شوند.

فکر کنید: ۱) آیا معنیِ واژه‌هایِ مشخص شده را می‌دانید؟

۲) در کشورِ شما معماریِ سُنّتی به چه شکل است؟

خودتان را اَرزیابی کنید:
آیا واژه‌هایِ این حوزه را کاملاً یاد گرفته‌اید؟
کدام درس را بهتر یاد گرفته‌اید؟
از ۱ تا ۵ به خودتان نمره دهید.

- خانه ◯
- اتاقِ پذیرایی ◯
- آشپزخانه ◯
- سرویسِ بهداشتی و حَمام ◯
- خانه‌داری ◯

حوزهٔ ۴ زندگیِ روزمره



کارهایِ روزانه

بَرنامهٔ روزانهٔ شما چیه؟

۱ بَرنامهٔ روزانِه



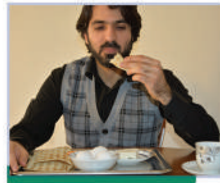
۱. من مَعمولاً صبح ساعت ۵:۴۵ از **خواب بیدار می‌شَوم.**



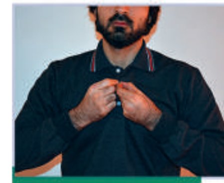
۲. دَست و صورتَم را **می‌شویَم** و دَندان‌هایَم را **مِسواک می‌زنم.**



۳. سِپس **وضو می‌گیرم** و **نَماز می‌خوانَم.**



۴. هرروز ساعتِ ۷، صُبحانه **می‌خورَم.**



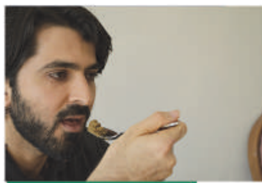
۵. موهایَم را **شانه می‌کُنم** و **لِباس می‌پوشَم.**



۶. رَأسِ ساعتِ ۷:۳۰ از خانه **بیرون می‌رَوم.**



۷. من حُدودِ ساعتِ ۸ بِه مَحلِ کارم **می‌رسم.**



۸. ساعتِ ۱۲:۳۰ ناهار می‌خورم و نَماز می‌خوانَم.



۹. مَعمولاً، ساعتِ ۵ بِه خانه **برمی‌گَردم.**



۱۰. **دوش می‌گیرَم** و بعد از آن نَماز می‌خوانَم.



۱۱. حدودِ ساعتِ ۸ شَب، شام می‌خورَم.



۱۲. بَعد، تِلویزیون **تَماشا می‌کنَم**.



۱۳. من هَرشَب **قُرآن می‌خوانَم**.



۱۴. ساعتِ ۱۰:۳۰ مِسواک می‌زنَم و **می‌خوابَم**.



به حروفِ اضافهٔ افعال در جُمله‌ها تَوجُه کنید.

۲

بَرنامهٔ روزهایِ تعطیلِ من با روزهایِ دیگَر تَفاوت دارد. من دوست دارم تَعطیلاتِ آخرِ هَفته را با خانواده یا دوستانَم باشَم، زیرا هَمیشه شَنبه تـا چهارشَنبه مَشغولِ کار هستم و بِه نُدرت می‌توانـم با آنها باشـم. آخرِ هَفتـه‌ها معمولاً با دوستان یا خانواده‌ام به سینَما، تِئاتر یا رِستوران می‌رَوم. بَعضی‌وَقت‌ها پَنجشنبه یا جُمعه بـرای خَرید، بیرون می‌رَوم. جمعه‌ها، دیرتَر از خواب بیدار می‌شَوم، ولی هیچ‌وَقت جُمعه شَب، دیر نمی‌خوابَم.

دِقَّت کنید | **قید تکرار > جلد ۲ درسِ ۲۶**

نامِ قیدهایِ زیر، قیدِ تکرار است. این واژه‌ها در جمله، میزانِ تکرارِ انجامِ فعل را نشان می‌دهند.

٪۰ ——— ٪۱۰۰

هیچ‌وَقت بِه‌نُدرت بَعضی‌وَقت‌ها مَعمولاً هَمیشه اغلب هَرروز/ هَرشب

وقتـی در جملـه «**هیچ‌وقـت**» بـه کار مـی‌رود، فعـل بـه صـورتِ منفـی می‌آید:

من هیچ‌وقت شب‌ها دیر نمی‌خوابم.

۱ واژهٔ مناسبِ هر تصویر را بنویسید.



۱) تلویزیون تماشا کردن



۲) ....



۳) ....



۴) ....



۵) ....

۲ جمله‌های زیر را با توجه به ستونِ سمتِ چپ کامل کنید.

۱) من هَمیشه صُبح خیلی زود از ...	• خانِواده‌ام باشَم.
۲) من هَرشب دیر ...	• می‌خورَم.
۳) من معمولاً ساعتِ ۵ بعد از ظهر به ...	• خواب بیدار می‌شَوم.
۴) من اغلب ساعتِ ۸ شب شام ...	• می‌خوابَم.
۵) من دوست دارم آخرِ هَفته‌ها با ...	• خانه برمی‌گردم.

۳ جاهایِ خالیِ زیر را با واژه‌هایِ درست پر کنید.

۱) عَلی صُبح‌ها ساعتِ ۷ ... از ... خانه ... بیرون می‌رود ... .

۲) سَمانه هر روز حدودِ ساعتِ ۸:۳۰ به محلِ کارش ....

۳) پدرم وقتی به خانه می‌رسد، دَست و صورتَش را ....

۴) ندا هَمیشه قَبل از خواب دَندان‌هایَش را ....

۵) بِهنام دوست دارد هر روز دوش ....

۴ دربارهٔ شما: جمله‌هایِ زیر را دربارهٔ خودتان کامل کنید.

۱) من هَر روز صبح، ....

۲) من هَمیشه، ....

۳) من بَعضی وقت‌ها، ....

۴) من هیچ‌وقت، ....

۵) من هَر شب، ....

۵ گوش کنید: در زمان‌هایِ داده شده سیما و خانواده‌اش چه می‌کنند؟ 

۱) ساعت ۶:۳۰ صبح: .... ۲) ساعت ۳ بعد از ظهر: ....

۳) ساعت ۹ شب: .... ۴) ساعت ۱۱ شب: ....

پوشاک ۱

۱ لِباسِ زَنانه و دُخترانه


چادُر


مانتو


پالتو


روسَری


بارانی


بُلوز


دامَن


تاپ


پیراهَن

۲ لِباسِ بَچگانه


ژاکَت


شال‌گَردن


دَستکش


کُلاه


جوراب


جورابِ‌شَلواری

۳ لِباسِ مَردانه و پِسرانه


پیراهَنِ مَردانه


شَلوار


جین


کاپشَن


پُلیور


کُت شَلوار

بسیاری از لباس‌هایی که برای نمونه در بخش لباس بچگانه آموزش داده شده است، جزء لباس‌های زنانه و مردانه هم می‌توانند باشند.

۴


چَتر


چَکمه


کفش


کیف


عِینک


ساعَت


کَمربَند

۱) علی دیروز یک جُفت کفش و یک شَلوار خرید.

۲) سارا وقتی از دانشگاه به خانه برمی‌گردد، مانتو و روسَری‌ش را **درمی‌آورد**.

۳) دیروز باران می‌آمد؛ محسن چَتر را **باز کرد** و رویِ سرش گرفت.

٤) مرد وارد شد، کُلاهش را **برداشت**، سلام کرد و دوباره رویِ سرش **گُذاشت**.

٥) او ابتدا لباس‌هایش را **پوشید**، سپس لباس‌هایِ فرزندش را **پوشاند**.

در زبانِ فارسی، برایِ جوراب، دَستکش و انواعِ کفش، «جُفت» به کار می‌رود. مانندِ: یک جُفت جوراب

برایِ کمربند، ساعت، عینک، فعلِ پوشیدن به کار نمی‌رود. ساعت و کمربند را **می‌بندیم**. عینک را **می‌زنیم**.

واژه‌ها

درآوردن: وقتی لباسی را درمی‌آورید، آن را از تن خود جدا می‌کنید؛ مخالفِ **پوشیدن**

برداشتن: وقتی چیزی را برمی‌دارید، آن را می‌گیرید و از جایِ خود بلند می‌کنید؛ مخالفِ **گُذاشتن**

پوشاندن: وقتی کسی لباسی را به تنِ کسِ دیگر می‌کند.

۱ نامِ پوشاک زیر را بنویسید.



۲ دورِ واژهٔ درست خط بکشید.

۱) مریم وقتی دید باران می‌آید، چَتر را (بَست/ باز کرد) و رویِ سرش گرفت.

۲) من می‌خواهم برایِ مادرم (یک/ یک جُفت) کَفش و برایِ پدرم (یک/ یک جُفت) عِینک بخرم.

۳) مادر لباسِ دخترِ کوچکش را (پوشید/ پوشاند).

۴) داخلِ خانه هوا گرم بود و سامان پالتویَش را (درآورد/ پوشید).

۵) سارا به فروشگاهِ لِباسِ (مَردانه/ بَچگانه) رفت و برایِ تولدِ همسرش، یک پُلیور خرید.

۳ با توجه به حرفِ اول و آخر، از واژه‌هایِ درس، واژهٔ موردنظر را پیدا کنید و بنویسید.

۱) دَستکش	۲) کَ ـ ـ ـ د	۳) ســ ـ ـ ـت	۴) چـ ـ ـ ر
۵) بـ ـ ـ ـ ـی	۶) جـ ـ ـ ب	۷) چَـ ـ ـر	۸) ژ ـ ـ ت
۹) ر ـ ـ ـ ی	۱۰) کُـ ـ ـ ـ ـ ر	۱۱) د ـ ـ ـن	۱۲) بـ ـ ـ ز

۴ دربارهٔ شما: الان چه لباس‌هایی پوشیده‌اید، بنویسید.

۱) ....

۲) ....

۳) ....

۴) ....

۵) ....

۵ گوش کنید: احمد چه پوشیده‌است و چه چیزهایی با خود دارد، دورِ آنها خط بکشید.

بارانی روسری چتر کلاه پلیور دستکش عینک



۱۸ پوشاک ۲

۱ رَنگ

صورَتی	سِفید
نارِنجی	قِرمِز
سَبز	زَرد
سُرمه‌ای	آبی
سیاه	بَنفش
آبیِ پررنگ	آبیِ کم‌رنگ

۲ جِنس: ماده‌ای که **پارچه** از آن دُرست می‌شود.




نَخی



چَرمی


silk
ابریشَمی



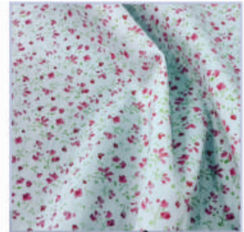
پَشمی


توری



بافتَنی

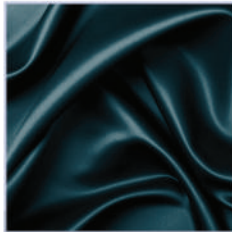
۳ طَرح: نقشِ رویِ پارچه را طَرح می‌گویند.


گُل‌دار


راه راه


چهارخانه


خال‌دار


ساده

۴ اجزایِ لباس، وسایلِ خیاطی


آستین


یَقه


جیب


نخ



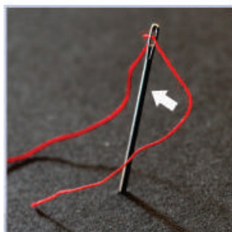
چرخ خیاطی


دُکمه


زیپ


پارچه


قیچی


سوزن

۵

من **خَیاطی کردن** را خیلی دوست دارم. حدودِ یک سالِ پیش در کلاسِ خیاطی ثبتِ نام کردم و یک چَرخ‌خَیاطی، چند **مِتر** پارچه و وسایلِ خَیاطی خریدم. حالا من **خَیاط** هستم و لِباس‌هایِ زیبایی **می‌دوزم**.

واژه‌ها

خَیاطی کردن: دُرست کردن لباس با وسایل خیاطی

مِتر: مِتر واحدی است برایِ اندازه‌گیریِ طول

خَیاط: کسی است که کارِ او دوختنِ لباس است.

دوختن: وقتی با نخ و سوزن یا چرخ‌خیاطی از پارچه، لباس درست می‌کنیم. (ریشهٔ حال: دوز)

۱۸ تمرین

۱ نامِ تصویرهایِ زیر را بنویسید.





۱) ...... قیچی ...... ۲) .... ۳) ....




۴) .... ۵) ....

۲ کدام واژه با واژه‌هایِ دیگر فَرق دارد، دورِ آن خَط بِکشید.

۱) یَقه	زَرد	سُرمه‌ای
۲) ابریشَمی	سِفید	نَخی
۳) راه‌راه	آستین	ساده
۴) دُکمه	پارچه	گُل‌دار
۵) سوزَن	چَرمی	نَخی

۳ جِنس، طَرح و رَنگِ لِباس‌هایِ زیر را بنویسید.



بلوزِ راه راهِ سفید و مشکی ....

۴ دربارهٔ شما: عکسِ خود را در قابِ زیر بچسبانید و لِباس‌هایِ خود را توصیف کنید.



من در این عکس: ....

....

....

....

....

۵ گوش کنید: فرزندِ حامد چه پوشیده است؟ گزینهٔ مناسب را علامت بزنید.

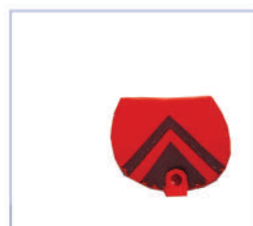
الف: پیراهنِ چهارخانهٔ آبی، کتِ پشمی، شلوارِ قهوه‌ای

ب: پیراهنِ راه‌راهِ آبی، کتِ پشمی، شلوارِ سرمه‌ای

ت: پیراهنِ سادهٔ آبی، کتِ چرمی، شلوارِ سرمه‌ای

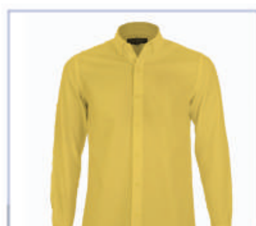
۱۹ خریدِ پوشاک

۱ توصیفِ لِباس


کوچَک


بُزرگ


آستینِ کوتاه


آستینِ بُلند


مَعمولی


رَسمی


کُهنه


نو



ارزان



گِران


تَنگ


گُشاد

۱) بلوزِ فریبا گُشاد است و آستینِ بُلندی دارد، اما بلوزِ خواهرش تَنگ و **آستین کوتاه** است.

۲) کیفِ سیما کوچَک و گِران است، ولی کیفِ من بُزرگ و اَرزان است.

۳) پدرم اغلب لباسِ رَسمی می‌پوشد، اما برادرم لباس‌هایِ مَعمولی می‌پوشد.

٤) کفش‌هایِ من کُهنه است، ولی کفش‌هایِ خواهرم نو است.

دِقّت کنید | **اما/ ولی > جلد ۲ درسِ ۲۸**

هنگامِ مقایسه کردن یا وقتی معنایِ یک جمله با جملهٔ قبلی مخالف باشد، از حروفِ ربط "ولی" و "اما" استفاده می‌کنیم.

۲ خَریدِ لباس

فروشنده: سلام خوش آمدید، بفرمایید؟

مشتری: سلام این بلوز و دامنی که تو **ویترینه**، قیمتِش چنده؟

فروشنده: کدوم بلوز و دامن؟

مشتری: هَمونی که بلوزِ سادهٔ صورتی و دامنِ گُل‌دار داره.

فروشنده: ۱۵۰۰۰۰ تومن بوده، بعد از **حَراج** شده ۱۱۰۰۰۰ تومن.

مشتری: لطفاً بدید **پُرو کنم**. **سایزِ** ۳۸

...

فروشنده: خوب بود؟

مشتری: بلوزِش کمی کوتاهه، دامنِش هم خیلی تنگه.
لطفاً یه سایز بزرگ‌ترِش رو بدید.

...

فروشنده: اَندازه بود؟

مشتری: بله، ممنون. چقدر می‌شه؟

فروشنده: ۱۱۰۰۰۰ تومن.

مشتری: دوست ندارم **چونه بِزنم**، ولی شما **تَخفیف بدید** لطفاً.

فروشنده: شما ۱۰۵۰۰۰ تومن بدید.

مشتری: ممنون. تا کِی می‌تونم **تَعویضِش کنم**؟

فروشنده: بعد از فروش، تَعویض نداریم و **پَس گِرفته نمی‌شه**.

واژه‌ها

ویترین: جایی شیشه‌ای که لباس‌ها را در آن می‌گذارند تا مشتری‌ها ببینند.

حَراج: وقتی فروشنده چیزی را حَراج می‌کند، آن را با قیمتی کمتر می‌فروشد.

سایز: اندازه، به ویژه اندازهٔ لباس؛ (به اندازهٔ کفش، سایز / **شمارهٔ کفش**/ شمارهٔ پا می‌گویند).

پُرو کردن: پوشیدن و امتحان کردنِ لباس هنگامِ خرید

چانه زدن: اِصرار کردن برایِ پایین آوردنِ قیمت؛ فارسیِ گفتاری: چونه زدن

تَخفیف دادن: وقتی فروشنده‌ای به شما تَخفیف می‌دهد، چیزی را به شما ارزان‌تر می‌فروشد؛ مقابلِ **تَخفیف گرفتن**

تَعویض کردن: وقتی چیزی را می‌دهید و چیز دیگری را به جایِ آن می‌گیرید؛ **عوض کردن**

پَس گرفتن: وقتی فروشنده چیزی را که فروخته‌است، دوباره می‌گیرد و پول مشتری را به او می‌دهد؛ مخالفِ **پَس دادن**

۱۹ تمرین

۱ واژه‌هایِ مُناسبِ هر تصویر را بنویسید،







۱) ..... گِران .... ۲) .... ۳) ....





۴) .... ۵) ....

۲ جاهایِ خالیِ زیر را با واژه‌هایِ داده شده پر کنید، یک واژه اضافه است.

پَس نمی‌گیریم — پُرُو کنم — تَخفیف — پَس نمی‌دیم — تَعویض کنید — شُمارهٔ

۱) مشتری: سلام. این کفش ایرانیه؟ مشکی دارید؟
فروشنده: بله ایرانیه. مشکی هم داریم.
.... پاتون چنده، براتون بیارم؟
مشتری: ۳۸

۲) فروشنده: می‌شه ۸۹۰۰۰ تومن.
مشتری: لطفاً .... بدید!
فروشنده: قیمتش واقعاً مناسبه؛ خواهش می‌کنم چونه نزنید.
مشتری: بفرمایید.

۳) مشتری: می‌خوام این دامن رو پَس بدم.
فروشنده: ببخشید، ما هیچ جنسی رو ....
مشتری: پس لطفاً با یه مُدِل دیگه ....

۴) مشتری: امکان داره این پیراهن سفید رو .... ؟
فروشنده: بله، بفرمایید.
اندازه بود؟
مشتری: نه، خیلی تنگ بود.

۳ با توجه به واژه‌هایِ این درس و درس‌هایِ قبل، لباس‌هایِ این افراد را مقایسه کنید.



۱)


۲)


۳)

....

....

....

....

۴ **دربارهٔ شما:** به یک فروشگاهِ پوشاک بروید، لباسِ موردنظرِ خود را انتخاب کنید. آن را توصیف کنید.

....

....

....

۵ **گوش کنید:** صفتِ هر یک از پوشاک زیر را که می‌شنوید، بنویسید.

۱) دامن: .... ۲) بلوز: .... ۳) کفش: ....

۲۰ سلامتی

حالِت چِطوره؟

۱ بیماری‌ها



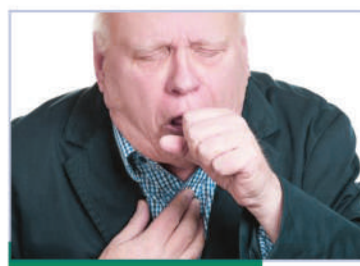
سَـرَم دَرد می‌کنه.



عَطسـه می‌کنم.



حالم خوب نیسـت. سَـرماخوردم.



سُرفه می‌کنم.



تَب دارم.

دِقّت کنید | داشتن > درسِ ۱۳

او سَردَرد دارد. (= سَرش دَرد می‌کند)

در موردِ بعضی از اعضایِ دیگرِ بدن نیز به همین صورت می‌گوییم: کمردَرد/ پادَرد/ ... دارم.

ولی در موردِ بعضی از اعضایِ بدن از فعلِ "داشتن" استفاده نمی‌شود، مانندِ: گردَنم دَرد می‌کند.



۲ چی شده؟ چه اتفاقی برات افتاده؟

مواظب باش!

۱) اَنگُشتَم **بُریده!**

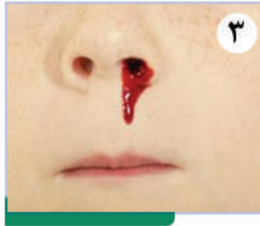
۲) پام **شِکسته!**

۳) بینیم **خون آمده!**

۴) دَستَم **سوخته!**


۱


۲


۳


٤

۳ دارو


قُرص


کِپسول


شَربت


آمپول


قطره


پُماد

۴ مانی بیمار است، او برایِ دَرمان، به مَطبِ پِزشک رفته‌است.

پِزشک: بفرمایید مشکِلتون چیه؟

مانی: آقایِ دُکتر سَرم دَرد می‌کنه. خیلی سُرفه می‌کنم. تَب هم دارم.

پِزشک: الان **مُعاینه‌ات می‌کنم.** فقط سَرماخوردگیه. این **نُسخه‌**ای که برات نوشتم همهٔ **داروخانه‌ها** دارن. دو روز خونه بمون و **استراحت کن.**

مانی: ممنونَم آقایِ دکتر.

واژه‌ها

بیمار: کسی که سالم نیست؛ مَریض

دَرمان: کارهایی که برایِ از بین رفتنِ بیماری انجام می‌شود.

مَطَب: جایی که پِزشک در آن بیماران را مُعاینه و دَرمان می‌کند.

پِزشک: کسی است که کارش دَرمان بیماران است.

مُعاینه کردن: وقتی پزشک به منظورِ درمان، بدنِ بیمار را بررسی می‌کند.

نُسخه: کاغذی که پِزشک داروهایِ بیمار را رویِ آن می‌نویسد.

داروخانه: جایی که در آن دارو می‌فروشند.

استراحت کردن: وقتی آرام در جایی می‌خوابید و کاری انجام نمی‌دهید تا حالتان بهتر شود.

تمرین

۱ هر تصویر مربوط به کدام جمله است. شمارهٔ آن را بنویسید.



۴..............



....



....



....

۱) سارا به بویِ گل‌ها حَساسیّت دارد و مرتب عَطسه می‌کند. او هر روز قُرصِ حَساسیّت می‌خورَد.

۲) پِزشک در مَطَب خود بیماران را مُعاینه می‌کند.

۳) پدرم گَلو دَرد دارد. پِزشک به او شَربتِ داده است. او باید روزی دو بار از آن بخورد.

۴) برادرِ علی سه سال دارد. او از آمپول‌زدن می‌ترسد.

۲ جمله‌هایِ زیر را مرتب کنید.

- ◯ بعد، برایِ من دارو نوشت.
- ◯ دو روزِ پیش به مَطَبِ پِزشک رفتم.
- ◯ پِزشک من را مُعاینه کرد.
- ◯ به داروخانه رفتم و داروها را خریدم.
- (۱) یک هفته بود که کَمر دَردِ شدیدی داشتم.
- ◯ داروها را خوردم و آمپول زدم. الان حالم بهتر است.



۳ جاهایِ خالیِ زیر را با واژه‌هایِ درست پر کنید.

۱) سعید از پلّه‌ها افتاد و دست و پایش ....

۲) مریم دیروز با چاقو دستش را ....

۳) وقتی چایِ داغ رویِ دستِ ساسان ریخت، دستش ....

۴) یاسمین پنج ساله است. بینیِ او اغلب خون ....

۴ دربارهٔ شما: شما یک پزشک هستید و بیمارِ شما سرماخوردگی دارد. برایِ او دارو بنویسید.

قرص روزی سه عدد	نام پزشک: نام بیمار: تاریخ:

۵ گوش کنید: سجاد به پزشک مراجعه کرده است. سه مورد از مشکلاتِ او را بنویسید.

۱) ....   ۲) ....   ۳) ....

مرور

۱ هر واژه را به یکی از واژه‌هایِ اطراف خود وصل کنید و ۸ فعلِ مرکب بنویسید.

کردن	شانه	پوشیدن	بیدار
گرفتن	لباس	شدن	خواندن
نماز	وضو	زدن	قرآن
خواندن	مسواک	دوش	گرفتن

۱) شانه کردن
۲) ....
۳) ....
۴) ....
۵) ....
۶) ....
۷) ....
۸) ....

۲ افرادِ خانوادهٔ زیر چه پوشیده‌اند؟



پدر: پیراهن مردانه ....
مادر: ....
دختر: ....
پسر: ....

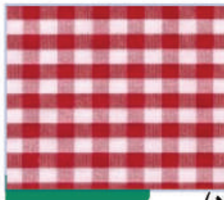
۳ طرح و رنگِ پارچه‌هایِ زیر را بنویسید.


۱) گلدار آبی و سفید


۲) ....


۳) ....


۴) ....


۵) ....

۴ واژهٔ مربوط به هر تصویر را در جدولِ روبرو بنویسید.



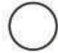





شربت
آ ....
پ ....
ک ....
ق ....
ق ..

۵ **صحبت کنید:** لباسِ موردِ علاقهٔ خود را توصیف کنید. (نوع، جنس، رنگ، طرح، ...)

۶ گوش کنید: کدام جمله درست (✓) و کدام جمله نادرست (✗) است. 

۱) بیماریِ فرزاد با گوش‌دردِ شدید شروع شد. 

۲) وقتی پزشک او را معاینه کرد، به او گفت که او تب ندارد. 

۳) فرزاد سه هفته قبل، سرماخورده بود و به مطبِ پزشک رفته بود. 

۷ بنویسید: لباس‌هایِ زیر را توصیف کنید . 

۱) 

۲) 

۳) 

۴) 

....

....

....

....

....

۸ بخوانید: متنِ زیر را بخوانید و به پرسش‌هایِ آن پاسخ دهید.

پوشِش در ایران

پوشِش یکی از نشانه‌هایِ پیشرفت در فرهنگِ **بَشَر** است. در فرهنگِ ایرانی نیز مانندِ دیگر کشورها، از گذشته تا امروز پوشاندنِ بدن اهمیت داشته است. برایِ آگاهی از انواعِ پوشِش در ایران، باید فرهنگِ مردم را مطالعه کرد. بعد از ورودِ اسلام به ایران و توجه به **آداب و رسوم** مذهبی، پوشاکِ ایرانیان شکلِ دیگری به خود گرفت. با وجودِ اتفاقاتِ مختلفِ تاریخی، هنوز هم **حجاب** در بینِ مردم با اهمیت است؛ زیرا زنانِ مسلمان حجاب را مانعِ پیشرفت‌هایِ خود نمی‌دانند. یکی از نشانه‌هایِ آن حضورِ پررنگِ زنان در جامعهٔ امروزیِ ایران و نقشِ آن‌ها در پیشرفتِ علم است.

فکر کنید: ۱) آیا معنیِ واژه‌هایِ مشخص شده را می‌دانید؟

۲) پوششِ زنان در تاریخِ فرهنگِ شما چه تغییراتی داشته است؟



خودتان را اَرزیابی کنید:
آیا واژه‌هایِ این حوزه را کاملاً یاد گرفته‌اید؟
کدام درس را بهتر یادگرفته‌اید؟
از ۱ تا ۵ به خودتان نمره بدهید.

زندگیِ روزمره 

پوشاک (۱) 

پوشاک (۲) 

خریدِ پوشاک 

سلامتی 

حوزهٔ  خوردنی‌ها



۲۱ میوه‌ها و سبزیجات

۱ میوه‌ها


نارنگی


موز

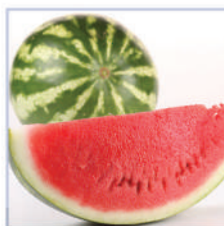

پرتقال


سیب


هلو


زردآلو


گلابی


هندانه


آناناس


توت فرنگی


گیلاس


انگور


کال


رسیده


خراب

۲ سَبزیجات


سبزی


هویج

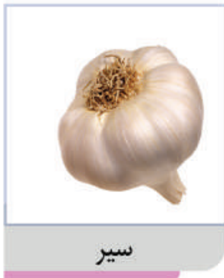

پیاز


سیب زمینی


گوجه‌فرنگی


خیار


کاهو


سیر

۳ در میوه‌فروشی

کیلویی = یک کیلو

میوه فروش: بِفَرمایید، چی بِدَم خِدمَتِتون؟
مُشتَری: پُرتِقال کیلویی چَنده؟
میوه فروش: کیلویی ۴۰۰۰ تومَن.
مُشتَری: دو کیلو پُرتِقال بِدید، لطفاً.
میوه فروش: بفرمایید، دیگه چی؟
مُشتَری: اگر گوجه‌فَرنگی‌ها رِسیده است، نیم‌کیلو هم گوجه‌فرنگی بدید.
میوه فروش: بفرمایید اینم گوجه‌فرنگی.
مُشتَری: چِقَدر می‌شه؟
میوه فروش: ۱۲۰۰۰ تومَن.
مُشتَری: بِفَرمایید.


میوه فروشی / سبزی فروشی



یک کیلو


وزن کردن


تَرازو


سَبَد خَرید


جَعبه



قیمَت

۱ واژه‌هایِ داده شده را در ردیفِ مناسب بنویسید.

انگور　　کاهو　　سیب‌زَمینی　　گُلابی　　هِندِوانه

نارِنگی　　سیر　　هَویج　　پیاز　　گیلاس

میوه	اَنگور	....	....	....	....
سبزیجات	....	....	....	....	....

۲ نامِ تصویرهایِ زیر را بنویسید.







۱) سیب　　۲) ....　　۳) ....　　۴) ....　　۵) ....





گوجه فرنگیِ　۶) ....　　۷) ....　　۸) ....

۳ جاهایِ خالیِ زیر را با واژه‌هایِ درس پر کنید.

الف) مُشتَری: ..... چقدر ..... می‌شه؟

فروشنده: ۱۶۸۰۰ تومن.

ب) مُشتَری: گوجه‌فَرنگی .... چَنده؟

فروشنده: ۲۵۰۰ تومن.

ج) .... : بفرمایید چی بِدم خدمتتون؟

.... : دو کیلو موز لطفاً.

۴ دربارهٔ شما: جدولِ زیر را کامل کنید.

میوه‌هایی که دوست دارم:	....	....	....	....
میوه‌هایی که دوست ندارم:	....	....	....	....

سبزیجاتی که دوست دارم:	....	....	....	....
سبزیجاتی که دوست ندارم:	....	....	....	....

۵ گوش کنید: نامِ کدام میوه یا سبزیجات را می‌شنوید، علامت بزنید.



پرتقال ◯ انگور ◯ پیاز ◯ توت‌فرنگی ◯ سیب ◯ آناناس ◯ گوجه فرنگی ◯ کاهو ◯ سیب‌زمینی ◯

۲۲ موادِ غذایی

۱ مَوادِ غَذایی


تُخم‌مُرغ


آرد


نان


روغَن


قَند و شِکَر


ماکارونی


بِرِنج


چای


فِلفِل و نَمک


آبلیمو

۲ لَبَنیات


شیر


ماست


پَنیر


کَره


خامه

فروشگاه



۳ گوشت و فَرآورده‌هایِ گوشتی



گوشتِ قرمز



ماهی



سوسیس



مِیگو



مُرغ



کالباس



تن ماهی

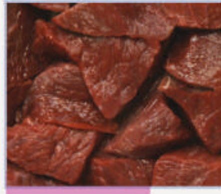
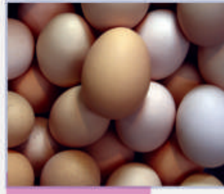
در فارسیِ گُفتاری برایِ تِعدادِ بیشتر از یک، به‌جایِ واحد، از «تا» می‌توان استفاده کرد.
سه قالب کره = سه تا کره

واحد	موادِ غذایی	
بَستِه	ماکارونی	
قوطی	کُنسِروِ تُن‌ماهی	
شیشه	روغَن/ آبلیمو	
پاکَت	شیر / خامه	
سَطل	ماست	
قالِب	پَنیر / کَره	
شانِه	تُخم‌مُرغ	

مشتری: یه بَسته آرد، دو پاکَت شیر و سه تا کَره، یه سَطل ماست لطفاً.
فروشنده: چیز دیگه‌ای لازم ندارید؟
مشتری: چرا، دو تا بَستِه شِکَر، و یه شونه تُخمِ‌مرغ هَم اِضافه کنید.
فروشنده: ... بفرمایید.
مشتری: چقدر می‌شه؟
فروشنده: می‌شه ۳۵۰۰۰ تومن.

۱ نامِ هر تصویر را بنویسید.




۱) لَبنیات ۲) .... ۳) .... ۴) .... ۵) ....

۲ واژه‌ها را با توجه به تصویر و حروفِ اول کامل کنید.

مَواد لازم:

۱ بَستِه ماکارونی



۱ قوطی کـ...... ......



۲ قاشُق ر......



۲ قاشُق آ......



مِقداری سـ......



کَمی نـ...... و فـ.....



۳ جاهایِ خالی را با واحدهایِ مناسب پر کنید.

یک ..سطل.. ماست — یک .... تُخمِ‌مُرغ

دو .... کَره — یک .... چای

«مِقدار» را معمولاً دربارهٔ چیزهایی به کار می‌بریم که نمی‌توانیم آنها را بشماریم.

۴ دربارهٔ شما: فرض کنید می‌خواهید به خرید بروید. چیزهایی که نیاز دارید را بنویسید.

لیست خرید		
...۱.....	....بسته......	........آرد.....
....	....	....
....	....	....
....	....	....
....	....	....

۵ گوش کنید: کدام‌یک از مواد غذایی زیر در رژیمِ غذایی بیتا هست، علامت بزنید.

تخم مرغ ◯ برنج ◯ میوه ◯ ماهی ◯ ماست ◯ شیر ◯ چای ◯

وعده‌هایِ غذایی

۱ صُبحانِه: وَعدهٔ غَذایی که هِنگام صُبح می‌خوریم، صُبحانه نام دارد.


استکانِ چای


مُربا


عَسَل


نان


گِردو


نیمرو


تخم مرغ آب پز


قَهوه


قَندان


قوری


شِکَرپاش


فِنجانِ چای

۲ ناهار و شام

وَعدهٔ غَذایی که هِنگامِ ظُهر می‌خوریم، **ناهار** است و

وَعدهٔ غَذایی که هِنگامِ شَب می‌خوریم **شام** نام دارد.

پیش‌غَذا: آنچه قَبل از غذای اصلی می‌خوریم.

غَذایِ اَصلی: غذایی که صُبح، ظُهر و شَب می‌خوریم.

نوشیدَنی: هر مایِعی که آن را می‌توان نوشید.

دسر: آنچه در پایانِ غذا می‌خوریم، مانندِ میوه، شیرینی و ...



۱) چاقو ۲) قاشُق ۳) لیوان ۴) بُشقاب ۵) چَنگال

گُرُسنه: وقتی گُرُسنه‌اید باید غذا بِخورید تا **سیر** شوید. (سیر ≠ گرسنه)

تِشنه: وقتی تشنه‌اید باید آب بنوشید.

در فارسی گفتاری «گُشنه» به جای «گرسنه» به کار می‌رود.

۳

غذا برایِ **سَلامَتی** انسـان‌ها مُهـم است. بِهتَرین **رژیمِ غذایـی** آن اسـت که **میان‌وَعده** داشته باشد؛ یَعنی تِعدادِ وَعده‌های غَذاییِ زیاد و مقدارِ هر وَعدهٔ غذایی، کم باشد. مُهم‌ترین وَعدهٔ غَذایی صُبحـانه است که **اِنـرژیِ** کُلِ روز را **تأمیـن می‌کند**. **عَصرانه** میان‌وَعده‌ای است که بیـن ناهار و شـام خورده می‌شود. بِهترین زَمانِ شام خوردن، حُدودِ ساعتِ ۷ شــب است. بینِ شــام خوردن و خوابیــدن باید فاصلهٔ زَمانی باشـد تا چاق نشویم.

واژه‌ها

سَلامَتی: حالتِ سالم بودن و بیماری نداشتن

رژیم غَذایی: بَرنامهٔ غَذایی

میان‌وَعده: چیزی که بین وَعده‌هایِ غَذاییِ اَصلی می‌خوریم.

اِنرژی: نیرویی که از خوردنِ غَذا به دست می‌آید.

تأمیـن کردن: تَهیه کردن

تمرین

۱ هریک از واژه‌ها را به تعریفِ آن وصل کنید.

۱) چیزی که قبل از غذایِ اصلی می‌خوریم.	• انرژی
۲) نیرویی که از خوردنِ غذا به دست می‌آید.	• شام
۳) به صُبحانه، ناهار و شام می‌گویند.	• پیش‌غذا
۴) وعدهٔ غذایی که شب‌ها می‌خوریم.	• گرسنه
۵) کسی که احساس می‌کند باید چیزی بخورد.	• وعده‌های‌غذایی

۲ نامِ تصویرهایِ زیر را کامل کنید.


۱) عسل


۲) قـ _ _ _



۳) _ ر _ _


۴) نـ _ _ _ _ _


۵) _ _ _ ـا _


۶) _ و _ _


۷) چـ _ _ _ _


۸) _ _ _ ـا _

۳ با واژه‌هایِ زیر جمله بسازید.

۱) رِژیمِ غذایی ....

۲) سَلامتی ....

۳) نان ....

۴) عَصرانه ....

۵) تِشنِه ....

۴ دربارهٔ شما: در وَعدهٔ صُبحانه چه چیزهایی می‌خورید؟ با توجه به واژه‌هایِ این درس و درسِ ۲۲ پاسخ دهید.

۱) .... ۲) .... ۳) ....

۴) .... ۵) .... ۶) ....

۵ گوش کنید: امین در وعدهٔ صبحانه، چه چیزهایی می‌خورد، علامت بزنید.

نان ◯ پنیر ◯ کره ◯ عسل ◯ مربا ◯ شیر ◯ چای ◯ قهوه ◯

آشپزی

> مَزه = طَعم

۱ مَزه‌ها

خوش‌مَزه	صِفتِ چیزی که مَزهٔ خوبی دارد؛ مخالفِ **بَدمَزه**
بی‌مَزه	صِفتِ چیزی که مَزه ندارد.
شیرین	مزهٔ چیزی مِثلِ عَسَل است.
تُرش	مَزهٔ چیزهایی مانندِ آبلیمو و سِرکه
شور	مزهٔ چیزی که نَمَکِ آن زیاد است.
بی‌نَمَک	مزهٔ چیزی که نَمَک ندارد؛ مخالفِ **شور**
تَلخ	مزهٔ چیزی مانندِ چای و قَهوهٔ بدونِ شِکر
تُند	مزهٔ چیزی که فِلفِل زیاد دارد.

۲ چاشنی‌ها

چاشنی، چیزی است که به غذا اِضافه می‌کنیم تا مَزهٔ بهتری داشته باشد؛ مانندِ نَمَک ، فِلفِل، آبلیمو ، رُب ، سُس، زَعفِران و ...

> می‌گوییم: آشپَزی می‌کنم/
> غَذا می‌پَزَم/ غَذا دُرُست می‌کنم



زَعفِران



رُب

۳ کارهایی که در هِنگامِ آشپَزی کردن (غذا پُختَن) انجام می‌دهیم.


شُستَن


پوست کَندن


خُرد کَردن


رَنده کَردن


اضافه کَردن


جوشاندن


آب‌پز کَردن


سُرخ کَردن


بُخارپز کَردن


کَباب کَردن


دَم کَردن


هَم زَدن

۴ مُشکِلاتِ آشپَزی


سوختَنِ غَذا


سَررَفتَنِ غَذا

دِقَّت کنید | ترتیبِ انجامِ کار

وقتی چند کار پشتِ سرِ هم با ترتیبِ مشخصی انجام شود، از واژه‌ها و عباراتِ زیر استفاده می‌کنیم:

اول/ ابتدا ← بعد/ سپس ← در پایان/ در آخر

۵ طرزِ تهیهٔ سیب‌زَمینیِ سُرخ‌کَرده

مَوادِ لازم: سیب‌زَمینی ۲ عدد
نَمَک به میزانِ لازم
روغَن ۲ قاشقِ غذاخوری

اَوَل سیب‌زَمینی‌ها را پوست بِکَنید و بِشویید. بَعد سیب‌زَمینی‌ها را خُرد کُنید و به مُدتِ دو ساعَت در آبِ سَرد بِگُذارید. سِپَس در ظَرفی آب را بِجوشانید و سیب‌زَمینی‌ها را ۵ دَقیقه در آبِ جوش قَرار دَهید و بعد خشک کنید.
در پایان سیب‌زمینی‌ها را داخِلِ روغَن بریزید و ۸ دَقیقه آنها را سُرخ کُنید. حالا سیب‌زمینی‌هایِ شما آماده است. نوشِ جان!



در جوابِ کسی که به خاطرِ غذا از شما تشکر می‌کند، می‌گویید "نوشِ جان!"

۱ هر یک از تصویرها را به واژهٔ مناسبِ آن وصل کنید.



۱) ۲) ۳) ۴) ۵)

• تند • شیرین • تلخ • شور • ترش



۲ جمله‌هایِ زیر را مرتب کنید.

دستورِ پختِ اُملتِ گوجه‌فَرَنگی برایِ دو نَفَر:

◯ بَعد، گوجه‌فَرَنگی‌ها را در ماهیتابه بریزید و خوب بپَزید.

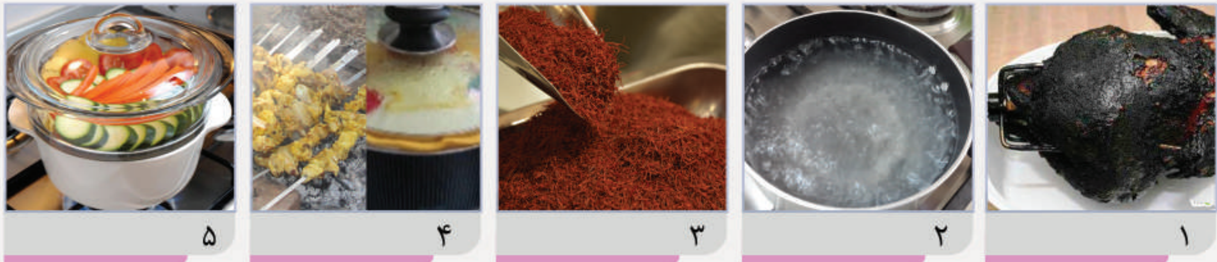
◯ بَعد از شُستَن، آنها را پوست بِکَنید و گوجه‌فَرَنگی‌ها را خُرد کُنید.

(۱) اِبتِدا دو عَدَد گوجه‌فَرَنگی را خوب بِشویید.

◯ در اِنتِها تُخمِ‌مُرغ‌ها را به گوجه‌فَرَنگی‌ها اِضافه کُنید و هَم بزَنید تا اُملت آماده شود.

◯ سِپَس در ماهیتابه روغَن بِریزید و اُجاق‌گاز را روشَن کنید.

۳ با توجه به تصویر ، جاهایِ خالیِ زیر را پر کنید.



۱) دیشب غَذایی که دُرُست کَرده بودم .... سوخت .... و مَن مَجبور شُدم آن را دور بِریزم.

۲) مادرم آب را در قابلَمِه می‌ریزد و آن را .... ، بَعد، ماکارونی را اِضافه می‌کند.

۳) ایرانی‌ها اغلب در غَذاهایِ خود از .... به عُنوانِ چاشنی، استفاده می‌کنند.

۴) شما برایِ پُختنِ چلوکَباب باید بِرنج را .... و گوشت را ....

۵) تَهمینه خیلی به رِژیمِ غذاییِ سالم اَهَمیت می‌دهد و هَمیشه غَذاهایِ .... می‌خورد.

۴ دربارهٔ شما: نامِ غذایِ موردِ علاقهٔ خود و طرزِ تهیهٔ آن را توضیح دهید.

نامِ غذا: ....

طرزِ تهیهٔ : ....

....

....

....

....

۵ گوش کنید: برایِ تهیهٔ غذایِ موردِ نظر کدامیک از کارهایِ زیر انجام می‌شود، علامت بزنید.



آبپز کردن ◯ شستن ◯ پوست کندن ◯ خردکردن ◯ سرخ کردن ◯ هم زدن ◯

۲۵ رستوران

۱ مکان‌هایِ غذاخوری


رِستوران


سفره‌خانه/ رِستورانِ سُنَتی



کافی‌شاپ


فَست‌فود

۲ انواعِ غذا

پیش‌غذا
سوپ　آش
سالاد　ماست

دِسِر
بَستَنی　کیک
شیرینی　ژِله

غذایِ اصلی
غذای سنتی:
چُلوکَباب مُمتاز　خورِشتِ قُرمه‌سَبزی
جوجِه کَباب　خورِشتِ فِسِنجان
زِرِشک‌پُلو با مُرغ　خورِشتِ قیمه
سَبزی‌پُلو با ماهی
باقالی پُلو با گوشت

فَست‌فود
پیتزا　ساندویچ　همبرگر
سیب‌زمینی سرخ کرده

نوشیدنی‌ها
دوغ　نوشابه　چای
آب مَعدَنی　قَهوه

۳ سارا و بهنام به مُناسبَتِ سالگردِ ازدواجشان، برای شام به رِستوران رفته‌اند و مُنتظرِ پیش‌خِدمت هستند.

بهنام: من چُلوکَبابِ سُلطانی **سفارِش می‌دم.**
تو چی می‌خوری سارا؟

سارا: منم جوجه‌کَباب بدونِ برنج.

پیش‌خِدمت: ... بفرمایید چی **مِیل می‌کنید؟**

بهنام: یک **پُرس** چُلوکَبابِ سُلطانی و یک پُرس جوجه‌کَبابِ بدونِ برنج. لطفاً هر دو کاملاً **پُخته** باشه.

پیش‌خِدمت: بله، حتماً. نوشیدنی چی مِیل می‌کنید؟

سارا: برایِ من دوغ لطفاً.

بهنام: برایِ من هم آب مَعدنی.

پیش‌خِدمت: سالاد یا ماست مِیل نمی‌کنید؟

بهنام: یه سالاد و دوتا ماست لطفاً.

پیش‌خِدمت: اَمر دیگه‌ای ندارید؟

بهنام: نه، ممنون.

بعد از غذا، بهنام **صورَت‌حِساب** را از پیش‌خِدمت می‌گیرد، پولِ غذا را **حِساب می‌کند** و به پیش‌خِدمت **اَنعام** می‌دهد.

تفاوتِ رستوران، سفره‌خانه و رستورانِ فست‌فود در چیست؟

- ظاهر و نوع بنای آنها ◯
- نوعِ غذایِ آنها ◯
- هر دو مورد بالا ◯

واژه‌ها

سُنَتی: ویژگیِ چیزی که به آداب و رسومِ قدیم مربوط می‌شود یا از گذشته بوده است. مخالفِ **مُدرن**

سِفارش دادن: وقتی از کسی بخواهید چیزی را برایِ شما تهیه کند.

مِیل کردن: به جایِ «خوردن» به کار می‌رود و محترمانه است.

پُخته: صفتِ چیزی که حَرارت دیده و برایِ خوردن آماده است؛ مخالفِ **خام**

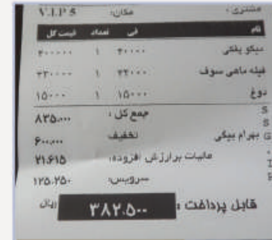
صورَت‌حِساب: کاغذی که در آن قیمتِ چیزی که خریده‌اید نوشته شده است.

حِساب کردن: پول دادن

اَنعام: پولِ کمی است که برایِ تشکر به پیش‌خِدمت یا به کسی که کاری برایتان انجام داده است، می‌دهید.

پُرس: واحدِ غذا برایِ نفر

۱ نامِ تصویرهایِ زیر را بنویسید.







۱) صورت‌حساب ۲) .... ۳) .... ۴) ....

۲ واژه‌هایِ داده شده را در ستونِ مناسب بنویسید.

سوپ نوشابه پیتزا سالاد جوجه‌کَباب

کیک هَمبِرگِر دوغ بَستَنی خورِشتِ قیمه

غذایِ اصلی	دِسِر	پیش‌غذا	نوشیدَنی‌ها	فَست‌فود
جوجه‌کباب	....	....	....	....
....	....	....	....	....

۳ گفت‌وگوهایِ زیر را با واژه‌هایِ درس کامل کنید.

۱)

پیش‌خِدمت خوش آمدید.

بِفَرمایید چی ... میل ... می‌کنید؟

کیوان یک .... چلوکَباب، لطفاً.

پیش‌خِدمت نوشیدنی؟

کیوان نه، ممنون.

۲)

نسیم بچّه‌ها حالا که غذاتون رو خوردید، بهتره زودتر بریم.

بگم پیش‌خدمت .... رو بیاره.

نسترن این دَفعه من .... می‌کنم، همه مِهمونِ من هستین.

۴ دربارهٔ شما: منویِ زیر را با غذاهایِ موردِ علاقهٔ خود پر کنید.

پیش‌غذا	غذایِ اصلی	نوشیدنی‌ها
....	....	....
....	....	....
....	....	....

۵ گوش کنید: الهام در رستوران چه چیزی سفارش می‌دهد، علامت بزنید. 

۱) پیش‌غذا: الف) سوپ ب) آش ج) سالاد

۲) غذایِ اصلی: الف) جوجه‌کباب ب) شیشلیک ج) چلوکباب

۳) نوشیدنی: الف) دوغ ب) نوشابه ج) آب معدنی

۱ واژهٔ مربوط به هر تصویر را در جدولِ زیر بنویسید.

ه	ن	د	و	ا	ن	ه		
س								
ا								
ه								
ن								
س								
گ								
گ								

۲ هر یک از موادِ غذاییِ زیر را به واحدِ مناسبِ آن وصل کنید.

۱) تخم مرغ • پاکت
۲) شیر • کنسرو
۳) تن ماهی • شانه
۴) آرد • شیشه
۵) روغن • بسته

۳ چه موادِ غذایی و ظرف‌هایی در تصویر می‌بینید، بنویسید.



موادِ غذایی	ظرف‌ها
نان	لیوان
....	....
....	....
....	....

۴ مزهٔ هر یک از تصاویرِ زیر را بنویسید. تعداد حروف هر واژه با خط‌چین مشخص شده است.







۱) شیرین - -　　۲) - - -　　۳) - - -　　۴) - - -　　۵) - - -

۵ **صحبت کنید:** در موردِ یک رژیمِ غذاییِ سالم صحبت کنید.



۶ **گوش کنید:** مریم چه چیزهایی برای مهمانیِ خود سفارش داد.

پیش‌غذا	غذایِ اصلی	دِسر	نوشیدنی
سالادِ فصل ◯	باقالی پلو ◯	بستنی ◯	آب معدنی ◯
زیتون پرورده ◯	آلبالو پلو ◯	کیک ◯	دوغ ◯
سوپ ◯	شیرین پلو ◯	ژله ◯	نوشابه ◯

۷ **بنویسید:** طرزِ تهیهٔ یکی از غذاهایِ سنتیِ کشورِ خود را در چند خط بنویسید.



....

....

....

سُنّت‌هایِ غذاییِ ایرانیان

در ایران مانندِ دیگر کشورها، تعداد زیادی غذایِ سنتی و **بومی** وجود دارد. ویژگیِ غذاهایِ ایرانی، ترکیبِ انواعِ موادِ غذایی با توجه به خاصیتِ داروییِ آنها است. ترکیبی مناسب از انواعِ موادِ غذایی مانندِ سبزی‌ها، گوشت‌ها، **حبوبات**، لبنیات، **خشکبار** و ... در غذاهایِ ایرانی وجود دارد. اما امروزه، غذاهایِ آماده مانندِ انواعِ غذاهایِ یخزده و آماده مانندِ فست‌فودها سلامتِ جامعه را به خطر انداخته و بسیاری از بیماری‌هایِ **گوارشی** را به وجود آورده است. با اصلاحِ عادتِ غذایی و استفاده از موادِ غذاییِ سالم، می‌توان جلویِ بسیاری از این بیماری‌ها را گرفت.

فکر کنید: ۱) آیا معنیِ واژه‌هایِ مشخص شده را می‌دانید؟

۲) سنت‌هایِ غذاییِ کشورِ شما چیست؟



خودتان را اَرزیابی کنید:

آیا واژه‌هایِ این حوزه را کاملاً یاد گرفته‌اید؟

کدام درس را بهتر یادگرفته‌اید؟

از ۱ تا ۵ به خودتان نمره بدهید.

- میوه و سبزیجات ◯
- موادِ غذایی ◯
- وعده‌هایِ غذایی ◯
- آشپزی ◯
- رستوران ◯

حوزهٔ ۶ طبیعت



۲۶ پدیده‌هایِ طبیعی

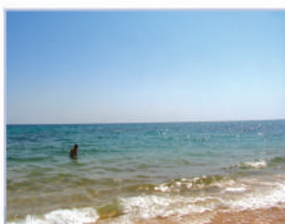
۱ طَبیعت



جَزیره



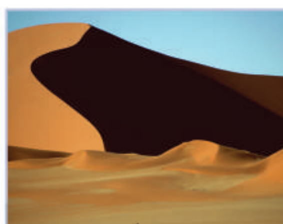
خَلیج



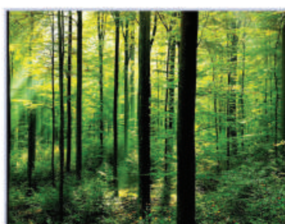
دَریا



رود



کَویر



جَنگل



دَشت



آبشار

۲ من می‌توانم دربارهٔ طبیعت و پدیده‌هایِ طبیعی صحبت کنم.

۱. امواجِ دَریا به سویِ **ساحل** می‌آیند.

۲. در جَنگل، دِرختانِ بسیاری وجود دارد.

۳. رودِ نیل در مِصر، طولانی‌ترین **رودخانهٔ** جَهان است.

۴. گَردشگرانِ زیادی از سواحلِ زیبایِ خَلیجِ‌فارس دیدن می‌کنند.

۵. **اقیانوس**، دَریایِ بسیار بُزرگی است که قسمتی از سَطحِ **کرهٔ زَمین** را پوشانده است.

۶. آب و هوایِ کَویر گَرم و **خُشک** است به هَمین دَلیل گیاهانِ کمی در آنجا وجود دارد.



کُوه

واژه‌ها

رودخانه: رود

کرهٔ زَمین: سیاره‌ای که رویِ آن زندگی می‌کنیم.

اَمواج؛ (جمعِ موج): شکلی از آب که بادهایِ شَدید در سَطحِ آب بوجود می‌آورند.

سواحل؛ (جمعِ ساحل): خشکیِ کنارِ دریا

خُشک: به چیزهایی گفته می‌شود که آب یا رطُوبَت ندارند.

دَریاچه: دریایی است که به اقیانوس راه ندارد.

خاک: چیزِ نَرمی که سَطحِ زَمین را پوشانده است.

چِشمه: مَحلی است که آب‌هایِ زیرِ زمین به سَطحِ زَمین می‌رسد.

دَرّه: فاصله و زمینِ بین دو کوه است.



سَنگ

دِقّت کنید | **نشانهٔ جمع > جلد ۲ درس ۲۲**

«ها» نشانهٔ جمع در زبانِ فارسی است. بعضی از اسم‌ها را می‌توانیم با «ان» نیز جمع ببندیم: درخت‌ها/ درختان

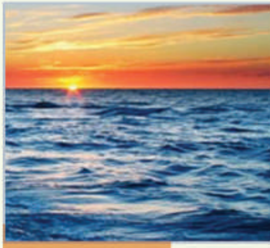
بعضی واژه‌ها دارایِ صورتِ جمعِ بی‌قاعده نیز می‌باشد. این واژه‌ها اغلب عربی هستند.

موج: موج‌ها / امواج

ساحل: سواحل

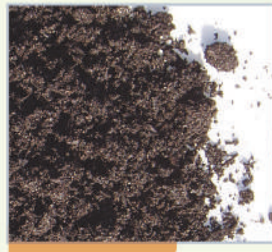
۱ نامِ تصویرهایِ زیر را بنویسید.



۱) ..... موج ..... ۲) .... ۳) .... ۴) ....






۵) .... ۶) .... ۷) .... ۸) ....

۲ سعی کنید واژه‌هایِ متوالی را مانندِ نمونه بیابید.

د ر ه ق ل ه ا م و ا ج ک و ی ر ک و ه س ت ا ن ج ن گ ل

۳ جاهایِ خالیِ زیر را با واژه‌هایِ داده شده پر کنید. یک واژه اضافه است.

اقیانوس ساحلی خاک دَریایی ~~چِشمه~~ جَزایر سَنگ

۱) ...... چشمه ...... به زیبایی از دلِ زمین می‌جوشد.

۲) زمین از .... و .... پوشیده شده و گیاهان در خاک می‌رویند.

۳) جانورانِ ناشناختهٔ دریایی، در .... زندگی می‌کنند.

۴) در اکثرِ .... زیبایِ خلیجِ‌فارس، می‌توان زندگی کرد.

۵) معمولاً شُغل مردمِ شهرهایِ .... ماهیگیری است.

۴ دربارهٔ شما: کدام پدیده‌هایِ طبیعی در کشور و شهر شما وجود دارد. نامِ آنها را بنویسید.

	دریا	جزیره	کوه	رود	جنگل
شهرِ شما	....	....	....	....	....
کشورِ شما	....	....	....	....	....

۵ گوش کنید: نام چهار پدیدهٔ طبیعی را که در کشورِ ماریا وجود دارند، بنویسید.

۱) .... ۲) .... ۳) .... ۴) ....

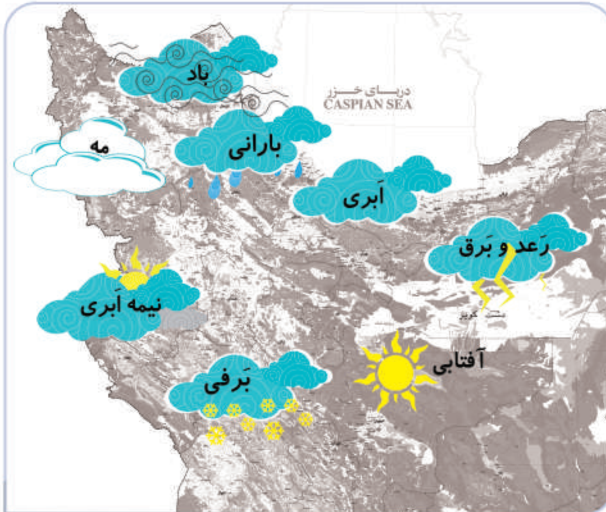


۲۷ آب و هوا

۱ هواشِناسی


گَرما


سَرما



در فارسی گفتاری می‌توانیم بگوییم:
باران/ بَرف/ باد/ نسیم «می‌آید».

اِسم		صفت	
آفتاب	خورشید **می‌تابد.** (آفتاب، نورِ خورشید است.)	**آفتابی**	هوا آفتابی است.
بَرف	امروز بَرف **می‌بارد.**	**بَرفی**	هوا بَرفی است.
باران	فردا باران می‌بارد.	**بارانی**	هوا بارانی است.
مِه	همه‌جا را مِه پوشانده بود.	**مِه‌آلود**	هوا مِه‌آلود است.
اَبر	ابرهایِ زیادی در آسمان است.	**صاف**	آسمان صاف است. (اَبر در آسمان نیست.)
نَسیم	نَسیم/ باد **می‌وَزَد.**(نَسیم بادِ ملایم و آرام است.)	**نیمه اَبری**	آسمان نیمه اَبری است. (اَبر در آسمان کم است.)
باد		**اَبری**	آسمان اَبری است. (اَبر در آسمان زیاد است.)
گَرما	به علت گَرما **عَرَق می‌کنم.**	**گَرم**	هوا گَرم است.
سَرما	به علت سَرما **می‌لَرزم.**	**سَرد**	هوا سَرد است.
رَعد و برق	معمولاً اول رعد و برق **می‌زند** بعد باران می‌بارد.	–	–

می‌گوییم: رَعد و بَرق می‌زند.

۲ امروز هوا چطوره؟

۱. امروز در تهران بادِ شَدیدی آمد و **توفان** شد.

۲. در همدان هوا خیلی **خُنک** است و **بَرفِ سَنگینی** می‌بارد.

۳. در تُنکابُن هوا سَرد است و **بارانِ** تُندی می‌آید.

۴. در بهار و پائیز هوا بسیار **تَغییر می‌کند**.

دِقّت کنید > جلد ۲ درسِ ۲۶

خیلی و کمی	شَدید، تُند، سُنگین
خیلی گَرم ≠ کَمی گَرم	بارانِ/ بادِ **تُند**
خیلی سَرد ≠ **کَمی** سَرد	بارانِ/ بادِ **شَدید**
	برفِ **سَنگین**

واژه‌ها

خورشید: ستاره‌ای است که زمین به دورِ آن می‌چرخد.



عَرَق کردن: وقتی به علتِ گرما عَرَق می‌کنیم، مایعی از پوستِ ما خارج می‌شود.

لَرزیدن: از شدتِ سَرما سَریع و پُشتِ سرِ هم تِکان خوردن

توفان: وقتی بادِ تندی می‌وزد و معمولاً با رَعد و بَرق و باران همراه است.

خُنَک: هوایِ کمی سَرد ولی دوست داشتنی

برفِ سَنگین: بَرفِ زیاد

تَغییر کردن: عَوَض شدن، مُتفاوت شدن



۲۷ تمرین

۱ هر تصویر مربوط به کدام جمله است. شمارهٔ آن را بنویسید.



باد می‌وزد. ..(۴).. هوا اَبری است. ....

هوا نیمه اَبری است. .... هوا آفتابی است. ....

هوا بارانی است. ....

۲ جاهایِ خالیِ زیر را با واژه‌هایِ داده شده پر کنید. یک واژه اضافه است.

می‌بارد می‌وَزد مِه‌آلود نَسیم صاف سَنگینی

۱) بَرفِ ......سَنگینی...... می‌بارد.

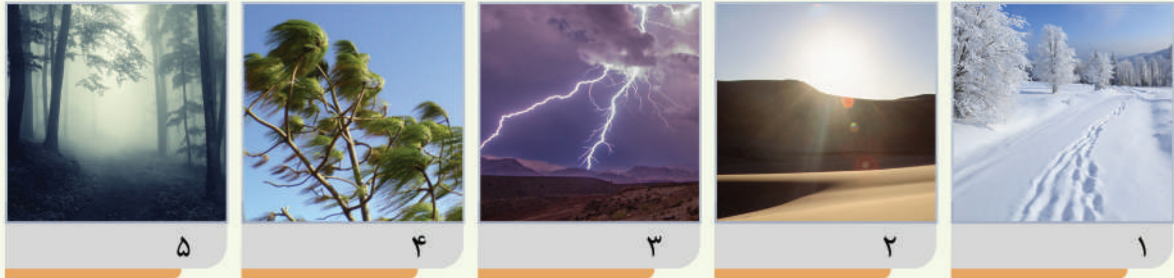
۲) اغلب، صبحِ زود هوا ....است.

۳) امروز آسمان .... است.

۴) .... مُلایمی می‌وزد.

۵) بارانِ تُندی ....

۳ با توجه به تصویرها، جاهایِ خالیِ زیر را پر کنید.



۱) در زمستان هوا خیلی ....سرد........ است و ......برف........ می‌بارد.

۲) در تابستان خورشید .... و هوا.................. است.

۳) معمولاً بعد از .... باران ....

۴) در هوایِ توفانی بادِ .... می‌وَزد و معمولاً باران می‌بارد.

۵) در هوایِ .... هیچ چیز را به خوبی نمی‌بینیم.

۴ دربارهٔ شما: آب و هوایِ امروزِ ۳ شهر از کشورِ خود را در اینترنت جستجو کنید و در جدولِ زیر علامت بزنید.

نامِ کشور: .... تاریخ: ....

نامِ شهر	آفتابی	ابری	بارانی	بَرفی	توفانی	مه‌آلود
....						
....						
....						

۵ گوش کنید: با توجه به اخبارِ هواشناسی، هوایِ امشب و فردایِ شهرِ مشهد چگونه است؟

امشب: الف) آفتابی ب) نیمه اَبری ج) بارانی

فردا: الف) آفتابی ب) نیمه اَبری ج) بارانی

۲۸ حوادثِ طبیعی

حوادِث = حادِثه‌ها

۱ حوادثِ طبیعی


توفان


سیل


زِلزِله/ زَمین‌لرزه


آتش‌سوزی


یخبندان


گردباد


سونامی


خشکسالی

۲ من می‌توانم دربارهٔ حوادثِ طبیعی صحبت کنم.

- در شُمالِ ایران، گاهی بارانِ زیادی می‌بارد و سیل جاری می‌شود.
- سونامی بسیار **خَطرناک** است و خانه‌هایِ ساحلی را **خَراب می‌کند.**
- در ژاپن، اغلبِ اوقات زِلزِله اِتفاق می‌افتد و زَمین به شِدت **می‌لَرزد.**
- گِردباد و توفانِ شَدید به شَهرها **آسیب می‌رساند.**
- در آتش‌سوزیِ جَنگل‌ها، دِرختانِ بِسیاری **می‌سوزند.**
- هنگامِ یَخبندان به عِلت سَرمایِ زیاد، هَمه چیز **یَخ می‌زند.**
- هنگامِ خُشکسالی به عِلتِ کَم بودنِ آب، گیاهان خُشک می‌شوند.

در فارسیِ گفتاری می‌گوییم:
(آتش‌سوزی/ یَخبندان/ توفان/ خُشکسالی) شُد.
(توفان/ سیل/ گِردباد/ زِلزِله) آمد.

۳

صبح دیروز زِلزِلهٔ شَـدیدی، سَـواحلِ شرقیِ ژاپن را لَرزاند و خانه‌هایِ زیادی را خَراب‌کرد. این زِلزِله باعِثِ آتش‌سوزی شد و شَهرهایِ *فوکوشیما* و *میاکــو* در این حادِثه آسیب دیدند. مَعمولاً زلزلهٔ شَدیـد، **خَطــرِ** سونامـی را در شَهرهایِ ساحلی، **افزایش می‌دهد**. سونامی، ممکن است به عِلتِ توفــانِ شَدید هم اِتفاق بیافتــد. گاهی اِرتفاعِ مــــوجِ سونامی بــه چندین متـر می‌رسـد. سالانه انسان‌هایِ زیادی بر اثرِ سونامی جانِ خود را **از دست می‌دهند**. اما خوشبختانه بعد از زلزلهٔ دیروز، سونامی اِتفاق نیفتاد.

دِقّت کنید | **اسم/ صفت + شُدن**

فعلِ "شدن" بیشترِ مواقع، تغییر در چیزی یا کسی را نشان می‌دهد:

هوا سرد شد. (سرد نبود. بعداً سرد شد).

گیاهان خشک می‌شوند. (خشک نیستند بعداً خشک می‌شوند.)



واژه‌ها

جاری شدن: وقتی مایعی جاری می‌شود، یعنی بر رویِ سطحی حرکت می‌کند؛ **حرکت کردن.**

خَطرناک: چیزی که می‌تواند به شما آسیب برساند؛ چیزی که خطر دارد.

خَراب کردن: از بین بردن

لَرزیدن: سَریع و پُشت هم تِکان خوردن

به (کسی/ چیزی) آسیب رساندن: به کسی صدمه‌زدن؛ چیزی را خراب‌کردن

سوختَن: وقتی چیزی بر اثرِ آتش می‌سوزد، یعنی آتش به آن آسیب می‌رساند.

یَخ زدن: تبدیل به یخ شدن

خُشک شدن: وقتی چیزی آب خود را از دست بدهد.

خَطر: حالتی است که ممکن است اتفاق بدی بیُفتد و باعثِ آسیب شود.

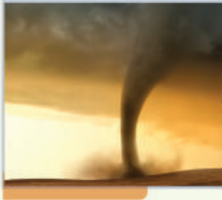
اَفزایش دادن: زیاد کردن

از دست دادن: وقتی چیزی را از دست می‌دهید، دیگر آن را ندارید.

۱ نامِ هر تصویر را در جایِ درستِ آن بنویسید.







~~سونامی~~ گِردباد آتش سوزی سیل زِلزِله

۱) ... زِلزِله ... ۲) .... ۳) .... ۴) .... ۵) ....

۲ جاهایِ خالیِ متن را با توجه به کلماتِ داده شده پرکنید. یک واژه اضافه است.



دفتر خاطرات

دوشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۹۳

بعد از ظهرِ امروز مثل همه روزهایِ دیگر بود و کسی خبر نداشت که چه ...اِتفاقی... قرار است بیُفتد. حدودِ ساعتِ ۱۷ بود که صدایِ شدیدِ باد، حرکتِ درخت‌ها و تاریک شدنِ ناگهانیِ هوا، همه چیز را تغییر داد و متوجه شدم .... شده است. شدتِ باد به قدری بود که .... درخت‌هایِ زیادی بشکنند و خیلی از ماشین‌ها ....

۵ نفر کشته و حدودِ ۳۰ نفر زخمی، نتیجه این توفان بود. .... اصلی در توفان، افتادن از بلندی و یا سقوط چیزهایِ سنگین رویِ سر است. عکس‌هایش واقعاً ترسناک بود...

توفان

خَطر

~~اِتفاقی~~

آسیب ببینند

باعث شد

افزایش بدهد

۳ واژه‌هایِ مشخص شده را به گونه‌ای تغییر دهید که معنایِ جمله تغییر نکند.

۱) خُشکسالیِ اِمسال (به) مَحصولاتِ کِشاورزی (آسیب رساند)خشکسالی امسال محصولات کشاورزی را خراب کرد.

۲) بارشِ کم، خَطرِ خُشکسالی را (افزایش می‌دهد) . ...

۳) لَرزش‌هایِ شدید (زِلزِله)، بسیار خَطرناک است. ....

۴) آب در سَرمایِ زیاد (یَخ می‌زند). ....

۵) گِردباد در مسیرِ خود، ساختمان‌هایِ بسیاری را (از بین برد) ....

۴ دربارهٔ شما: دربارهٔ یکی از حوادثِ طبیعی که در کشورِ شما اتفاق افتاده است، توضیح دهید.

....

....

....

....

....

۵ گوش کنید: گزارشِ خبری، دربارهٔ کدامیک از حوادثِ طبیعی است، علامت بزنید.

الف) سِیل ◯ ب) زِلزِله ◯ ت) توفان ◯

حیوانات

۱ حیواناتِ اهلی


۱. اَسب


۲. گوسفند


۳. گاو


۴. اُلاغ


۵. بُز


۶. خروس


۷. مُرغ

اسم حیوان	بچه	محصول
اَسب	کُرّه اسب	–
گاو	گوساله	گوشت، شیر، چَرم
اُلاغ/ خَر	کُرّه الاغ	–
گوسفند	برّه	گوشت، پَشم، شیر
بُز	بُزغاله	گوشت، پشم، شیر
مُرغ	جوجه	گوشت، تخم‌مرغ، پَر

ما از اسب و اُلاغ برایِ کشیدنِ **گاری**، حَمل کردنِ بار و **سواری کردن** استفاده می‌کنیم و به گوشت و شیرِ گاو، گوسفند و بُز **نیاز داریم**. همچنین از پَشمِ گوسفند و بُز و چرمِ گاو، پوشاک تهیه می‌کنیم.

گوشتِ مرغ و تخم مرغ نیز از موادِ غذاییِ مُهم برایِ اِنسان است. به همین دلیل انسان‌ها از این حیوانات نگهداری می‌کنند.


سگ


گُربه


ماهی

۲ حیواناتِ وحشی


شیر


گُرگ


روباه


گورِخر


آهو


مار


فیل

۳

حیواناتِ اَهلی در روستا و مَزرعه و حیواناتِ وَحشی در جَنگل زندگی می‌کنند. حِیواناتِ اَهلی **گیاه‌خوارند** و خَطرناک نیستند و می‌توانند با ما زِندگی کنند. اما حِیواناتِ وَحشی معمولاً **گوشت‌خوار** هستند و حیواناتِ دیگر را **شِکار می‌کنند**. آنها به **شِکار** خود **حَمله می‌کنند** و آن را با دَندان‌هایِ تیزشان **گاز می‌گیرند** و **می‌دَرَند**.

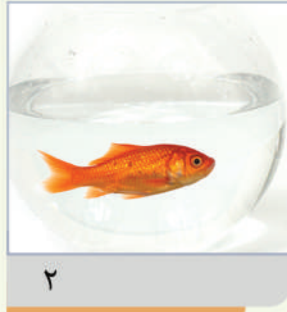
واژه‌ها

حِیوانات اَهلی: حِیواناتی هستند که ما آنها را پرورش می‌دهیم تا از مَحصولات آنها استفاده کنیم؛ مخالفِ **وحشی**
گاری: وسیله‌ای که توسطِ حیوانات کشیده می‌شود و با آن بار جا به جا می‌شود.
سواری کردن: پشتِ حیوان نشستن و حرکت کردن مانندِ: اسب سواری کردن؛ برای اتومبیل، موتور و دوچرخه هم استفاده می‌شود.
نیاز داشتن: لازم داشتن؛ احتیاج داشتن
نِگهداری کردن: مُراقبت و رِسیدگی کردن
گیاه‌خوار: حِیوانی که گیاه می‌خورد.
گوشت‌خوار: حِیوانی که گوشت می‌خورد.
شِکار کردن: گِرفتن و کُشتنِ یک حِیوان
شِکار: موجودی است که آن را شکار می‌کنند.
حَمله کردن: با خُشونَت به طرفِ چیزی رفتن و به آن آسیب رساندن
گاز گِرفتن: چیزی را با دَندان گِرفتن و فِشار دادن
دَریدن: پاره کردن

۱ نام حیوانِ مربوط به هر تصویر را پیدا کنید.

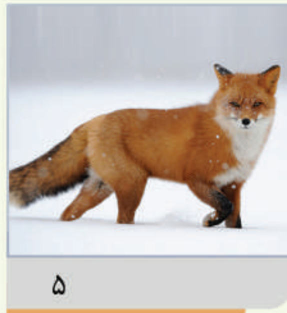
روباه ⑤
مُرغ و جوجه ◯
گورخَر ◯
ماهی ◯
کُرّه الاغ ◯
بَبر ◯


۱


۲


۳


۴


۵


۶

۲ حیواناتِ زیر را در دو گروهِ وَحشی و اهلی طبقه‌بندی کنید و نامِ بچهٔ آنها را بنویسید.

گوسفند	گاو
گُرگ	روباه
فیل	خروس
گورخر	بُز

اهلی	وحشی
گوسفند - برّه	....
....	....
....	....
....	....

به بچهٔ شیـر، گُرگ و روباه و سگ «**توله**» و به بچهٔ اَسب، گورخر و خَـر «کرّه» می‌گویند. بچهٔ پرنده‌ها «جوجه» اسـت. بـرای حِیواناتِ دیگر می‌توان «بچه+ نام حِیوان» را به کار برد. مانند: بَچهٔ میمون

۳ جاهایِ خالیِ زیر را با واژه‌هایِ داده شده پر کنید. یک واژه اضافه است.

شِکار کردن　　لَگد زدن　　دَریدن　　حَمل کردن　　نِگهداری کردن　　حَمله کردن

۱) حِیواناتِ گوشت خوار، حِیواناتِ دیگر را ... شکار می‌کنند ..... .

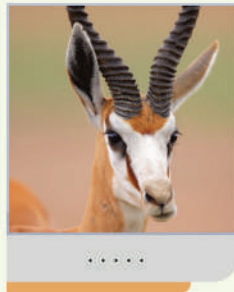
۲) گورخر برایِ دِفاع از خود با پا ....

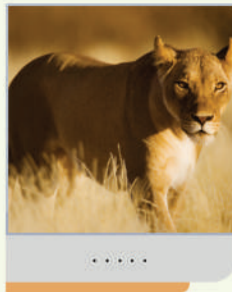
۳) وقتی یوزپلنگ .... ، آهو فرار کرد.

۴) شیر شِکارِ خود را ....

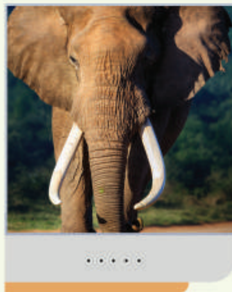
۵) در گذشته معمولاً بار را با اسب ....

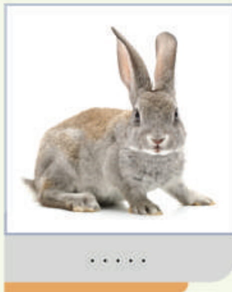
۴ دربارهٔ شما: حیوانی که در کشورِ شما زیاد دیده می‌شود چه نام دارد؟ ....
آیا آن را در تصویرهایِ زیر می‌بینید؟ علامت بزنید. ....


.....


.....


.....


.....


.....

۵ گوش کنید: دربارهٔ کدام حیوانات صحبت می‌کند، علامت بزنید. 

گربه ◯　گرگ ◯　گاو ◯　اسب ◯　گورخر ◯　فیل ◯　گوسفند ◯

۳۰ پرندگان، حشرات و گیاهان

۱ پَرندگان

• پَرنده‌ها **تُخم می‌گذارند.**

• پَرندگان **لانه** می‌سازند.

• پَرنده‌ها **پَرواز می‌کنند.**

پرندگان = پرنده‌ها
حَشرات = حَشره‌ها


عُقاب


بال


نوک


گُنجشک

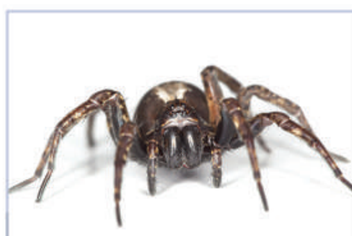

طوطی


کَبوتر


کَلاغ

۲ حَشرات


پَروانه


عَنکبوت


پَشه

• **پَروانه** زیبا است.

• عَنکبوت **تار می‌تند.**

• پَشه **نیش می‌زند.**



مَگس



زَنبور

• زَنبور، عَسل **تولید می‌کند.**

• عَنکبوت مگس شکار می‌کند.

۳ گیاهان

• انواعِ گل‌ها و درختان، گیاه هستند.

• گیاهان **رَشد می‌کنند.**

• گیاهان از خاک **تَغذیه می‌کنند.**

• گیاهان به نورِ خورشید نیاز دارند.



دِرَخت



گیاه



گُل

۴

نِگهداری از پَرندگان لِذت‌بَخش است. هر یک از پَرندگان ویژگیِ خاصّی دارند. گُنجشک‌ها **آواز می‌خوانند**. بعضی از طوطی‌ها می‌توانند مانندِ انسان حَرف بزنند. به این نوع طوطی‌ها، طوطیِ **سُخَنگو** می‌گویند.

کَبوترها معمولاً همه جا هستند. بعضی از مَردم در خانه، کبوتر نِگه می‌دارند و به آنها **دانه** می‌دهند. اغلبِ مَردم کَلاغ‌ها را دوست ندارند و هیچ‌کس آنها را در خانه نِگهداری نمی‌کند.

بعضی از پَرندگان مانندِ عُقاب، گوشت‌خوار هستند و حیواناتِ کوچکتر را شِکار می‌کنند.

واژه‌ها

تخم گذاشتن: وقتی پرنده‌ای تخم می‌گذارد، جسمی را از بدنِ خود خارج می‌کند که بعد از مدتی جوجه از آن خارج می‌شود.

لانه: خانهٔ حیوانات

پرواز کردن: وقتی پرنده با بال‌هایِ خود در آسمان حرکت می‌کند.

تار تَنیدن: بافتن

نیش زدن: وقتی جانداری نیشِ خود را در بَدنِ شما فرو کند.

تولید کردن: ساختن، درست کردن

رَشد کردن: بزرگ شدن

تَغذیه کردن: غذا خوردن

آواز خواندن: صدایِ زیبائی که پَرندگان تولید می‌کنند.

دانه: هر چیزِ کوچک و گرد مثلِ دانهٔ گیاه

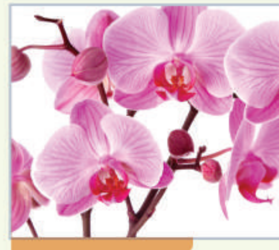
تمرین

۱ نامِ تصویرهایِ زیر را بنویسید.






۱) ... بال .... ۲) .... ۳) .... ۴) ....



۵) .... ۶) .... ۷) .... ۸) ....

۲ سعی کنید واژه‌هایِ متوالی را مانندِ نمونه بیابید.

ع ق ا ب م گ س ن و ک پ ش ه ل ا ن ه پ ر و ا ن ه گ ل

۳ واژه‌هایِ داده شده را در ستونِ مناسب بنویسید. به هر ستون، یک واژه اضافه کنید.

کَبوتر	زَنبور	طوطی
کَلاغ	مَگَس	پَروانه

پَرندگان	حَشرات
... کبوتر ...	....
....	....
....	....
....	....

۴ دربارهٔ شما: جدولِ زیر را کامل کنید و با توجه به علاقهٔ خود، علامت بزنید.

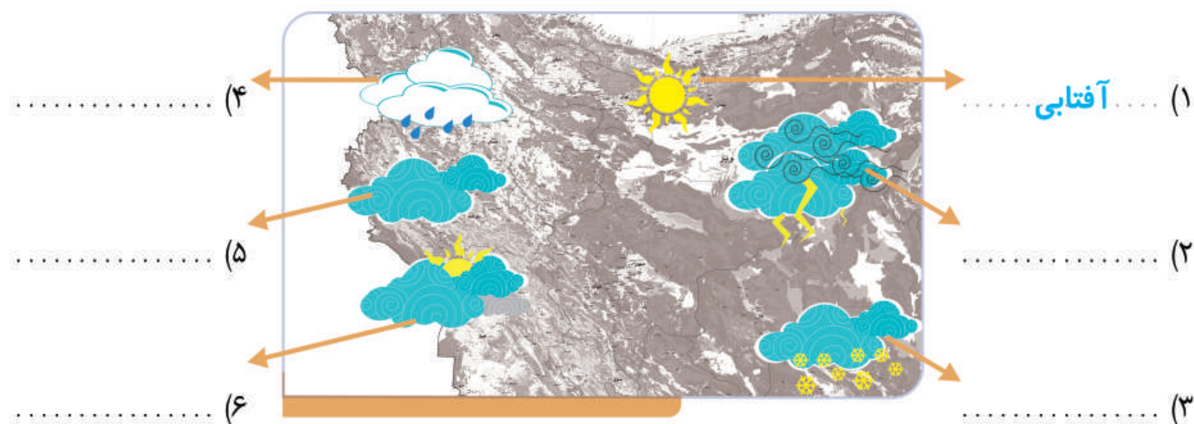
نام	دوست دارم	دوست ندارم	فرقی ندارد
کَلاغ یک ..پرنده.. است.			
گُل یک .... است.			
پَروانه یک .... است.			
طوطی یک .... است.			
زَنبور یک .... است.			

۵ گوش کنید: نامِ کدامیک از موجوداتِ زیر را می‌شنوید، علامت بزنید.

گُل ◯ عُقاب ◯ گیاه ◯ طوطی ◯ گُنجشک ◯ پَروانه ◯ عَنکبوت ◯



۱ هر یک از تصاویرِ نقشهٔ زیر، چه نوع آب و هوایی را نشان می‌دهند، بنویسید.



۱) ...... آفتابی ......

۲) ....

۳) ....

۴) ....

۵) ....

۶) ....

۲ فعل‌هایِ زیر مربوط به کدام موجودِ زنده است.

۱) نیش زدن: ...... پشه ، زنبور ، مار ......

۲) پرواز کردن: ....

۳) عسل تولید کردن: ....

۴) تار تنیدن: ....

۳ نام ۱۲ پدیدهٔ طبیعی را در جدولِ زیر پیدا کنید و دَورِ آن‌ها خط بکشید.

ب	ت	د	ر	ی	ا	ک	س	ه	ر
ق	ل	ه	ا	آ	ج	ن	گ	ل	و
ط	ک	خ	ق	ب	ر	ی	ت	و	د
ا	س	ج	ی	ش	و	چ	ه	و	خ
ر	ا	ز	ا	ا	خ	ل	ی	ج	ا
م	ح	ی	ن	ر	ا	ی	ک	ل	ن
ع	ل	ر	و	ت	ک	و	و	س	ه
ح	ی	ه	س	ث	ه	چ	ش	م	ه

۱) .... ۵) .... ۹) ....

۲) .... ۶) .... ۱۰) ....

۳) .... ۷) .... ۱۱) ....

۴) .... ۸) .... ۱۲) ....

۴ جدولِ زیر را کامل کنید.

گیاه‌خوار		گوشت‌خوار	
نامِ حیوان	بچه	نامِ حیوان	بچه
گـاو	گوساله	شـ........	....
گـ........	....	گـ........	....
مـ........	....	گـ........	....

۵ صحبت کنید: کشورِ خود را از نظرِ آب و هوا و پدیده‌هایِ طبیعی، توصیف کنید.

۶ گوش کنید: کدام جمله درست (✓) و کدام جمله نادرست (✗) است.

۱) خانوادۀ اِسمیت با یک تورِ ایرانگردی به شیراز رفته‌اند. ◯

۲) غارِ علی‌صدر بزرگترین غارِ آبیِ جهان است. ◯

۳) در گذشته اهالیِ روستاهایِ اطراف، از آب این غار استفاده می‌کردند. ◯

۷ بنویسید: با واژه‌هایِ داده شده یک متن بنویسید.

جاری شدن زلزله سونامی سیل خراب کردن

....

....

....

۸ بخوانید: متنِ زیر را بخوانید و به پرسش‌هایِ آن پاسخ دهید.



اسبچۀ خزر

اسبچۀ خزر یا (Caspian horse)، از ۵ هزار سالِ پیش تا امروز قدیمی‌ترین **نژادِ** اسب در جهان است. تصویرِ این اسب در **کتیبه‌هایِ** بریتانیا، نقشِ رستم و نقشِ شاپور مشاهده می‌شود. بنا بر مطالعه هایِ **فسیل‌شناسی** در اطرافِ همدان، این اسبِ کوچک همان اسبچۀ خزر است. تا چهل سالِ پیش این اسبچه، فقط در ایران وجود داشت، اما در سال‌هایِ گذشته ۳۲ رأس از اسبچۀ خزر ایران به انگلیس و آمریکا بُرده شد و در آنجا **پرورش یافت**.

فکر کنید: ۱) آیا معنیِ واژه‌هایِ مشخص شده را می‌دانید؟

۲) آیا تاکنون فسیلِ حیوانی در کشورِ شما یافت شده است؟

خودتان را اَرزیابی کنید:

آیا واژه‌هایِ این حوزه را کاملاً یاد گرفته‌اید؟

کدام درس را بهتر یاد گرفته‌اید؟

از ۱ تا ۵ به خودتان نمره دهید.

پدیده‌هایِ طبیعی ◯

آب و هوا ◯

حوادثِ طبیعی ◯

حیوانات ◯

پرندگان، حشرات و گیاهان ◯

نمایه‌ها

- ـ پاسخ تمرین‌ها
- ـ ریشهٔ حال افعال
- ـ دقت کنید
- ـ متنِ نوشتاریِ تمرین "گوش کنید"
- ـ فهرست واژه‌ها
- ـ منابع

درس ۱

• **تمرین ۱:**

۱) خوش‌وقتم **۲)** خدانگهدار **۳)** صبح به خیر
۴) حالت چطوره؟ **۵)** شما هم همین‌طور **۶)** خیلی ممنون

• **تمرین ۲:**

۱) خوش‌وقتم **۲)** خدانگهدار **۳)** حالت چطوره؟
۴) صبح به خیر

• **تمرین ۳: ۱)** حال شما خوبه؟ **۲)** من زهرا هستم. **۳)** خیلی ممنون **۴)** صبح به خیر **۵)** اسم شما چیه؟

• **تمرین ۵:**

الف) دو هم‌کلاسی

درس ۲

• **تمرین ۱:**

۱) (روسی) **۲)** ✓ **۳)** ✗ (ایتالیایی)
۴) ✗ (ژاپنی) **۵)** ✓

• **تمرین ۲:**

۱) هلندی **۲)** فرانسه **۳)** انگلیسی
۴) مصر **۵)** اتریشی

• **تمرین ۳:**

۱) ایتالیایی نام زبان یا ملیت است، اما بقیهٔ واژه‌ها نام کشور هستند.
۲) انگلستان نام کشور است، اما بقیهٔ واژه‌ها نام قاره هستند.
۳) روسی نام زبان است، اما بقیهٔ واژه‌ها نام کشور هستند.
۴) ترکیه نام کشور است، اما بقیهٔ واژه‌ها نام ملیت هستند.
۵) آفریقا نام قاره است، اما بقیهٔ واژه‌ها نام کشور هستند.

• **تمرین ۵:**

۱) فیلیپین **۲)** فیلیپینی **۳)** تاگالوگ

درس ۳:

• **تمرین ۱:**

۱) ۴۵ **۲)** ۱۲ **۳)** ۹۳
۴) ۲۱۳۰ **۵)** ۱۹ **۶)** ۴۲۹

• **تمرین ۲:**

۱) یک و چهل و پنج دقیقهٔ بامداد **۲)** سه و پانزده دقیقه **۳)** هَفت و سی دقیقه
۴) شِش و چِهِل و پَنج دَقیقه **۵)** هِفدَه

- **تمرین ۳:**
- **عدد:**

۱) ۷۶۹ ۲) ۱۸ ۳) ۹۶

۴) هفتادو پنج ۵) پانصد و چهل و چهار

- **ساعت:**

۱) ۳:۲۰ ۲) ۷:۵۰ ۳) ۱۱:۱۰

۴) دو و بیست و پنج دقیقه ۵) هجده و سه دقیقه

- **تمرین ۵:**

۲۹– ۴۰۷ – ۳۶ – ۵۲ – ۲۷۰

درس ۴

- **تمرین ۱:**

۱) بهار ۲) فروردین ۳) سومین

۴) آخرین ۵) تابستان

- **تمرین ۲:**

شهریور ۱۳۹۵ August-September2016

شنبه		۶ 27	۱۳ 3	۲۰ 10	۲۷ 17
یکشنبه		۷ 28	۱۴ 4	۲۱ 11	۲۸ 18
دوشنبه	۱ 22	۸ 29	۱۵ 5	۲۲ 12	۲۹ 19
سه شنبه	۲ 23	۹ 30	۱۶ 6	۲۳ 13	۳۰ 20
چهارشنبه	۳ 24	۱۰ 31	۱۷ 7	۲۴ 14	۳۱ 21
پنجشنبه	۴ 25	۱۱ 1	۱۸ 8	۲۵ 15	
جمعه	۵ 26	۱۲ 2	۱۹ 9	۲۶ 6	

مرداد ۱۳۹۵ July-August2016

شنبه		۲ 23	۹ 30	۱۶ 6	۲۳ 13	۳۰ 20
یکشنبه		۳ 24	۱۰ 31	۱۷ 7	۲۴ 14	۳۱ 21
دوشنبه		۴ 25	۱۱ 1	۱۸ 8	۲۵ 15	
سه شنبه		۵ 26	۱۲ 2	۱۹ 9	۲۶ 16	
چهارشنبه		۶ 27	۱۳ 3	۲۰ 10	۲۷ 17	
پنجشنبه		۷ 28	۱۴ 4	۲۱ 11	۲۸ 18	
جمعه	۱ 22	۸ 29	۱۵ 5	۲۲ 12	۲۹ 19	

- **تمرین ۳:**

۱) چهارم مرداد ۲) هجده شهریور ۳) هشتم آگوست

۴) یکشنبه ۵) چهارشنبه

- **تمرین ۵:**

۱) ب. ۲۶ تیرِ ۲) پ. مهرِ پارسال

درس ۵:

- **تمرین ۱:**

۱) بله ۲) معلمه ۳) ایران

۴) مهدی ۵) سی سالمه

- **تمرین ۲:**

۱) اسمت چیه؟ ۲) اهل کجا هستید؟ ۳) شغلِ شما چیه؟

۴) چند سالته؟/ چند سالتونه

۵) کجا زندگی می‌کنی؟

• تمرین ۳:

۱) نامِ خانوادگیِ شما چیه؟

۲) محلِ تولد شما کجاست؟

۳) لطفاً این فرم رو پر کنید!

۴) محلِ سکونتِ شما کجاست؟

۵) شما متأهل هستید؟

• تمرین ۵:

۱) انگلیسی

۲) ازدواج نکرده است

مرور:

• تمرین ۱:

رسمی: خوب هستید؟ - ایشون آقایِ اسلامی هستن ـ حالِ شما خوبه؟

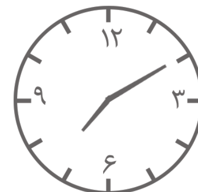
دوستانه: حالت چطوره؟ - چند سالته؟ ـ خوبی؟

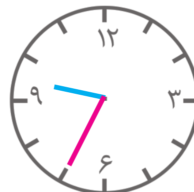
• تمرین ۲:

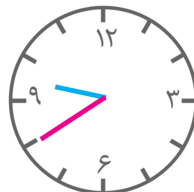
مصری ـ عربی ـ نیجریه ـ کره‌ای ـ روسیه ـ تاجیکستان ـ تاجیک ـ فارسی

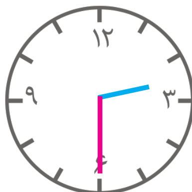
• تمرین ۳:

• الف)


۱) هفت و ده دقیقه


۲) نُه و سی و پنج دقیقه


۳) بیست دقیقه به ده


۴) دو و نیم

• ب)

۱) هفت و سی دقیقه/ هفت و نیم

۲) ده و پانزده دقیقه/ ده و ربع

۳) یازده و پنجاه دقیقه/ ده دقیقه به دوازده

۴) نه و سی و پنج دقیقه/ بیست و پنج دقیقه به ده

• تمرین ۴:

افقی:

۱) زمستان

۲) چهارشنبه

۳) شهریور

۴) اسفند

۵) شنبه

عمودی:

۶) خرداد

۷) تابستان

• تمرین ۶:

۱) 

۲) 

۳) 

درس ۶:

• **تمرین ۱:**

مادرزن ـ مادرِ همسر | مرگ ـ از دنیا رفتن | عمه ـ خواهرِ پدر

مادر بزرگ ـ مادرِ پدر / مادر | تولد ـ به دنیا آمدن

• **تمرین ۲:**

زن: عمه ـ خواهر ـ مادر شوهر

مرد: دایی ـ پدر بزرگ ـ پدر زن

• **تمرین ۳:**

۱) تک‌فرزند **۲)** بیتا، عموی **۳)** دایی، خاله

۴) زینب، مادرزن **۵)** پدرشوهر، پدر

• **تمرین ۵:**

خاله ـ مامان ـ دایی ـ مادربزرگ

درس ۷:

• **تمرین ۱:**

۱) مو **۲)** ابرو **۳)** دندان

۴) چشم **۵)** گوش **۶)** گردن

۷) پا **۸)** دست

• **تمرین ۲:**

۱) زمین خورد **۲)** حمل کنم **۳)** نشستن، می‌ایستم

۴) هل دادیم **۵)** بازکرد

• **تمرین ۳:**

۱) حمل کردن **۲)** دراز کشیدن **۳)** پیاده شدن

۴) راه رفتن **۵)** باز کردن

• **تمرین ۵:**

۱) ✓ **۲)** ✗

درس ۸:

• **تمرین ۱:**

۱) چشم‌های یاسمین سبز است.

۲) رنگ پوست حمیده تیره است و موهایش فر است.

۳) موهای این دختر صاف است.

۴) موهای زهرا مجعد و قهوه‌ای روشن است.

۵) رنگ چشم این دختر آبی است.

۶) نوید از برادران خود کوتاه‌تر است.

• **تمرین ۲:**

بور ـ مجعد ـ قهوه‌ای ـ از ـ تر

• **تمرین ۳:** *(پاسخ‌های ممکن):*

۱) رنگ پوست او سیاه است. موهای او فر و مشکی است.

۲) رنگ پوست این دختر سفید است. او موهایی کوتاه و قهوه‌ای دارد.

۳) رنگ پوست او سفید است. رنگ چشم‌های او آبی است.

• **تمرین ۵:**

۱) مشکی و کوتاه　　**۲)** بلند و متناسب

درس ۹:

• **تمرین ۱:**

۱) صبور ـ عجول　　**۲)** دانا ـ نادان　　**۳)** منظم – بی‌نظم

۴) شجاع ـ ترسو　　**۵)** اجتماعی ـ خجالتی

• **تمرین ۲:**

۱) ترسو　　**۲)** بی‌نظم　　**۳)** مهربان

۴) تنبل　　**۵)** بداخلاق

• **تمرین ۳:**

۱) دانا　　**۲)** بی‌دقت　　**۳)** خوش اخلاق

۴) باهوش　　**۵)** مهربان

• **تمرین ۵:**

صبور ـ خوش اخلاق ـ مهربان

درس ۱۰:

• **تمرین ۱:**

۱) خوشحال　　**۲)** خسته　　**۳)** نگران

۴) عصبانی　　**۵)** ناراحت

• **تمرین ۲:**

۱) من خیلی خسته هستم و خمیازه می‌کشم.

۲) بچهٔ خواهرم خیلی گریه می‌کند.

۳) من اشتباه کردم و شرمنده هستم.

۴) مادرِ ستاره همیشه نگران او است.

۵) او عصبانی است و فریاد می‌کشد.

• **تمرین ۳:** *(پاسخ‌های ممکن):*

۱) این پسر گرسنه است.

۲) این پسر خسته است.

۳) او آب می‌نوشد.

۴) آن مرد سردش است.

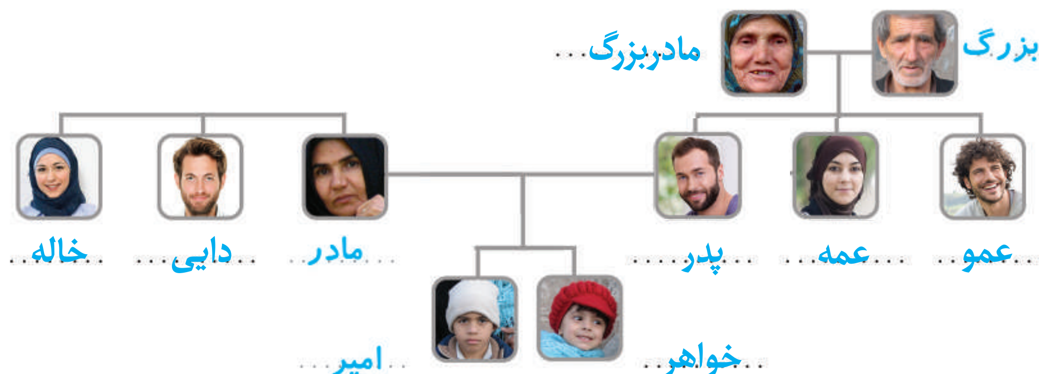
۵) او خوابیده است.

• تمرین ۵:

۱) عصبانی ۲) ناراحت ۳) خوشحال

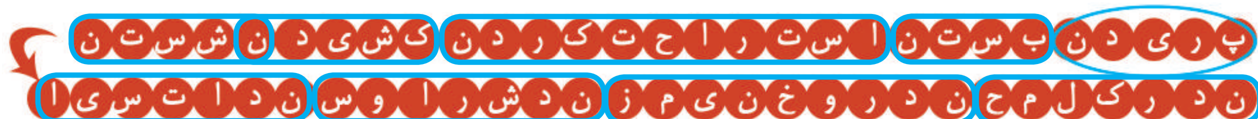
مرور:

• تمرین ۱:

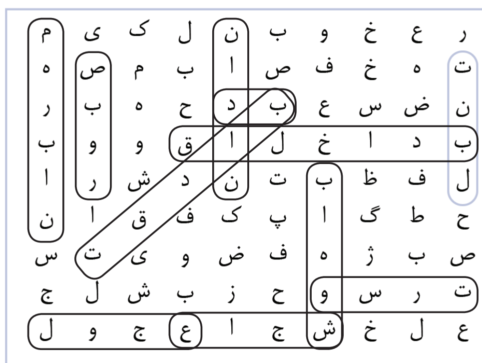


• تمرین ۲:

پریدن، بستن، استراحت کردن، کشیدن، نشستن، ایستادن، سوار شدن، زمین خوردن، حمل کردن



• تمرین ۳:



۱) تنبل ۷) بد

۲) باهوش ۸) بداخلاق

۳) نادان ۹) ترسو

۴) کم‌هوش ۱۰) شجاع

۵) صبور ۱۱) عجول

۶) مهربان ۱۲) بادقت

• تمرین ۴:

۱) تشنه ۲) خسته ۳) خوشحال

۴) گرسنه ۵) نگران

• تمرین ۶:



مهربان ✓ صبور ✗

سخت‌کوش ✓ باهوش ✓

تنبل 
بی‌دقت 

عجول 
بداخلاق 

حوزهٔ ۳: خانه

درس ۱۱:

• **تمرین ۱:**

حمام (۴) آشپزخانه (۲) پارکینگ (۶)

اتاق پذیرایی (۱) سرویس بهداشتی (۵) اتاق خواب (۳)

• **تمرین ۲:**

۱) فروخت **۲)** اجاره داد **۳)** همسایهٔ

۴) باغچهٔ **۵)** پشتِ بام

• **تمرین ۳:**

۱) زیرزمین **۲)** همکف **۳)** حیاط

۴) آسانسور **۵)** انباری

• **تمرین ۵:**

۱) نادرست **۲)** درست

درس ۱۲:

• **تمرین ۱:**

۱) گلدان **۲)** مُبل **۳)** صندلی

۴) پرده **۵)** میز

• **تمرین ۲:**

۱) کنار زد **۲)** روشن کرد **۳)** گذاشت

۴) آویزان کرد **۵)** خاموش

• **تمرین ۳:**

۱) آویزان **۲)** جلویِ **۳)** روشن

۴) زیرِ **۵)** رویِ

• **تمرین ۵:**

۱) مُبل **۲)** تلویزیون **۳)** میز غذاخوری

۴) کتابخانه

درس ۱۳:

• تمرین ۱:

۱) کفگیر ۲) قوری ۳) سینک

۴) چاقو ۵) اُجاق گاز

• تمرین ۲:

۱) گذاشت ۲) دم کرد ۳) شست

۴) ریخت ۵) چید

• تمرین ۳:

۱) کابینت ۲) قابلمه ۳) لباس‌شویی

۴) یخچال ۵) اُجاق گاز

• تمرین ۵:

۱) نرفت ۲) رنده کردن

درس ۱۴:

• تمرین ۱:

۱) شانه ۲) سشوار ۳) برس

۴) شیرِ آب ۵) نخِ دندان

• تمرین ۲:

۱) شانه می‌زند ۲) بست ۳) آویزان می‌کند

۴) خشک می‌کند ۵) مسواک می‌زند

• تمرین ۳:

۱) کشو ۲) دهان‌شویه ۳) شیر آب

۴) سشوار / حوله ۵) ناخن‌گیر

• تمرین ۵:

۱) مسواک ۲) خمیر دندان ۳) صابون

درس۱۵:

• تمرین ۱:

۱) جارو ۲) اتو ۳) سطل

۴) جارو برقی ۵) مایع ظرفشویی

• تمرین ۲:

۱) خشک ۲) خیس ۳) کثیف

۴) چروک ۵) تمیز

• تمرین ۳:

۱) تمیز می‌کند ۲) گردگیری می‌کند ۳) گره می‌زند

۴) جارو می‌کند
۵) مرتب می‌کند

• **تمرین ۵:**

۱) درست
۲) نادرست

مرور:

• **تمرین ۱:**

۱) اُتاقِ نشیمن
۲) آشپزخانه
۳) اتاق خواب
۴) حمام
۵) پارکینگ

• **تمرین ۲:**

۱) گلدان رویِ میز است.
۲) میز کنارِ مبل است.
۳) تابلو رویِ دیوار است.
۴) تخت جلویِ پنجره است.
۵) چراغ کنارِ تخت است.

• **تمرین ۳:**

۱) قابلمه
۲) یخچال
۳) ماهی‌تابه
۴) سینک
۵) فریزر
۶) ماشین ظرفشویی
۷) اجاق گاز
۸) قوری

• **تمرین ۴:**

۱) لباس‌هایِ علی تمیز و صاف است، او در حال مسواک زدن است.
۲) لباس‌هایِ بهرام کثیف و خیس است، او می‌خواهد به حمام برود.

• **تمرین ۶:**

۱) 
۲) 
۳) 

حوزهٔ ۴: زندگی روزمره

درس ۱۶:

• **تمرین ۱:**

۱) تلویزیون تماشا کردن
۲) شانه کردن
۳) دست شستن
۴) لباس پوشیدن
۵) مسواک زدن

• **تمرین ۲:**

۱) من همیشه صبح خیلی زود از خواب بیدار می‌شوم.
۲) من هرشب دیر می‌خوابم.
۳) من معمولا ساعت ۵ بعد از ظهر به خانه برمی‌گردم.
۴) من اغلب ساعت ۸ شب شام می‌خورم.
۵) من دوست دارم آخر هفته‌ها با خانواده‌ام باشم.

• تمرین ۳:

۱) از، بیرون می‌رود

۲) می‌رسد

۳) می‌شوید

۴) مسواک می‌زند

۵) بگیرد

• تمرین ۵:

۱) از خواب بیدار می‌شوند.

۲) سیما از محل کارش بیرون می‌آید.

۳) بچه‌هایِ سیما می‌خوابند.

۴) سیما می‌خوابد.

درس ۱۷:

• تمرین ۱:



• تمرین ۲:

۱) بازکرد

۲) یک جفت، یک

۳) پوشاند

۴) درآورد

۵) مردانه

• تمرین ۳:

۱) دستکش

۲) کمربند

۳) ساعت

۴) چادر

۵) بارانی

۶) جوراب

۷) چتر

۸) ژاکت

۹) روسری

۱۰) کت‌شلوار

۱۱) دامن

۱۲) بلوز

• تمرین ۵:

بارانی ـ چتر ـ عینک

درس ۱۸:

• تمرین ۱:

۱) قیچی　**۲)** دکمه　**۳)** سوزن

۴) نخ　**۵)** جیب

• تمرین ۲:

۱) یقه　**۲)** سفید　**۳)** آستین

۴) گل‌دار　**۵)** سوزن

• تمرین ۳:

۱) بلوز راه‌راه سفید و مشکی　**۲)** پلیور سادهٔ قرمز　**۳)** گاپشن چرمی قهوه‌ای

۴) دامن گل‌دار

• تمرین ۵:

ب: پیراهنِ راه‌راهِ آبی، کتِ پشمی، شلوارِ سرمه‌ای

درس ۱۹:

• تمرین ۱:

۱) گران　**۲)** بزرگ　**۳)** گشاد

۴) کوچک　**۵)** تنگ

• تمرین ۲:

۱) شمارهٔ　**۲)** پس نمی‌گیریم، تعویض کنید　**۳)** تخفیف　**۴)** پرو کنم

• تمرین ۳: *(پاسخ‌های ممکن):*

در تصویر سمت راست مرد تی‌شرت سفید پوشیده با شلوار آبی کم‌رنگ، ولی در تصویر وسط مرد پالتو مشکی و پیراهن آبی پوشیده است. در تصویر سمت چپ مرد کت و شلوار مشکی با پیراهن مردانه سفید پوشیده است.

• تمرین ۵:

۱) کوتاه　**۲)** تنگ　**۳)** بزرگ

درس ۲۰:

• تمرین ۱:

۱) ۴　**۲)** ۳　**۳)** ۱　**۴)** ۲

• تمرین ۲:

(۴) بعد، برایِ من دارو نوشت.

(۲) دو روزِ پیش به مَطَبِ پِزشک رفتم.

(۳) پِزشک من را مُعاینه کرد.

(۵) به داروخانه رفتم و داروها را خریدم.

(۱) یک هفته بود که کَمر دَردِ شدیدی داشتم.

(۶) داروها را خوردم و حالم بهتر شد.

• تمرین ۳:

۱) شکست ۲) برید ۳) سوخت

۴) می‌آید

• تمرین ۵:

۱) عطسه ۲) تب ۳) دل‌درد

مرور:

• تمرین ۱:

شانه کردن، وضو گرفتن، نماز خواندن، قرآن خواندن، لباس پوشیدن، مسواک زدن، دوش گرفتن، بیدار شدن

• تمرین ۲:

پدر: پیراهن مردانه، شلوار **مادر:** چادر، روسری

دختر: روسری، چادر **پسر:** تی‌شرت، کفش، شلوار

• تمرین ۳:

۱) گلدار آبی و سفید ۲) راه راه سبز و آبی ۳) خالدار نارنجی

۴) سادهٔ صورتی ۵) چهارخانهٔ قرمز

• تمرین ۴:

۱) شربت ۲) آمپول ۳) پماد

۴) کپسول ۵) قطره ۶) قرص

• تمرین ۶:

۱) ✓ ۲) ✗ ۳) ✗

حوزهٔ ۵: خوراکی‌ها

درس ۲۱:

• تمرین ۱:

میوه: انگور، نارنگی، گلابی، گیلاس، هندوانه

سبزیجات:کاهو، سیر، سیب‌زمینی، هویج، پیاز

• تمرین ۲:

۱) سیب ۲) خیار ۳) ترازو

۴) سبزی ۵) سبد خرید ۶) کال

۷) رسیده ۸) خراب

• تمرین ۳:

الف) چقدر **ب)** کیلویی **ج)** میوه‌فروش ـ مشتری

• تمرین ۵:

پرتقال، توت‌فرنگی، آناناس، گوجه‌فرنگی، سیب‌زمینی

درس ۲۲:

• تمرین ۱:

۱) لبنیات **۲)** برنج **۳)** گوشت

۴) تخم‌مرغ **۵)** میگو

• تمرین ۲:

۱ بسته ماکارونی، ۱ قوطی کنسرو تن‌ماهی، ۲ قاشق روغن، ۲ قاشق آبلیمو، مقداری سبزی، کمی نمک و فلفل

• تمرین ۳:

۱) یک سطل ماست **۲)** یک شانه تخم‌مرغ

۳) دو قالب کره **۴)** یک بسته چای

• تمرین ۵:

تخم مرغ، میوه، ماهی، شیر

درس ۲۳:

• تمرین ۱:

۱) پیش غذا **۲)** انرژی **۳)** وعده‌هایِ غذایی

۴) شام **۵)** گرسنه

• تمرین ۲:

۱) عسل **۲)** قهوه **۳)** مربا

۴) نیمرو **۵)** بشقاب **۶)** قوری

۷) چنگال **۸)** فنجان

• تمرین ۳:

–

• تمرین ۵:

نان، کره، مربا، چایی

درس ۲۴:

• تمرین ۱:

۱) شیرین **۲)** تلخ **۳)** شور

۴) ترش **۵)** تند

• تمرین ۲:

(۴) بَعد، گوجه‌فَرنگی‌ها را در ماهیتابه بریزید و خوب بِپَزید.

(۲) بَعد از شُستن، آن‌ها را پوست بِکنید و گوجه‌فَرنگی‌ها را خُرد کنید.

(۱) اِبتدا دو عَدَد گوجه‌فَرنگی را خوب بِشویید.

(۵) در انتها تُخم‌مُرغ‌ها را به گوجه‌فَرنگی‌ها اضافه کنید و هَم بزنید تا اُملت آماده شود.

(۳) سِپس در ماهیتابه روغَن بِریزید و اُجاق‌گاز را روشن کنید.

• **تمرین ۳:**

۱) سوخت
۲) می‌جوشاند
۳) زعفران
۴) دم کنید، کباب کنید
۵) آب‌پز

• **تمرین ۵:**

آب‌پز کردن، شستن، خرد کردن، هم زدن

درس ۲۵:

• **تمرین ۱:**

۱) صورت‌حساب
۲) انعام
۳) سفارش دادن
۴) حساب کردن

• **تمرین ۲:**

غذای اصلی: جوجه کباب، خورشت قیمه

دسر: کیک، بستنی

پیش غذا: سوپ، سالاد

نوشیدنی: نوشابه، دوغ

فست‌فود: پیتزا، همبرگر

• **تمرین ۳:**

۱) میل، پرس
۲) صورت‌حساب، حساب

• **تمرین ۵:**

۱) الف: سالاد
۲) ب: شیشلیک
۳) الف: دوغ

مرور:

• **تمرین ۱:**

۱) هندوانه
۲) سیب‌زمینی
۳) انگور
۴) هویج
۵) نارنگی
۶) سبزی
۷) گیلاس
۸) گوجه‌فرنگی

• **تمرین ۲:**

۱) تخم‌مرغ ـ شانه
۲) شیر ـ پاکت
۳) تن ماهی ـ کنسرو
۴) آرد ـ بسته
۵) روغن ـ شیشه

• **تمرین ۳:**

مواد غذایی: چای، عسل، پنیر، نان، گردو

ظروف: استکان، بشقاب، چاقو، قوری

• **تمرین ۴:**

۱) شیرین
۲) تند
۳) شور
۴) تلخ
۵) ترش

• تمرین ۶:

پیش غذا: سالاد، زیتون پرورده

غذای اصلی: باقالی‌پلو، شیرین‌پلو

دسر: -

نوشیدنی: دوغ، نوشابه

حوزهٔ ۶: طبیعت

درس ۲۶:

• تمرین ۱:

۱) موج　**۲)** رودخانه　**۳)** سنگ

۴) دریا　**۵)** دریاچه　**۶)** درخت

۷) خاک　**۸)** درّه

• تمرین ۲:

درّه، قلّه، امواج، کویر، کوهستان، جنگل

• تمرین ۳:

۱) چشمه　**۲)** سنگ ـ خاک　**۳)** اقیانوس

۴) جزایر　**۵)** ساحلی

• تمرین ۵:

سواحل، اقیانوس، جنگل، کوه، خلیج، رود، آبشار

درس ۲۷:

• تمرین ۱:

۱) هوا ابری است.　**۲)** هوا آفتابی است.　**۳)** هوا بارانی است.

۴) باد می‌وزد.　**۵)** هوا نیمه ابری است.

• تمرین ۲:

۱) سنگینی　**۲)** مه‌آلود　**۳)** صاف

۴) نسیم　**۵)** می‌بارد

• تمرین ۳:

۱) سرد - برف　**۲)** می‌تابد -گرم　**۳)** رعد و برق - می‌بارد

۴) تندی/ شدیدی　**۵)** مه‌آلود

• تمرین ۵:

امشب: **ب)** نیمه ابری

فردا: **ج)** بارانی

درس ۲۸:

• تمرین ۱:

۱) زلزله **۲)** سونامی **۳)** سیل

۴) آتش‌سوزی **۵)** گردباد

• تمرین ۲:

اتفاقی ـ توفان ـ باعث شد ـ آسیب ببینند ـ خطر

• تمرین ۳:

۱) خشکسالی امسال محصولات کشاورزی را خراب کرد.

۲) بارش کم، خطر خشکسالی را زیاد می‌کند.

۳) لرزش‌های شدید زمین‌لرزه بسیار خطرناک است.

۴) آب در سرمای زیاد به یخ تبدیل می‌شود.

۵) گردباد در مسیر خود، ساختمان‌های بسیاری را خراب کرد.

• تمرین ۵:

توفان

درس ۲۹:

• تمرین ۱:

۱) کرّه الاغ **۲)** ماهی **۳)** ببر

۴) گورخر **۵)** روباه **۶)** مرغ و جوجه

• تمرین ۲:

حیوانات اهلی: گوسفند ـ برّه، گاو ـ گوساله، خروس ـ جوجه، بز ـ بزغاله

حیوانات وحشی: گرگ ـ توله، روباه ـ توله، گورخر ـ توله، فیل ـ بچه فیل

• تمرین ۳:

۱) شکار می‌کنند **۲)** لگد می‌زند **۳)** حمله کرد

۴) می‌دَرَد **۵)** حمل می‌کردند

• تمرین ۵:

گربه، اسب، گورخر، گوسفند

درس ۳۰:

پرندگان، حشرات و گیاهان

• تمرین ۱:

۱) بال **۲)** گیاه **۳)** زنبور

۴) طوطی **۵)** کلاغ **۶)** گل

۷) گنجشک **۸)** عنکبوت

• **تمرین ۲:**

عقاب، مگس، نوک، پشه، لانه، پروانه، گل

• **تمرین ۳:**

پرندگان:

کبوتر، طوطی، کلاغ، ...

حشرات:

پروانه، زنبور، مگس، ...

• **تمرین ۵:**

عقاب، طوطی، پروانه، عنکبوت

مرور:

• **تمرین ۱:**

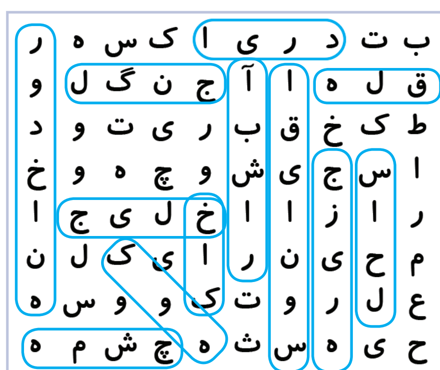
۱) آفتابی
۲) طوفانی
۳) برفی
۴) بارانی
۵) ابری
۶) نیمه ابری

• **تمرین ۲:**

۱) پشه، زنبور، مار
۲) پرنده‌ها (کلاغ، عقاب، طوطی، گنجشک)، پروانه، پشه، زنبور
۳) زنبور
۴) عنکبوت

• **تمرین ۳:**

۱) دریا
۲) قله
۳) جنگل
۴) خلیج
۵) چشمه
۶) ساحل
۷) جزیره
۸) اقیانوس
۹) آبشار
۱۰) خاک
۱۱) رودخانه
۱۲) کوه



• **تمرین ۴:**

گیاه‌خوار: گاو_گوساله، گوسفند_برّه، مرغ_جوجه

گوشت‌خوار: شیر_توله، گرگ_توله، گربه_بچه گربه

تمرین ۶:

۱) 
۲) 
۳) 

ریشهٔ حال افعال

فعلِ ساده:

فعلی است که یک جزء دارد. ریشهٔ گذشتهٔ فعلِ ساده را با حذفِ «ـَن» از آخرِ مصدر، می‌سازیم، نمونه: «خورد» ریشهٔ گذشتهٔ «خوردن» است، اما ریشهٔ حالِ هر فعل را باید یاد بگیریم. در جدول زیر ریشهٔ حالِ تعدادی از فعل‌هایِ ساده و پرکاربرد آمده است:

مصدر فعل	ریشهٔ حال	مصدر فعل	ریشهٔ حال	مصدر فعل	ریشهٔ حال
ایستادن ←	ایست	بستن ←	بَن	ترسیدن ←	ترس
باختن ←	باز	پختن ←	پَز	تنیدن ←	تَن
بافتن ←	باف	پذیرفتن ←	پذیر	جوشاندن ←	جوشان
برداشتن ←	بر...دار	پرسیدن ←	پرس	چیدن ←	چین
بُردن ←	بَر	پریدن ←	پَر	خریدن ←	خَر
برگشتن ←	بر...گرد	پوشاندن ←	پوشان	خندیدن ←	خند
بُریدن ←	بُر	پوشیدن ←	پوش	خوابیدن ←	خواب
خوردن ←	خور	رساندن ←	رسان	فروختن ←	فروش
داشتن ←	دار	رسیدن ←	رس	کشیدن ←	کش
درآوردن ←	در...آور	ریختن ←	ریز	کندن ←	کَن
دریدن ←	دَر	سوختن ←	سوز	گذاشتن ←	گذار
دوختن ←	دوز	شستن ←	شوی	لرزیدن ←	لرز
دویدن ←	دو	شکستن ←	شکن	نشستن ←	نشین
دیدن ←	بین	شنیدن ←	شنو	نوشیدن ←	نوش
آمدن ←	آی	گرفتن ←	گیر	رفتن ←	رَو
ماندن ←	مان	زدن ←	زَن	خوردن ←	خور
دادن ←	ده	شدن ←	شَو		

ریشهٔ حال افعال

فعل‌هایِ غیرساده:

فعلی است که بیشتر از یک جزء دارد. مانندِ (یادگرفتن). جزءِ آخرِ فعلِ مرکب، فعلِ ساده است که به آن فعلِ کُمکی می‌گوییم. هنگامِ صرف کردنِ فعلِ مرکب، فقط **فعلِ کُمکی صرف می‌شود**. ریشهٔ حالِ بعضی از فعل‌هایِ کُمکی در جدول زیر آمده است:

فعل‌هایِ کمکی	ریشهٔ حال	نمونه‌هایِ فعلِ مرکب
کردن ←	کُن	ملاقات کردن، صحبت کردن، جستجو کردن، زندگی کردن، خواهش کردن،
دادن ←	ده	نشان دادن، هل دادن، انجام دادن، ترجیح دادن، قرض دادن، اجازه دادن، قرار دادن
زدن ←	زَن	مسواک زدن، شانه زدن، جارو زدن، تلفن زدن، زنگ زدن، حرف زدن، رنگ زدن
داشتن ←	دار	قرار داشتن، دوست داشتن، فرق داشتن، لازم داشتن، اطلاع داشتن
کشیدن ←	کِش	خط کشیدن، دراز کشیدن، فریاد کشیدن، خجالت کشیدن، سیگار کشیدن
گرفتن ←	گیر	یاد گرفتن، وضو گرفتن، دوش گرفتن، پس گرفتن، گاز گرفتن، اجازه گرفتن
شدن ←	شَو	بیدار شدن، جدا شدن، سوار شدن، پیاده شدن، تمام شدن
خوردن ←	خور	زمین خوردن، غذا خوردن، غصه خوردن، سرما خوردن
آمدن ←	آی	فرود آمدن، به دنیا آمدن، خون آمدن
رفتن ←	رَو	از دنیا رفتن، از بین رفتن
ماندن ←	مان	جا ماندن، خواب ماندن، عقب ماندن
بُردن ←	بَر	از بین بردن

دقت کنید

عنوان	شمارهٔ درس
فارسیِ نِوشتاری و گُفتاری	درس ۱
ملیت+ ها	درس ۲
اعدادِ تَرتیبی	درس ۴
گفتن و نوشتنِ تاریخ	درس ۴
ریشهٔ حال	درس ۷
چاق/ اضافه وزن داشتن	درس ۸
مقایسه	درس ۸
صفت	درس ۹
اسم/صفت + است	درس ۱۰
حروف اضافهٔ مکان‌نما	درس ۱۲
داشتن	درس ۱۳
فعلِ مرکب	درس ۱۵
قید تکرار	درس ۱۶
اما/ ولی	درس ۱۹
داشتن	درس ۲۰
ترتیب انجام کار	درس ۲۴
نشانهٔ جمع	درس ۲۶
خیلی و کمی شَدید، تُند، سُنگین	درس ۲۷
اسم/ صفت + شُدن	درس ۲۸

متنِ نوشتاریِ تمرینِ «گوش کنید»

حوزه ۱: اطلاعات مقدماتی

درس ۱: سلام و احوالپرسی

(دو نفر در حالِ صحبت هستند) علی: سلام. سروش: سلام، حالت چطوره؟ علی: خوبم، تو چطوری؟ سروش: منم خوبم. خدارو شکر. علی: فردا کلاس داری؟ سروش: آره فردا کلاس دارم. علی: منم همینطور. سروش: فردا دوباره می‌بینمت. علی: خداحافظ سروش: خداحافظ	حالت چطوره؟ = حالت چطور است؟ خوبم = خوب هستم. چطوری؟ = چطور هستی؟ منم همینطور = من‌هم همینطور

درس ۲: کشورها و ملیت‌ها

(سارا در حالِ معرفیِ خود است.) مَن سارا هستم. ۲۶ سالمِه و در فیلیپین به دنیا آمده‌ام. دو سال پیش خانواده‌ام به استرالیا رفتن و حالا در آنجا زندگی می‌کنن. اما من الان در ایران هستم تا زبانِ فارسی را یاد بگیرم. فیلیپینی‌ها به زبانِ تاگالوگ صحبت می‌کنن. زبانِ تاگالوگ با زبانِ فارسی خیلی فرق داره. برای همین یادگرفتنِ زبان فارسی برای من کَمی سَخته. (صدایِ مبهمِ ادامهٔ صحبت‌هایِ سارا)	۲۶ سالمه = ۲۶ سالَم است رفتن = رفتند می‌کنن = می‌کنند داره = دارد سخته = سخت است

درس ۳: اعداد و زمان

۸۱۱ – ۳۲ – ۲۹ – ۸۵ – ۴۰۷ – ۶۱ – ۱۱۸ – ۴۴ – ۱۲۰۰ – ۳۶ – ۱۹۰ – ۱۵ – ۵۲ – ۹۹ – ۲۷۰ – ۵۳۰

درس ۴: تقویم

(سارا می‌خواهد در تهران، در رشتهٔ ایرانشناسی ادامهٔ تحصیل دهد و برایِ مصاحبهٔ آزمون ورودی با مصاحبه‌کننده صحبت می‌کند.) مصاحبه‌کننده: لطفاً خودتونو معرفی کنید. سارا: سارا لاینتسر هستم. ۲۹ سالمه، اهلِ اتریش مصاحبه‌کننده: تاریخِ دقیقِ تولدتون رو بگید، لطفاً. سارا: هفدهِ جولایِ ۱۹۸۱ مصاحبه کننده: به شمسی چی می‌شه؟ سارا: بیست و ششِ تیر ۱۳۶۰ مصاحبه کننده: کی به ایران اومدید؟ سارا: اوایلِ مهرِ پارسال. دقیقاً هفتمِ مهرِ	خودتونو = خودتان را سالمه = سالم است تولدتون رو = تولدتان را بگید = بگویید چی می‌شه = چه می‌شوَد اومدید؟ = آمدید؟

مصاحبه کننده: آزمونِ ورودی هفتهٔ آینده است. آماده هستید؟ سارا: بله! مصاحبه کننده: موفق باشید. سارا: ممنونم.	

درس ۵: پر کردن فرم و اطلاعات شخصی

(کاترین برایِ ثبتِ نام در کلاس‌هایِ زبانِ فارسی با مسئولِ ثبتِ نام صحبت می‌کند.) مسئولِ ثَبتِ نام: سلام، بفرمایید. کاترین: سلام، ببخشید، می‌خوام تو کلاسای زبان فارسی ثبتِ نام کنم. مسئولِ ثَبتِ نام: لطفاً این فرم رو پر کنید. کاترین: من نمی‌تونم به زبان فارسی بنویسم. می‌شه کمکم کنید؟ مسئولِ ثَبتِ نام: بله. نام و نام خانوادگی‌تون چیه؟ کاترین: کاترین استیوِن مسئولِ ثَبتِ نام: اسمِ پِدَرتون؟ کاترین: مایکل مسئولِ ثَبتِ نام: اَهل کُجایید؟ کاترین: انگلیس مسئولِ ثَبتِ نام: کدوم شهر؟ کاترین: لَندَن مسئولِ ثَبتِ نام: کَجا زِندِگی می‌کنید؟ کاترین: تهران مسئولِ ثَبتِ نام: شُغلِتون چیه؟ کاترین: دانشجو مسئولِ ثَبتِ نام: چَند سالتونه؟ کاترین: بیست و پَنج مسئولِ ثَبتِ نام: مجردید یا متأهل؟ کاترین: مجردم. مسئولِ ثَبتِ نام: لطفاً اینجا رو امضا کنید.	می‌خوام = می‌خواهم کلاسای = کلاس‌های رو = را نمی‌تونم = نمی‌توانم نام خانوادگی‌تون = نامِ خانوادگیتان پدرتون = پدرتان کدوم؟ = کدام؟ شغلتون چیه؟ = شغلتان چیست؟ چند سالتونه؟ = چند سالتان است؟ مجردم = مجرد هستم

مرور

(روبرت در ایران مشغولِ تحصیل در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی است و با آلیس که در پاریس ایرانشناسی می‌خواند، گفت‌وگو می‌کند.) روبرت: آلیس! عیدِ نوروز که دانشگاه تعطیله، شاید بیام پاریس؟ آلیس: چه خوب! حتماً به من هم یه سری بزن. قبلاً دربارهٔ «نوروز» توی اینترنت خوندم. تو ایران شروعِ سالِ جدیده، درسته؟ روبرت: بله، نوروز یکی از قدیمی‌ترین جشن‌هاست. آلیس: خیلی دوست دارم ایران باشم و از نزدیک این جشن رو ببینم. راستی! «نوروز» رو فقط تو ایران جشن می‌گیرن؟ روبرت: نه، در بعضی کشورایِ آسیایی مثلِ افغانستان، تاجیکستان، مممممم...	تعطیله = تعطیل است. بیام = بیایم خوندم = خواندم تو ایران/پاریس = در ایران/پاریس جدیده = جدید است درسته؟ = درست است؟ رو = را جشن می‌گیرن = جشن می‌گیرند کشورا = کشورها

آذربایجان، یا ازبکستان و بعضی از جاهایِ دیگهٔ دنیا هم نوروز رو جشن می‌گیرن. آلایس: تویِ پاریس مردم معمولاً قبل از ساعتِ ۱۲ شب که سالِ جدید شروع می‌شه، کنارِ برجِ ایفل جمع می‌شن و سالِ نو رو جشن می‌گیرن، واقعاً هیجان‌انگیزه. وبرت: اینجا اولِ سالِ میلادی تعطیل نیست. اگه تعطیل بود، حتماً برایِ جشنِ کریسمس و سالِ نو میومدم پاریس و جشنِ شما رو می‌دیدم. شاید سالِ دیگه بتونم برایِ جشن کریسمس بیام.	دیگه = دیگر شروع می‌شه = شروع می‌شود جمع می‌شن = جمع می‌شوند هیجان‌انگیزه = هیجان‌انگیز است. اگه = اگر میومدم = می‌آمدم بتونم = بتوانم بیام = بیایم
حوزه ۲: مردم	
درس ۶: خانوادهٔ من	
(زهرا با خالهٔ خود دربارهٔ جشن تولد دخترش صحبت می‌کند) خالهٔ زهرا: بله، بفرمایید! زهرا: سلام، خاله جون. خوبید؟ خالهٔ زهرا: سلام زهرا جان، ممنون تو چطوری؟ زهرا: خوبم، ممنون. خاله جون، دوشنبه جشنِ تولد فرنازه. دوست دارم شما هم باشین! خالهٔ زهرا: ممنون، حتما میام. دیگه کیا رو دعوت کردی؟ زهرا: مامان اینا که هستن. دایی جون با خانواده و مادربزرگ.	خوبید؟ = خوب هستید؟ جون = جان چطوری؟ = چطور هستی؟ خوبم = خوب هستم فرنازه = فرناز است باشین = باشید میام = می‌آیم کیا رو = کی‌ها را (چه کسانی) اینا = این‌ها هستن = هستند
درس ۷: اعضای بدن و افعال حرکتی	
(سمیرا با دوست خود صحبت می‌کند.) دوستِ سمیرا: دیروز رفتین پارک؟ سمیرا: آره. با بچه‌ها رفتیم پارک تا یه کمی بازی کنن. اولش رو چمنا نشسته بودیم و بچه‌ها نزدیکِ ما می‌دویدن. بعد بچه‌ها رفتن تو زمینِ بازی. سمیرا می‌خواست از پله‌ها بالا بره که یه پسربچه هُلش داد و سمیرا زمین خورد. برایِ همین خیلی زود سوارِ ماشین شدیم و برگشتیم خونه. دوستِ سمیرا: سمیرا حالش خوبه؟ چیزیش نشد؟ سمیرا: نه خدا رو شکر. خوبه. دوستِ سمیرا: پس خوش نگذشته.	رفتین = رفتید یه = یک چمنا = چمن‌ها تو = در بره = برود خونه = خانه خوبه = خوب است خوش نگذشته = خوش نگذشته است
درس ۸: توصیف ویژگی‌های ظاهری	
(شخصی دربارهٔ مشخصاتِ کامران صحبت می‌کند) کامران ۲۶ سالشِه. او اهلِ تاجیکستانِه و دانشجویِ ادبیات فارسیِه. رنگِ پوستِ کامران	سالشه = سالش است فارسیه = فارسی است

روشنِه و چشم‌هایِ قهوه‌ای داره. موهاش مشکی و کوتاهِه. قدِ کامران ۱۸۰ سانتی مترِه و اندامش متناسبِه. اما خواهرش کمی از کامران چاق‌تر و قد کوتاه‌ترِه.	داره = دارد موهاش = موهایش
درس ۹: توصیف ویژگی‌های شخصیتی	
(احمد و سامان با هم دربارهٔ یکی از دوستانِ سامان صحبت می‌کنند.) احمد: رضا رو می‌شناسی؟ سامان: آره، خیلی وقته می‌شناسمش. احمد: چطور آدمیه؟ سامان: خیلی صبور و خوش‌اخلاقه. تو مدرسه با همه مهربون بود برایِ همین دوستایِ زیادی داشت. احمد: پس آدمِ خیلی خوبیِه. سامان: اغلب اطرافیانش دوستش دارن. چون رفتارش خوبه. کلا شخصیتِ مثبتی داره.	وقته = وقت است می‌شناسمش = او را می‌شناسم آدمیه = آدمی است خوش‌اخلاقه = خوش اخلاق است دوستایِ = دوست‌هایِ
درس ۱۰: بیان احساسات	
گفت‌وگو ۱: – چرا اینقدر دیر کردی. الان همهٔ فروشگاه‌ها بسته‌اس. : حالا مگه چی شده .... **گفت‌وگو ۲:** – اصلا فکرشَم نمی‌کردم که امتحانم رو خراب کنم. حالا چی‌کار کنم؟ : مهم نیست گریه نکن... **گفت‌وگو ۳:** – تولدت مبارک. این هدیهٔ تولدته. : واااااای. دستت درد نکنه. چقدر قشنگِه	بسته‌اس = بسته است مگه = مگر فکرشم نمی‌کردم = فکرش را هم نمی‌کرد دستت درد نکنه = دستت درد نکند
مرور	
(سمانه دربارهٔ زهره، دوست دبیرستانی خود، صحبت می‌کند.) آآآم، می‌دونی؟! زهره دخترِ خوبیه. خیلی مهربونه. واقعاً هرکاری بتونه برات انجام می‌ده. خیلی باهوشه و درسش خوبه، البته خوبم درس می‌خونه و واقعاً تو درس خوندن سخت‌کوشه. معمولاً به منم تو درسا کمک می‌کنه. با این حال به خاطرِ بی‌دقتی سرِ امتحان بی‌خودی نمره‌اش کم می‌شه. معلم‌مون همیشه می‌گه اگه زهره یه کم بیشتر دقت کنه، شاگرد اولِ کلاسه. ولی من می‌گم از بس که عجوله و می‌خواد زود جوابِ سوالات رو بده، دقت نمی‌کنه. به هر حال واقعاً دوستِ خوبیه.	می‌دونی = می‌دانی خوبیه = خوب است انجام می‌ده = انجام می‌دهد خوبم درس می‌خونه = خوب هم درس می‌خواند تو = در منم = من هم می‌خواد = می‌خواهد
حوزه ۳: خانه	
درس ۱۱: خانه و بخش‌های آن	
خریدار: سلام آقا، برایِ آگهیِ فروشِ آپارتمان، تماس گرفتم.	

خریدار: سلام آقا، برایِ آگهیِ فروشِ آپارتمان، تماس گرفتم. فروشنده: سلام، اگر سوالی دارید بفرمایید. خریدار: می خواستم بدونم طبقهٔ چندمه؟ فروشنده: طبقهٔ سوم. خریدار: پارکینگ و انباری هم داره؟ فروشنده: پارکینگ داره اما انباری نه، نداره. خریدار: ممنون.	بدونم = بدانم چندمه = چندم است داره = دارد

درس ۱۲: اتاق پذیرایی

(سارا اتاقِ پذیرایی خانهٔ خود را توصیف می‌کند.) اتاقِ پذیرایی خونم خیلی کوچیکه. فقط یه مُبل روبه‌رویِ تلویزیون گذاشتم و یه فرشِ کوچیک هم جلویِ مُبل انداختم. یه میز غذاخوریِ دو نفره هم نزدیکِ آشپزخونه‌ست. از فضایِ زیرِ پنجره هم برایِ کتابخونه استفاده کردم.	خونم = خانه‌ام کوچیکه = کوچک است یه = یک آشپزخونه = آشپزخانه کتابخانه = کتابخونه

درس ۱۳: آشپزخانه

(ندا و سارا با هم تلفنی صحبت می‌کنند) ندا: سلام سارا. خوبی؟ امروز وقت داری بریم بیرون؟ سارا: سلام ممنون، خوبم. امروز خیلی کار دارم. نمی‌تونم بیام. ندا: چی کار داری؟ می‌خوای بیام کمکت؟ سارا: ممنون عزیزم. باید غذا بپزم و لباس‌ها رو بشورم. ظرف‌هایِ تمیز رو هم بچینم تویِ کابینت. الانَم دارم سیب‌زمینی رنده می‌کنم.	خوبم = خوب هستم نمی‌تونم = نمی‌توانم بشورم = بشویم

درس ۱۴: اتاق خواب و سرویس بهداشتی

(شخصی برایِ خرید به فروشگاه رفته است.) خریدار: سلام آقا، مسواک دارید؟ فروشنده: سلام. بله... بفرمایید. چیز دیگه‌ای لازم ندارید؟ خریدار: چرا. یه خمیردندون، دهان‌شویه و صابون هم می‌خوام. فروشنده: اینم خمیردندون و صابون. اما دهان‌شویه نداریم. خریدار: باشه، ممنون.	می‌خوام = می‌خواهم اینم = این هم خمیردندون = خمیردندان

درس ۱۵: خانه‌داری

(مری دربارهٔ خانه تکانی ایرانی‌ها صحبت می‌کند.) مِری: من اهلِ آلمانَم. دو ساله که ایران زندگی می‌کنم. ایرانی‌ها قبل از سالِ نو، خونه‌تکونی دارن تا برایِ سالِ نو خونه‌ای تمیز داشته باشن. در خونه‌تکونی آن‌ها دیوارها، شیشهٔ پنجره‌ها، پرده‌ها، فرش‌ها و خیلی چیزهایِ دیگه رو می‌شویند. کمدها را تمیز می‌کنند و وسایلِ خراب را دور می‌ریزند. من هم امسال مثلِ همهٔ ایرانی‌ها خونه‌تکونی کردم. اما نه به اون شکلی که ایرانی‌ها انجام می‌دن، چون هنوز خیلی مهارت پیدا نکردم. من فقط کمدها و کابینت‌ها رو تمیز کردم و وسایلِ خراب، اضافی و لباس‌هایِ کهنه را جدا کردم.	آلمانم = آلمان هستم دو ساله = دو سال است خونه‌تکونی = خانه‌تکانی رو = را اون = آن انجام می‌دن = انجام می‌دهند

مرور	
(بهاره دربارۀ خانۀ جدید و اثاث‌کشی با دوستش مینو که او را در پارک دیده، صحبت می‌کند.): مینو: سلام بهاره جان، شنیدم خونه خریدید، مبارک باشه! بهاره: سلام عزیزم، بله، خیلی ممنون. مینو: کجا خونه گرفتید؟ بزرگه؟ بهاره: همین خیابونِ پایینی، ساختمونِ صدف، یه آپارتمانِ دو خوابه، طبقۀ سوم. مینو: چه خوب که دو تا اتاق خواب داره، پس از خونۀ قبلیت بزرگ‌تره. امکاناتش خوبه؟ اثاث‌کشی کردی؟ بهاره: امکاناتش بد نیست، آسانسور و انباری داره، اما پارکینگ نداره. هنوز هم اثاث‌کشی نکردم، چون خونه یه کمی تعمیرات داره. باید وانِ حمام و روشویی رو عوض کنیم، دیوارِ اُتاق‌ها رو رنگ کنیم و پنجره‌ها و درِ ورودی رو هم عوض کنیم. مینو: پس تقریباً یه ماهی طول می‌کشه. درسته؟ بهاره: شایدم بیشتر. هر وقت تعمیرات تموم شد باید کارهایِ نظافت و تمیز کردنِ خونه رو شروع کنم مثلِ جارو کردن، گردگیری، شستنِ زمین و شیشه‌ها. بعد اثاث‌ها رو می‌برم و می‌چینم. مینو: حتماً موقعِ چیدنِ وسایل خبرم کن تا بیام کمکت. بهاره: خیلی ممنون از محبتت، چشم حتماً.	باشه = باشد بزرگه = بزرگ است خیابون = خیابان ساختمون = ساختمان قبلیت = قبلی‌ات خوبه = خوب است می‌کشه = می‌کشد تموم = تمام کمکت = کمکِ تو محبتت = محبتِ تو

حوزه ۴: زندگی روزمره

درس ۱۶: کارهای روزانه	
(سیما مشغول صحبت کردن دربارۀ کارهایِ روزانه خود است) ما معمولاً صبح‌ها ساعتِ ۶:۳۰ از خواب بیدار می‌شیم. صبحانه می‌خوریم. بعد من بچه‌ها رو به مدرسه می‌رسونم. حدودِ ساعتِ ۸ به محلِ کارم می‌رسم. اغلب ساعتِ ۳ از محلِ کارم بیرون میام و می‌رم مدرسه دنبال بچه‌ها و حدودِ ساعتِ ۴ می‌رسیم خونه. سعی می‌کنم هرشب زود شام بخوریم. ساعتِ ۹ بچه‌ها می‌خوابن. بعد از اون وقت دارم که مطالعه کنم یا تلویزیون تماشا کنم. معمولاً ساعتِ ۱۱ شب می‌خوابم.	می‌شیم = می‌شویم می‌رسونم = می‌رسانم میام = می‌آیم می‌رم = می‌روم خونه = خانه می‌خوابن = می‌خوابند اون = آن

درس ۱۷: پوشاک (۱)	
(علی و آرزو در مرکز خرید هستند که ناگهان....) علی: اِاااه، اون احمد نیست؟ فکر کنم خودشه!! آرزو: خواهرم و احمد که تهران نیستن! کو من نمی‌بینمش؟ علی: همونی که کنارِ روسری فروشی داره با موبایل حرف می‌زنه. بارونی تنشه و یه چترم دستشه. آرزو: اونی که کلاه داره؟ علی: نه اونی که عینک زده. آرزو: آهاا، دیدمش ... خودشه.	اون = آن خودشه = خودِ او است کو = کجا است نمی‌بینمش = او را نمی‌بینم همونی = همان کسی که بارونی = بارانی یه = یک

درس ۱۸: پوشاک (۲)

گفت‌وگو	واژه‌ها
(سینا در پارک گم شده‌است. مادر و پدرِ سینا مشخصاتِ فرزندِ خود را به پلیس می‌دهند:) پلیس: نگران نباشید. پیدا می‌شه. پسرتون چه لباسی پوشیده؟ پدرِ سینا: کتِ پشمی با شلوارِ سرمه‌ای. مادرِ سینا: زیرِ کت، پیراهنِ راه‌راهِ آبی تَنِشه. پلیس: عکسی از پسرتون دارید؟ پدرِ سینا: بله بفرمایین، ... پلیس: خدا رو شکر الان اطلاع دادن پسرتون پیدا شده.	می‌شه = می‌شود پسرتون = پسر شما تنشه = تنِ او است بفرمایین = بفرمایید پیدا شده = پیدا شده است

درس ۱۹: خرید لباس

گفت‌وگو	واژه‌ها
(مریم و مینا دارن تلفنی با هم صحبت می‌کنند) مریم: راستی دیروز رفته بودم لباس بخرم. مینا: خُب چی خریدی؟ مریم: یه بلوز و دامن خریدم، ولی الان می‌بینم باید برم هر دوش رو عوض کنم. مینا: چرا؟ مریم: دامنه خیلی کوتاست، بلوزه هم تنگه. مینا: اتفاقاً منم هفتهٔ پیش رفتم کفش خریدم، وقتی اومدم خونه دیدم برام بزرگه. اشکالی نداره پیش میاد.	چی = چه (چه چیز) یه = یک برم = بروم هر دوش رو = هر دویِ آنها را دامنه = این دامن تنگه = تنگ است منم = من هم اومدم = آمدم برام = برایِ من

درس ۲۰: سلامتی

گفت‌وگو	واژه‌ها
(صدایِ باز شدنِ در و سلام کردن و جوابِ سلام) دکتر: بفرمایید. مشکلتون چیه؟ سجاد: از دیروز گاهی عطسه می‌کردم، فکر کردم مثلِ همیشه حساسیته، ولی دیشب حالم بدتر شد. دکتر: تَبَم دارین؟ سجاد: بله، دیشب تب کردم. دکتر: سرفه چطور، سرفه هم می‌کنید؟ سجاد: نه آقایِ دکتر سرفه نمی‌کنم. ولی دل‌دردِ شدیدی دارم. دکتر: چیزِ مهمی نیست. یه ویروس جدیده. داروهایی که براتون می‌نویسم رو سرِ ساعت بخورید و	مشکلتون = مشکل شما چیه = چه چیز است حساسیته = حساسیت است تَبَم دارید = تب هم داریدجدیده = جدید است براتون = برایِ شما

مرور

گفت‌وگو	واژه‌ها
(فرزاد با پزشک صحبت می‌کند): دکتر: خُب، آقایِ فرزادِ عظیمی، بفرمایید مشکلتون چیه؟ فرزاد: اولش با گوش دردِ شدید شروع شد، آقایِ دکترا! روزِ بعد که می‌خواستم برم سرِ کار سرگیجه داشتم، برایِ همین نتونستم برم. دکتر: تب هم داشتی؟ فرزاد: بله، دیشب تب داشتم.	مشکلتون چیه؟ = مشکل شما چیست؟ نتونستم = نتوانستم

دکتر: خب، بذار ببینم. ..... الانم هنوز تب داری. سرفه هم که می‌کنی؟ فرزاد: بله، گلوم هم درد می‌کنه. (پزشک درحالِ معاینه کردنِ فرزاد است) نفسِ عمیق بکش! دکتر: تازگی‌ها سرما خوردگی نداشتی؟ فرزاد: حدوداً سه هفته پیش سرما خورده بودم. رفته بودم استخر، بعدش سرماخوردم. البته چون سرم شلوغ بود دکتر نرفتم. فقط قرصِ سرما خوردگی خوردم. دکتر: نظر من اینه که گوشِ شما عفونت کرده و چون توجه نکردی گلو و ریهٔ شما هم دچارِ مشکل شده. باید بیشتر توجه کنید و هیچ مشکلی رو در موردِ سلامتیِ خودتون بی‌اهمیت ندونید. با داروهایی که نوشتم ان شاء ا... هر چه زودتر حالتون بهتره می‌شه.	بذار= بگذار گلوم = گلویم می‌کنه = می‌کند بعدش = بعد از آن اینه = این است خودتون= خودتان حالتون = حالتان می‌شه = می‌شود

حوزه ۵: خوردنی‌ها

درس ۲۱: میوه و سبزیجات

(صدایِ گویندهٔ رادیو در برنامهٔ سلامت و تغذیه) سلامت و تغذیه مجریِ برنامه: سلام خانم دکتر، امروز در موردِ چه موضوعی می‌خواین برایِ شنونده‌ها صحبت کنید؟ خانم دکتر: سلام امروز می‌خوام دربارهٔ خواصِ بعضی از میوه‌ها و سبزیجات صحبت کنم. مجریِ برنامه: خب عالیه، بفرمایین. خانم دکتر: وقتی صحبت از ویتامینِ ث می‌شه همه به یاد پرتقال می‌افتن. ولی باید بدونین غیر از مرکباتی مثلِ پرتقال، میوه‌هایی هم وجود دارن که شاید بیش‌تر از پرتقال، ویتامینِ ث دارن. مثلِ توت‌فرنگی و آناناس. مجریِ برنامه: خانم دکتر، سبزیجات چطور؟ خانم دکتر: بله، سبزیجات هم ویتامینِ ث دارن مثلِ گوجه‌فرنگی و سیب‌زمینی.	می‌خواین = می‌خواهید می‌خوام = می‌خواهم عالیه = عالی است می‌افتن= می‌افتند بدونین = بدانید دارن = دارند

درس ۲۲: مواد غذایی

(بیتا به یک کلینیکِ لاغری رفته است و از مشاورِ تغذیه یک رژیمِ غذایی مناسب برایِ لاغری می‌خواهد.) مشاورِ تغذیه: شما حدودِ ۶ کیلو اضافه وزن دارید. ولی با یه رژیمِ غذایی مناسب به راحتی می‌تونید وزن کم کنید. اول بهتره اطلاعاتی دربارهٔ انواعِ موادِغذایی داشته باشید. اصلی‌ترین موادِغذایی، موادی مثلِ نون و تخم‌مرغ هستن، که بهتره به اندازه بخورید. ولی برنج تو رژیمتون نیست. از میوه و سبزیجات هر چقدر که دوست دارید، می‌تونید استفاده کنید. مرغ و ماهی تو رژیمتون هست اما گوشت قرمز نیست. لبنیات هم خیلی مهمه، مخصوصاً شیر؛ ولی نمک و شکر، بهتره نخورید.	می‌تونید= می‌توانید بهتره = بهتر است نون = نان هستن = هستند تو= در رژیمتون = رژیمتان مهمه = مهم است

درس ۲۳: وعده‌های غذایی

(امین دربارهٔ وعدهٔ غذایی صبحانه خود صحبت می‌کند):	

رضا: شما معمولاً برایِ صبحانه چی می‌خورین؟ امین: من به صبحانه خیلی اهمیت می‌دم. به نظرم مهم‌ترین وعدهٔ غذایی، صبحانه است. برایِ همین سعی می‌کنم حتماً صبحانه بخوریم. نون، کره و مربا، صبحانهٔ موردِ علاقهٔ منه. برایِ همین همیشه انواع مربا رو تو خونه دارم. چایی هم که همیشه باید تو صبحانهٔ ما ایرانی‌ها باشه......	می‌خورین = می‌خورید می‌دم = می‌دهم نون = نان منه = من است

درس ۲۴: آشپزی

(مهمانِ برنامهٔ آشپزی در حالِ آموزش یک غذاست) مجریِ برنامهٔ: ... خُب ااا، بعد مرغ رو باید آب‌پز کنیم. من قبلاً این کارو کردم که وقتِ برنامه گرفته نشه. سیب‌زمینی‌ها رو می‌شوریم. سعی کنید اونها رو خوب بشورید چون سیب‌زمینی‌ها رو پوست نمی‌کنیم. بعد یه مدتی می‌ذاریم بمونن تا خشک بشن. حالا باید اونا رو درشت خورد می‌کنیم. من از قبل، این کار رو کردم. حالا سیب‌زمینی‌ها رو بخارپز می‌کنیم. مرغ رو که آبپز شده خرد می‌کنیم. وقتی همهٔ مواد آماده شدند، اونا رو تو یه ظرف می‌ریزیم و خوب هم می‌زنیم. تویِ ظرفمون می‌ریزیم و کمی پنیر رویِ اون رنده می‌کنیم ...	اونها = آنها یه = یک می‌ذاریم = می‌گذاریم خورد می‌کنیم = خرد می‌کنیم رو = را اونا = آنها تو = در ظرفمون = ظرفمان

در س ۲۵: رستوران

(الهام در رستوران است و در حالِ سفارش دادنِ غذاست) پیش‌خدمت: سفارش می‌دید؟ الهام: بله، سوپِ روزتون چیه؟ پیش‌خدمت: سوپ سبزیجات. میل می‌کنید؟ الهام: نه، ممنون، فقط سالاد. با یه پرس جوجه‌کباب لطفاً. پیش‌خدمت: ببخشید، امروز جوجه‌کباب نداریم. الهام: پس یه پرس شیشلیک لطفاً. پیش‌خدمت: نوشیدنی چی بیارم، دوغ، نوشابه، آب معدنی؟ الهام: اگه دوغ بیارید ممنون می‌شم. پیش‌خدمت: بله، حتماً.	می‌دید = می‌دهید چیه؟ = چیست؟ یه = یک بیارم = بیاورم منون می‌شم = ممنون می‌شوم

مرور

(مریم با رستورانِ لاله تماس می‌گیرد و برایِ مهمانیِ خود غذا سفارش می‌دهد.) سفارش‌گیرنده: رستوران لاله؛ بفرمایید. مریم: سلام، می‌خواستم برایِ سه‌شنبه غذا سفارش بدم. سفارش‌گیرنده: برایِ چند نفر؟ مریم: حدودِ ۲۰ نفر. سفارش‌گیرنده: برایِ ناهار یا شام؟ مریم: برایِ شام. سفارش‌گیرنده: بفرمایید چی سفارش می‌دید؟ مریم: ۱۰ پرس باقالی پلو با ماهیچه و ۱۰ پرس هم آلبالو پلو. سفارش‌گیرنده: ببخشید ولی آلبالو پلو تو منوی ما نیست. مریم: خُب، پس به جایِ آلبالو پلو، ۱۰ پرس شیرین پلو لطفاً.	سفارش بدم = سفارش بدهم سفارش می‌دید = سفارش می‌دهید تو = در

سفارش‌گیرنده: بله، نوشیدنی یا چیزِ دیگه‌ای سفارش نمی‌دید؟ مریم: چرا، ۴ دیس سالادِ فصل، زیتون پرورده و ماست. ۳ تا دوغ و ۳ تا نوشابه خانواده. سفارش‌گیرنده: دسر چطور؟ مریم: نه ممنون. سفارش‌گیرنده: برایِ چه ساعتی سفارش رو تحویل می‌گیرید؟ مریم: حدودِ ساعتِ ۸ آماده باشه لطفاً.	رو = را آماده باشه = آماده باشد

حوزه ۶: طبیعت

درس ۲۶: پدیده‌های طبیعی

(ماریا دربارهٔ طبیعتِ کشورِ خود صحبت می‌کند.) ماریا: اجازه بدین اسمِ کشورم رو آخر بگم. اِاِاِ، کشورِ من واقعاً جایِ قشنگیه. جایی که به راحتی می‌شه بیشتر پدیده‌هایِ طبیعی رو در اونجا دید. سواحلِ زیبا و طولانی در اقیانوسِ اطلس داره. می‌شه گفت در بخشِ وسیعی از کشورِ من جنگل دیده می‌شه. پایتختِ توریستیِ کشورِ من در کنارِ کوه قرار داره، کوهایی که از جنگل پوشیده شدند و خلیج‌هایِ زیبایی در این شهر وجود داره. رودِ آمازون از کشورِ من عبور می‌کنه و در مناطقِ کوهستانی آبشارهایِ زیبایی رو به وجود میاره که معمولاً برایِ هر بیننده‌ای جالبه. حتماً الان خودتون می‌تونین حدس بزنید من اهلِ کجا هستم. بله، درسته، برررزیل.	اجازه بدین = اجازه بدهید رو = را بگم = بگویم قشنگیه = قشنگی است می‌شه = می‌شود اونجا = آنجا داره = دارد دیده می‌شه = دیده می‌شود به وجود میاره = به وجود می‌آورد جالبه = جالب است

درس ۲۷: آب و هوا

)برنامهٔ رادیویی گزارشِ هواشناسی) مجریِ برنامه: سلام شنوندگانِ عزیز. با بخشِ گزارشِ هواشناسی در خدمتِ شما هستم. اکثرِ استان‌هایِ کشور، امروز و امشب جوّ آرامی خواهند داشت. از اواخرِ امشب، آب و هوایِ کشور از سمتِ غرب تغییر خواهد کرد و شاهدِ بارندگی در اکثرِ نقاط خواهیم بود. بنابراین آسمانِ بیشتر شهرهایِ استانِ خراسان رضوی و مشهد امروز و امشب نیمه ابری خواهد بود و فردا شاهدِ بارشِ باران هستیم، ان شاء الله. ممنون از توجه شما و خداحافظ.	-

درس ۲۸: حوادث طبیعی

(اخبارِ حوادثِ رادیو) مجریِ برنامه: .... هواشناسی سرعتِ وزشِ باد دیشب را ۱۱۰ کیلومتر بر ساعت اعلام کرد. در جریانِ این حادثه به علتِ وزشِ شدیدِ باد تعدادی از خانه‌ها تخریب شدند. برقِ مناطقِ غربی کاملاً قطع شده است. متاسفانه در جریانِ این حادثه ۱۷ نفر مفقود و ده‌ها نفر مجروح شدند. شورایِ مدیریتِ بحرانِ کشور در حالِ کمک‌رسانی به مردمِ این مناطق است.	-

درس ۲۹: حیوانات

(آندریان در حالِ صحبت دربارهٔ حیواناتِ کشورهایِ مختلف با شاگردانش است)

آندریان: حتماً می‌دونید گاهی نژادهایِ اصیلِ بعضی از حیوانات مربوط به کشورهایِ خاصیه. مثلاً کدام نژاد گربه شهرت داره؟

شاگردان: گربهٔ ایرانی.

آندریان: بله، درسته. یا مثلا اسب‌هایِ نژادِ عرب بسیار معروفند که در جنوبِ شرق آسیا پرورش داده می‌شن.

شاگردان: یا برایِ مثال گورخر حیوانِ بومیِ آفریقاست.

آندریان: بله، البته گورخر نژادهایِ دیگه‌ای هم داره مثلِ گورخرِ ایرانی. آخرین موردی که می‌خوام در موردش صحبت کنم گوسفندِ مرینوسه. این گوسفندان اصالتاً در کشورِ استرالیا پرورش داده می‌شن. .....

می‌دونید = می‌دانید
خاصیه = خاصی است
شهرت داره = شهرت دارد
معروفند = معروف هستند
پرورش داده می‌شن = پرورش داده می‌شوند
آفریقاست = آفریقا است
دیگه‌ای = دیگری
می‌خوام = می‌خواهم
گوسفندِ مرینوسه = گوسفندِ مرینوس است

درس ۳۰: پرندگان، حشرات و گیاهان

(مربیِ پیش‌دبستانی بچه‌هایِ کلاسِ خود را به باغِ وحش برده است)

مربی: حسن جان، ببین! این پرنده اسمش عقابه. ببین چه بزرگه!

حسن: می‌ترسم.

مربی: نترس عزیزم. تو قفسه. نمی‌تونه بیاد بیرون.

سعید: خانم، خانم این طوطیا چقدر خوشگلن.

مربی: آره، واقعاً خوشگلن.

هدیه: اونجا قسمتِ حشراته. اگه می‌خواین پروانه ببینین باید بریم اون طرف.

صبا: الان اگه خانم حمیدی بودن، می‌گفتن نمیام، چون از عنکبوت‌ها چندشم می‌شه.

عقابه = عقاب است
بزرگه = بزرگ است
تو قفسه = در قفس است
نمی‌تونه بیاد بیرون = نمی‌تواند بیرون بیاید
خوشگلن = خوشگل (زیبا) هستند
می‌خواین = می‌خواهید
بریم = برویم
اون = آن

مرور

(خانوادهٔ براون با یک تورِ ایرانگردی به ایران آمده‌اند و در حالِ بازدید از غارِ علی‌صدر هستند. راهنمایِ تور اطلاعاتی دربارهٔ غارِ علی‌صدر می‌دهد.)

راهنمایِ تور: غار علی‌صدر بزرگ‌ترین غارِ آبی جهانه. این غارِ یکی از جاذبه‌هایِ طبیعیِ گردشگری ایران و در نزدیکی استانِ همدانه. ارتفاعِ غار ۲۱۰۰ متر است.

خانمِ براون: ببخشید، این غار مربوط به کدوم دورهٔ زمین‌شناسیه؟

راهنمایِ تور: این غار مربوط به دورهٔ ژوراسیک یعنی ۱۳۶تا ۱۹۰ میلیون سال قبل است. ..... خُب، اگه سوالی ندارید بریم داخلِ غار. فقط من یادم رفت بگم دریاچهٔ بزرگی در درونِ غار وجود داره به همین دلیل باید جلیقه نجات بپوشید و سوار قایق بشید.

خانمِ براون: ببخشید، یه سوال دیگه دارم. این غار کِی کشف شد؟

راهنمایِ تور: در گذشته اهالیِ روستاهایِ اطراف، این غار رو می‌شناختن و در فصلِ تابستان از آبِ آن استفاده می‌کردند. تا مدت‌ها ورود به غار ممکن نبود؛ تا اینکه حدودِ سالِ ۱۳۴۲ سطحِ آب پایین آمد و ورود به غار امکان‌پذیر شد. بعد از اون، کوهنوردان و پژوهشگران تونستن اکتشافاتِ مهمی انجام بدن.

جهانه = جهان است
کدوم = کدام
زمین‌شناسیه = زمین‌شناسی است
بریم = برویم
بگم = بگویم
بشید = بشوید
می‌شناختن = می‌شناختند
اون = آن
تونستن = توانستند
انجام بدن = انجام بدهند

معادل انگلیسی	تلفظ	واژه‌ها
Asia	/ʔā.si.ā/	آسیا ۲
cloud	/ʔabr/	ابر ۲۷
eyebrow	/ʔab.ru/	ابرو ۷
cloudy	/ʔab.ri/	ابری ۲۷
silky	/ʔab.ri.ʃa.mi/	ابریشمی ۱۸
living room	/ʔɔː.tā.q-e pa.zi.rā.ji/	اتاق پذیرایی ۱۱، ۱۲
bedroom	/ʔɔː.tāq xāb/	اتاق خواب ۱۱
iron	/ʔɔː.tu/	اتو ۱۵
to rent out (to someone)	/ʔe.dʒā.re dā.dan/	اجاره دادن ۱۱
to rent (from someone)	/ʔe.dʒā.re kar.dan/	اجاره کردن ۱۱
stove	/ʔɔː.dʒāq gāz/	اجاق گاز ۱۳
sociable	/edʒ.te.mā.ʔi/	اجتماعی ۹
parts of clothing	/ʔadʒ.zā.-je le.bās/	اجزای لباس ۱۸
greeting	/ʔah.vāl.pɔːr.si/	احوال پرسی ۱
Ordibehesht (april-may)	/ʔɔːr.di.be.heʃt/	اردیبهشت ٤
cheap	/ʔar.zān/	ارزان ۱۹
Europe	/ʔɔː.ru.pā/	اروپا ۲
to wake up	/ʔaz xāb bi.dār ʃɔː.dan/	از خواب بیدار شدن ١٦
to lose	/ʔaz dast dā.dan/	از دست دادن ۲۸
to pass away	/ʔaz dɔːn.jā raf.tan/	از دنیا رفتن ٦
to marry someone	/bā ka.si ʔez.de.vādʒ kar.dan/	ازدواج کردن (با کسی) ٦
horse	/ʔasb/	اسب ۲۹
Spain	/ʔes.pā.ni.ja/	اسپانیا ۲
Spanish	/ʔes.pā.ni.ja.ji/	اسپانیایی ۲
to rest	/ʔes.te.rā.hat kar.dan/	استراحت کردن ۲۰
Australia	/ʔɔːs.tɔː.rā.li.ja/	استرالیا ۲
Australian	/ʔɔːs.tɔː.rā.li.ja.ji/	استرالیایی ۲
tea cup	/ʔes.te.kā.n-e tʃaj/	استکان چای ۲۳
Esfand (February -march)	/ʔes.fand/	اسفند ٤
name	/ɨesm/	اسم (به معنیِ نام) ۱
what is your name?	/ʔes.m-e ʃɔː.mā tʃi.je (tʃ.ist)/	اسم شما چیه (چیست)؟
to add	/ʔe.zā.fe kar.dan/	اضافه کردن ٢٤

واژه‌ها	تلفظ	معادل انگلیسی
اطلاعات ٥	/ʔet.te.lā.ʔāt/	information
اطلاعات شخصی ٥	/ʔet.te.lā.ʔā.t-e ʃax.si/	personal information
اعداد ٤	/ʔaʔ.dād/	numbers
اعضای بدن ٧	/ʔaʔ.zā.-je ba.dan/	body parts
اعضای صورت ٧	/ʔaʔ.zā.-je su.rat/	face parts
افزایش دادن ٢٨	/ʔaf.zā.jeʃ dā.dan/	to increase
افعال حرکتی ٧	/ʔaf.ʔā.l-e ha.re.ka.ti/	verbs of motion
افغان ٢	/ʔaf.qān/	Afghan
اقیانوس ٢٦	/ɔːq.jā.nus	ocean
اقیانوسیه (کشورهای استرالیا و چند جزیرهٔ کوچک) ٢	/ʔɔːq.jā.nu.si.je/	Oceania
الاغ ٢٩	/ʔɔː.lāq/	donkey
امروز ٤	/ʔem.ruz/	today
امروز هوا چطوره؟ ٢٧	/ʔem.ruz ha.vā tʃe.tɔː.re/	how is the weather toady?
امسال ٤	/ʔem.sāl/	this year
امشب ٤	/ʔem.ʃab/	tonight
امضا ٥	/ʔem.zā/	signature
امواج ٢٦	/ʔam.vādʒ/	waves
انباری ١١	/ʔan.bā.ri/	cellar
اندام ٨	/ʔan.dām/	body
انرژی ٢٣	/ʔe.ner.ʒi/	energy
انعام دادن ٢٥	/ʔan.ʔām dā.dan/	to leave a tip
انگشت ٧	/ʔan.gɔːʃt/	finger
انگلستان ٢	/ʔen.ge.les.tān/	England
انگلیسی ٢	/ʔen.ge.li.si/	English
انگور ٢١	/ʔan.gur/	grape
انواع غذا ٢٥	/ʔan.vā.ʔ-e qa.zā/	types of food
اهلی ٢٩	/ʔah.li/	domestic
اوقات ٣	/ʔɔː.qāt/	time
اول ٤	/ʔav.val/	first
اولین ٤	/ʔav.va.lin/	very first
ایتالیا ٢	/ʔi.tā.li.jā/	Italy

معادل انگلیسی	تلفظ	واژه‌ها
Italian	/ʔi.tā.li.jā.ji/	ایتالیایی ۲
Iran	/ʔi.rān/	ایران ۲
Iranian	/ʔi.rā.ni/	ایرانی ۲
to stand	/ʔis.tā.dan/	ایستادن ۷
porch/balcony	/ʔej.vān/	ایوان ۱۱
mineral water	/ʔāb maʔ.da.ni/	آب معدنی ۲۵
weather	/ʔā.bɔː ha.vā/	آب و هوا ۲۷
lampshade	/ʔā.bā.ʒɔːr/	آباژور ۱۲
Aban (october-november)	/ʔā.bān/	آبان ٤
to boil	/ʔāb.paz kar.dan/	آبپز کردن ۲٤
waterfall	/ʔāb.ʃār/	آبشار ۲٦
lemon juice	/ʔāb.li.mu/	آبلیمو ۲۲
blue	/ʔā.bi/	آبی ۸، ۱۸
apartment	/ʔā.pār.te.mān/	آپارتمان ۱۱
fire	/ʔā.taʃ.su.zi/	آتش سوزی ۲۸
last	/ʔā.xar/	آخر ٤
the last	/ʔā.xa.rin/	آخرین ٤
email address	/ʔād.re.s-e ʔi.mejl/	آدرس ایمیل ٥
Azar (november-december)	/ʔā.zar/	آذر ٤
flour	/ʔārd/	آرد ۲۲
Argentina	/ʔār.ʒan.tin/	آرژانتین ۲
Argentinian	/ʔār.ʒan.ti.ni/	آرژانتینی ۲
elevator/lift	/ʔā.sān.sɔːr/	آسانسور ۱۱
long sleeve	/ʔās.ti.n bɔː.land/	آستین بلند ۱۹
short sleeve	/ʔās.ti.n ku.tah/	آستین کوتاه ۱۹
sleeve	/ʔās.tin/	آستین ۱۸
sky	/ʔā.se.mān/	آسمان ۲۷
to harm/to damage	/ʔā.sib re.sān.dan/	آسیب رساندن ۲۸
pottage	/ʔāʃ/	آش ۲۵
kitchen	/ʔāʃ.paz.xā.ne/	آشپزخانه ۱۱
cookery	/ʔāʃ.pa.zi/	آشپزی ۲٤
to cook	/ʔāʃ.pa.zi kar.dan/	آشپزی کردن ۲٤

معادل انگلیسی	تلفظ	واژه‌ها
sun	/ʔāftāb/	آفتاب ۲۷
sunny	/ʔāf.tā.bi/	آفتابی ۲۷
Africa	/ʔāf.ri.qa/	آفریقا ۲
African	/ʔāf.ri.qa.ji/	آفریقایی ۲
Germany	/ʔāl.mān/	آلمان ۲
German	/ʔāl.mā.ni/	آلمانی ۲
needle (medical)	/ʔām.pul/	آمپول ۲۰
United States of America	/ʔām.ri.ka/	آمریکا ۲
American	/ʔām.ri.ka.ji/	آمریکایی ۲
pineapple	/ʔā.nā.nās/	آناناس ۲۱
deer/doe	/ʔāhu/	آهو ۲۹
to sing	/ʔā.vāz xān.dan/	آواز خواندن ۳۰
hung	/ʔā.vi.zān/	آویزان ۱۲
to hang	/ʔā.vi.zān kar.dan/	آویزان کردن ۱٤
future	/ʔā.jan.de/	آینده ٤
mirror	/ʔā.je.ne/	آینه ۱٤
carefully	/bā deq.qat/	با دقت ۹
dad	/bā.bā/	بابا ٦
wind	/bād/	باد ۲۷
strong wind	/bā.d-e ʃa.did/	باد شدید ۲۷
rain	/bā.rān/	باران ۲۷
heavy rain	/bā.rā.n-e tɔːnd/	باران تند ۲۷
raincoat	/bā.rā.ni/	بارانی ۱۷
rainy	/bā.rā.ni/	بارانی ۲۷
raining	/bā.ri.dan/	باریدن ۲۷
to open	/bāz kar.dan/	باز کردن (در: شیر آب را باز می‌کند) ۱٤
to open	/bāz kar.dan/	باز کردن ۷، ۱۷
little garden/flowerbed	/bāq.tʃe/	باغچه ۱۱
knitting (clothe)	/bāf.ta.ni/	بافتنی ۱۸
broad bean rice with meat	/bā.qā.li.pɔː.lɔː bā guʃt/	باقالی پلو با گوشت ۲۵
wing	/bāl/	بال ۳۰

معادل انگلیسی	تلفظ	واژه‌ها
pillow	/bā.leʃ/	بالش ١٤
intelligent	/bā.huʃ/	باهوش ٩
excuse me	/be.bax.ʃid/	ببخشید ٣
child/kid	/batʃ.tʃe/	بچه ٦
to steam	/bɔː.xār.paz kar.dan/	بخارپز کردن ٢٤
bad	/bad/	بد ٩
ill-tempered	/bad ax.lāq/	بد اخلاق ٩
human body	/ba.da.n-e en.sān/	بدن انسان ٧
brother	/ba.rā.dar/	برادر ٦
to take	/bar.dāʃ.tan/	برداشتن ١٧
Brazilian	/be.re.zi.li/	برزیلی ٢
brush	/bɔː.res/	برس ١٤
snow	/barf/	برف ٢٧
heavy snow	/bar.f-e san.gin/	برف سنگین ٢٧
to return to	/be bar.gaʃ.tan/	برگشتن (به) ١٦
daily schedule	/bar.nā.me.-je ru.zā.ne/	برنامهٔ روزانه ١٦
to plan	/bar.nā.me.ri.zi kar.dan/	برنامه ریزی کردن ١٥
rice	/be.rendʒ/	برنج ٢٢
lamb	/bar.re/	بره ٢٩
to cut	/bɔː.ri.dan/	بریدن ٢٠
goat	/bɔːz/	بز ٢٩
big	/bɔː.zɔːrg/	بزرگ ١٩
kid (baby goat)	/bɔːz.qā.le/	بزغاله ٢٩
to close	/bas.tan/	بستن ٧، ١٤، ١٧
ice cream	/bas.ta.ni/	بستنی ٢٥
package/box	/bas.te/	بسته ٢٢
plate	/bɔːʃ.qāb/	بشقاب ٢٣
afternoon	/baʔd ʔaz zɔːhr/	بعد از ظهر ٣
tall	/bɔː.land/	بلند ٨
yes	/ba.le/	بله ١
blouse	/bɔː.luz/	بلوز ١٧
purple	/ba.nafʃ/	بنفش ١٨

معادل انگلیسی	تلفظ	واژه‌ها
to be born	/be dɔːn.jā ʔā.ma.dan/	به دنیا آمدن ٦
spring (season name)	/ba.hār/	بهار ٤
Bahman (January – February)	/bah.man/	بهمن ٤
to smell	/bu kar.dan/	بو کردن ٧
blond (fair hair)	/bur/	بور ٨
careless	/bi.deq.qat/	بی دقت ٩
tasteless	/bi.maz.ze/	بی مزه ٢٤
untidy	/bi.nazm/	بی نظم ٩
have a little or no salt	/bi.na.mak/	بی نمک ٢٤
expression of feelings	/ba.jā.n-e ʔeh.sā.sāt/	بیان احساسات ١٠
to go out of ...	/ʔaz bi.run raf.tan/	بیرون رفتن از ١٦
twenty	/bist/	بیست ٣
patient	/bi.mār/	بیمار ٢٠
disease	/bi.mā.ri/	بیماری ٢٠
nose	/bi.ni/	بینی ٧
roof	/pɔːʃ.t-e bām/	پُشتِ بام ١١
father	/pe.dar/	پدر ٥
foot	/pā/	پا ٧
cloth/ fabric	/pār.tʃe/	پارچه ١٨
last year	/pār.sāl/	پارسال ٤
parking	/pār.king/	پارکینگ ١١
packet/bag	/pā.kat/	پاکت ٢٢
overcoat	/pāl.tɔː/	پالتو ١٧
fifteen	/pānz.dah/	پانزده ٣
five hundred	/pān.sad/	پانصد ٣
capital city	/pāj.taxt/	پایتخت ٢
autumn/fall	/pā.jiz/	پاییز ٤
blanket	/pa.tu/	پتو ١٤
to cook	/pɔːx.t-ɔː paz/	پخت و پز ١٥
to cook	/pɔːx.tan/	پختن ١٣
baked	/pɔːx.te/	پخته ٢٥
father	/pe.dar/	پدر ٦

معادل انگلیسی	تلفظ	واژه‌ها
grandfather	/pe.dar.bɔː.zɔːrg/	پدربزرگ ٦
father in-law (for the man)	/pe.dar.zan/	پدرزن ٦
father in-law (for the woman)	/pe.dar.ʃɔː.har/	پدرشوهر ٦
natural phenomena	/pa.di.de.hā.-je ta.bi.ʔi/	پدیده های طبیعی ٢٦
to serve	/pa.zi.rā.ji kar.dan/	پذیرایی کردن ١٢
Portuguese	/pɔːr.te.qā.li/	پرتغالی ٢
orange	/pɔːr.te.qāl/	پرتقال ٢١
curtain	/par.de/	پرده ١٢
bold	/pɔːr.rang/	پررنگ ١٨
portion/serving	/pɔːrs/	پرس ٢٥
to ask	/pɔːr.si.dan/	پرسیدن ٥
to fill in/to fill out	/pɔːr kar.dan/	پرکردن ٥
birds	/pa.ran.de.gān/	پرندگان ٣٠
to try on (clothes)	/pɔː.rɔːv kar.dan/	پرو کردن ١٩
to fly	/par.vāz kar.dan/	پرواز کردن ٣٠
butterfly	/par.vā.ne/	پروانه ٣٠
to jump	/pa.ri.dan/	پریدن ٧
doctor	/pe.zeʃk/	پزشک / دکتر ٢٠
to return	/pas dā.dan/	پس دادن ١٩
to take back	/pas ge.ref.tan/	پس گرفتن ١٩
boy/son	/pe.sar/	پسر ٦
behind	/pɔːʃ.t-e/	پشتِ ١٢
woolen	/paʃ.mi/	پشمی ١٨
mosquito	/pa.ʃe/	پشه ٣٠
stair	/pel.le/	پلّه ١١
pullover	/pɔː.li.ver/	پلیور ١٧
ointment	/pɔː.mād/	پماد ٢٠
five	/pandʒ/	پنج ٣
Thursday	/pandʒ.ʃan.be/	پنج شنبه ٤
fifty	/pan.dʒāh/	پنجاه ٣
window	/pan.dʒa.re/	پنجره ١١
fifth	/pan.dʒɔːm/	پنجم ٤

معادل انگلیسی	تلفظ	واژه‌ها
cheese	/pa.nir/	پنیر ۲۲
to hang out (clothes)	/pahn kar.dan/	پهن کردن ۱۵
skin	/pust/	پوست ۸
to peel off	/pust kan.dan/	پوست کندن ۲٤
clothing/ clothes	/pu.ʃāk/	پوشاک ۱۷، ۱۸
to dress sb. In sth.	/pu.ʃan.dan/	پوشاندن ۱۷
to wear/ to put on/ to dress	/pu.ʃi.dan/	پوشیدن ۱۷
to get off	/pi.jā.de ʃɔː.dan/	پیاده شدن ۷
onion	/pi.jāz/	پیاز ۲۱
pizza	/pit.zā/	پیتزا ۲٥
dress	/pi.rā.han/	پیراهن ۱۷
shirt	/pi.rā.ha.n-e mar.dā.ne/	پیراهن مردانه ۱۷
appetizer	/piʃ.qa.zā/	پیش غذا ۲۳، ۲٥
to fold	/tā kar.dan/	تا کردن ۱٤
Summer	/tā.bes.tān/	تابستان ٤
drawing	/tāb.lɔː/	تابلو ۱۲، ۱٤
to shine	/tā.bi.dan/	تابیدن ۲۷
top	/tāp/	تاپ ۱۷
Tajik	/tā.dʒik/	تاجیک ۲
Tajikistan	/tā.dʒi.kes.tān/	تاجیکستان ۲
spider's web	/tār/	تار (در تارِ عنکبوت)
date	/tā.rix/	تاریخ ٤
date of birth	/tā.ri.x-e ta.val.lɔːd/	تاریخ تولد ٥
to supply	/taʔ.min kar.dan/	تامین کردن ۲۳
to have a fever	/tab dāʃ.tan/	تب داشتن ۲۰
bed	/taxt/	تخت ۱٤
to give discount	/tax.fif dā.dan/	تخفیف دادن ۱۹
to get discount	/tax.fif ge.ref.tan/	تخفیف گرفتن ۱۹
to lay eggs	/tɔːxm gɔː.zāʃ.tan/	تخم گذاشتن ۳۰
egg	/tɔːx.m-e mɔːrq/	تخم مرغ ۲۲
cooked egg	/tɔːx.m-e mɔːr.q-e ʔāb.paz/	تخم مرغ آب پز ۲۳
scale	/ta.rā.zu/	ترازو ۲۱

واژه‌ها	تلفظ	معادل انگلیسی
ترتیبی ٤	/tar.ti.bi/	ordinal
ترسو ٩	/tar.su/	coward
ترش ٢٤	/tɔːrʃ/	sour
ترک ٢	/tɔːrk/	Turk
ترکی ٢	/tɔːr.ki/	Turkish
ترکیه ٢	/tɔːr.ki.je/	Turkey
تشک ١٤	/tɔː.ʃak/	mattress
تشنه ١٠	/teʃ.ne/	thirsty
تشنه ٢٣	/teʃ.ne/	thirsty
تعطیل ٤	/taʔ.til/	holiday/day off
تعویض کردن ١٩	/taʔ.viz kar.dan/	to exchange
تغذیه کردن ٣٠	/taq.zi.je kar.dan/	to feed
تغییر کردن ٢٧	taq.jir kar.dan/	to change
تقویم ٤	/taq.vim/	calendar
تک فرزند ٦	/tak.far.zand/	single child
تلخ ٢٤	/talx/	bitter
تلفن ثابت ٥	/te.le.fɔː.n-e sā.bet/	phone
تلفن همراه ٥	/te.le.fɔː.n-e ham.rāh/	cell phone/mobile phone
تلویزیون ١٢	/te.le.vi.zi.jɔːn/	television
تماشا کردن ١٦	/ta.mā.ʃā kar.dan/	to watch
تمیز ١٥	/ta.miz/	clean
تن ماهی ٢٢	/tɔː.n-e mā.hi/	tuna fish
تنبل ٩	/tan.bal/	lazy
تند (مزه) ٢٤	/tɔːnd/	hot/pungent
تنگ ١٩	/tang/	tight
تنیدن (در تار تنیدن) ٣٠	/ta.ni.dan/	to spin
تو ١	/tɔː/	you
توالت ایرانی ١٤	/tu.ʔā.le.t-e ʔi.rā.ni/	Iranian toilet
توالت فرنگی ١٤	/tɔː.vā.le.t-e fa.ran.gi/	toilet
توت فرنگی ٢١	/tut.fa.ran.gi/	strawberry
توری ١٨	/tu.ri/	lace (cloth)
توصیف لباس ١٩	/tɔː.si.f-e le.bās/	clothes description

واژه‌ها	تلفظ	معادل انگلیسی
توفان ۲۷، ۲۸	/tu.fān/	storm
توله ۲۹	/tu.le/	young of certain animals (a pup, a puppy, cub...)
تولید کردن ۳۰	/tɔː.lid kar.dan/	to produce
تونس ۲	/tu.nes/	Tunisia
تونسی ۲	/tu.ne.si/	Tunisian
تیر ٤	/tir/	Tir (june-july)
تیره ۸	/ti.re/	dark
ثبت نام ٥	/sab.t-e nām/	registration/enrollment
جارو ١٥	/dʒā.ru/	sweep
جارو برقی ١٥	/dʒā.ru.bar.qi/	vacuum cleaner
جارو کردن ١٥	/dʒā.ru kar.dan/	to vacuum/to sweep
جاری شدن ۲۸	/dʒā.ri ʃɔː.dan/	to stream/to flow
جدا شدن (در: از کسی جدا شدن) ٦	/ʔaz ka.si dʒɔː.dā ʃɔː.dan/	to be separated from someone
جزیره ۲٦	/dʒa.zi.re/	island
جعبه ۲۱	/dʒaʔ.be/	box
جفت ۱۷	/dʒɔːft/	a pair of ...
جلویِ ۱۲	/dʒe.lɔː.-je/	in front of
جمعه ٤	/dʒɔːm.ʔe/	Friday
جنس ۱۸	/dʒens/	material
جنسیت ٥	/dʒen.si.jāt/	gender/sex
جنگل ۲٦	/dʒan.gal/	jungle
جوان ٦	/dʒa.vān/	young
جوجه ۲۹	/dʒu.dʒe/	chicken/chick
جوجه کباب ۲٥	/dʒu.dʒe.ka.bāb/	chicken kebab
جوراب ۱۷	/dʒu.rāb/	socks
جوراب شلواری ۱۷	/dʒu.rāb ʃal.vā.ri/	panty hose
جوشاندن ۲٤	/dʒu.ʃan.dan/	to boil
جیب ۱۸	/dʒib/	pocket
جین ۱۷	/dʒin/	jeans
چادر ۱۷	/tʃā.dɔːr/	Chador
چاشنی ۲٤	/tʃāʃ.ni/	seasoning

معادل انگلیسی	تلفظ	واژه‌ها
fat	/tʃāq/	چاق ۸
knife	/tʃā.qu/	چاقو ۱۳، ۲۳
to bargain	/tʃā.ne za.dan/	چانه زدن ۱۹
tea	/tʃāj/	چای ۲۲، ۲۵
umbrella	/tʃatr/	چتر ۱۷
night lamp	/tʃe.rāq xāb/	چراغ خواب ۱۴
sewing machine	/tʃar.x-e xaj.jā.ti/	چرخ خیاطی ۱۸
leather (adj)	/tʃar.mi/	چرمی ۱۸
wrinkled	/tʃɔː.ruk/	چروک ۱۵
eye	/tʃeʃm/	چشم ۷
fountain	/tʃeʃ.me/	چشمه ۲۶
boot	/tʃak.me/	چکمه ۱۷
kebab with rice	/tʃe.lɔː.ka.bāb/	چلوکباب ۲۵
how old are you?	/tʃand sāl dā.rid/	چند سال دارید؟ ۵
what date	/tʃan.dɔːm/	چندم؟ ٤
fork	/tʃan.gāl/	چنگال ۲۳
what has happened to you?	/tʃe ʔet.te.fā.qi ba.rā.jat ʔɔːf.tā.de ʔast/	چه اتفاقی برایت افتاده است؟ (چه اتفاقی برات افتاده؟) ۲۰
what's wrong?/ What has happened?	/tʃe ʃɔː.deh ʔast (tʃi ʃɔː.de)/	چه شده است! (چی شده!) ۲۰
four	/tʃā.hār/	چهار ۳
checkered	/tʃā.hār.xā.ne/	چهارخانه ۱۸
fourteen	/tʃā.hār.dah/	چهارده ۳
Wednesday	/tʃā.hār.ʃan.be/	چهارشنبه ٤
forth	/tʃā.hār.rɔː.min/	چهارمین ٤
forty	/tʃe.hel/	چهل ۳
to set/to arrange things	/tʃi.dan/	چیدن (به معنی مرتب کنار هم قرار دادن) ۱۳
how are you?	/hā.l-et ʃɔː.mā tʃe.tɔːr ʔast/(hā.let tʃe.rɔ ː.re)	حال شما چطور است؟(حالت چطوره؟) ۱
are you good/ok?	/hɑ .let xu.b-e/	حالت خوبه؟ ۱
hair type	/hā.la.t-e mu/	حالت مو ۸

معادل انگلیسی	تلفظ	واژه‌ها
sale	/ha.rādʒ/	حراج ۱۹
to pay	/he.sāb kar.dan/	حساب کردن ۲۵
insects	/ha.ʃa.rāt/	حشرات ۳۰
bath	/ham.mām/	حمام ۱۱
to take a bath	/ham.mām kar.dan/	حمام کردن ١٤
to carry	/haml kar.dan/	حمل کردن ۷
to attack	/ha.mle kar.dan/	حمله کردن ۲۹
natural disasters	/ha.vā.de.s-e ta.bi.ʔi/	حوادث طبیعی ۲۸
towel	/hɔː.le/	حوله ١٤
yard	/ha.jāt/	حیاط ۱۱
animals	/hej.vā.nāt/	حیوانات ۲۹
outside	/xā.redʒ/	خارج ۱۱
soil	/xāk/	خاک ٢٦
dotted	/xāl.dār/	خال دار ۱۸
aunt (sister of mother)	/xā.le/	خاله ٦
raw	/xām/	خام ۲۵
cream	/xā.me/	خامه ۲۲
off	/xā.muʃ/	خاموش ۱۲
home	/xā.ne/	خانه ۱۱
housewife	/xā.ne.dār/	خانه دار ۱۵
family	/xā.ne.vā.de/	خانواده ٦
to feel ashamed	/xe.dʒā.lat ke.ʃi.dan/	خجالت کشیدن ۱۰
shy	/xe.jā.la.ti/	خجالتی ۹
goodbye	/xɔː.dɑ hɑ .fez/	خداحافظ ۱
goodbye	/xɔː.dɑ ne.gah.dɑ r/	خدانگهدار ۱
rotten	/xa.rāb/	خراب ۲۱
to ruin	/xa.rab kar.dan/	خراب کردن ۲۸
to dice/to chop	/xɔːrd kar.dan/	خرد کردن ٢٤
Khordad (may-june)	/xɔːr.dād/	خرداد ٤
rooster	/xɔː.rus/	خروس ۲۹
shopping	/xa.rid/	خرید ۱۹
to buy	/xa.ri.dan/	خریدن ۱۱

معادل انگلیسی	تلفظ	واژه‌ها
tired	/xas.te/	خسته ١٠
dry	/xɔːʃk/	خشک ١٥، ٢٦
to dry	/xɔːʃk ʃɔː.dan/	خشک شدن ٢٨
to dry	/xɔːʃk kar.dan/	خشک کردن ١٤، ١٥
drought	/xɔːʃk.sā.li/	خشکسالی ٢٨
personal characteristics	/xɔː.su.si.jā.t-e ʃax.si.ja.ti/	خصوصیات شخصیتی ٩
danger	/xa.tar/	خطر ٢٨
dangerous	/xa.tar.nāk/	خطرناک ٢٨
gulf	/xa.lij/	خلیج ٢٦
to yawn	/xam.jā.ze ke.ʃi.dan/	خمیازه کشیدن ١٠
toothpaste	/xa.mir dan.dān/	خمیر دندان ١٤
to laugh	/xan.di.dan/	خندیدن ١٠
cool	/xɔː.nak/	خنک ٢٧
to sleep	/xā.bi.dan/	خوابیدن ١٦
to propose marriage to (sb.)	/xas.te.ga.ri kar.dan/	خواستگاری کردن ٦
sister	/xā.har/	خواهر ٦
you're welcome	/xā.heʃ mi.kɔː.nam/	خواهش می‌کنم ٣
are you well?	/xub has.tid/	خوب هستید؟ ١
I'm fine.	/xu.bam/	خوبم (به معنی حال من خوب است.) ١
are you well?	/xu.bi/	خوبی؟ ١
self	/xɔːd/	خود ٢
to eat	/xɔːr.dan/	خوردن ١٠، ١٦
Fesenjan stew (made of pomegranate paste, walnut and chicken)	/xɔː.reʃ.t-e fe.sen.dʒān/	خورشت فسنجان ٢٥
Qormeh sabzi stew (made of herbs, bean and meat)	/xɔː.reʃ.t-e qɔːr.me.sab.zi/	خورشت قرمه سبزی ٢٥
Qeymeh stew (made of tomato paste, split peas and meat)	/xɔː.reʃ.t-e qej.me/	خورشت قیمه ٢٥
sun	/xɔːr.ʃid/	خورشید ٢٧
good tempered	/xɔːʃ ʔax.lāq/	خوش اخلاق ٩
delicious/tasty	/xɔːʃ.maz.ze/	خوش مزه ٢٤
happy	/xɔːʃ.hāl/	خوشحال ١٠

معادل انگلیسی	تلفظ	واژه‌ها
it's a pleasure. (nice to meet you)	/xɔːʃ.vaq.tam/	خوش‌وقتم.۱
to bleed	/xun ʔā.ma.dan/	خون آمدن ۲۰
cucumber	/xi.jār/	خیار۲۱
tailor	/xaj.jāt/	خیاط ۱۸
to sew	/xaj.jā.ti kar.dan/	خیاطی کردن ۱۸
wet	/xis/	خیس ۱۵
very	/xej.li/	خیلی ۱
inside	/dā.xel/	داخل ۱۱
medication	/dā.ru/	دارو ۲۰
pharmacy	/dā.ru.xā.ne/	داروخانه ۲۰
to have	/dāʃ.tan/	داشتن ۵
skirt	/dā.man/	دامن ۱۷
mountain slope	/dā.ma.ne/	دامنه (= دامنهٔ کوه) ۲۶
wise	/dā.nā/	دانا ۹
seed	/dā.ne/	دانه ۳۰
uncle (brother of mother)	/dā.ji/	دایی ٦
girl/daughter	/dɔːx.tar/	دختر٦
door	/dar/	در۱۱
in	/dar/ /tu/ /dā.xel/	در/ تو/داخل ۱۲
to lie down	/de.rāz ke.ʃi.dan/	دراز کشیدن ۷
to undress	/dar.ʔā.var.dan/	درآوردن ۱۷
tree	/de.raxt/	درخت ۳۰
trees	/de.rax.tān/	درختان ٢٦
to ache	/dard kar.dan/	درد کردن ۲۰
treatment/therapy	/dar.mān/	درمان ۲۰
valley	/dar.re/	دره ٢٦
sea	/dar.jā/	دریا ٢٦
lake	/dar.jā.tʃe/	دریاچه ٢٦
to tear	/da.ri.dan/	دریدن ۲۹
December	/de.sāmbr/	دسامبر٤
hand	/dast/	دست ۷
to shake hands	/dast dā.dan/	دست دادن ۱

معادل انگلیسی	تلفظ	واژه‌ها
glove	/dast.keʃ/	دستکش ۱۵، ۱۷
handkerchief	/dast.māl/	دستمال ۱۵
dessert	/de.ser/	دسر ۲۳، ۲۵
field/plain	/daʃt/	دشت ٢٦
minute	/da.qi.qe/	دقیقه ۳
button	/dɔːk.me/	دکمه ۱۸
to be worried	/del.vā.pas bu.dan/	دلواپس بودن ۱۰
to brew	/dam kar.dan/	دم کردن ۱۳، ٢٤
tooth	/dan.dān/	دندان ۷
ten	/dah/	ده ۳
mouth	/da.hān/	دهان ۷
mouthwash	/da.hān.ʃu.je/	دهان شویه ١٤
two	/dɔː/	دو ۳
twelve	/da.vāz.dah/	دوازده ۳
to sew up	/dux.tan/	دوختن ۱۸
lovely	/dust dāʃ.ta.ni/	دوست داشتنی ۹
friendly	/dus.tā.ne/	دوستانه ۱
shower	/duʃ/	دوش ١٤
to take a shower	/duʃ ge.ref.tan/	دوش گرفتن ١٦
Monday	/dɔː.ʃan.be/	دوشنبه ٤
yogurt drink	/duq/	دوغ ۲۵
to run	/da.vi.dan/	دویدن ۷
two hundred	/de.vist/	دویست ۳
dey (december-january)	/dej/	دی ٤
to see	/di.dan/	دیدن ۷
yesterday	/di.ruz/	دیروز ٤
last night	/di.ʃab/	دیشب ٤
wall	/di.vār/	دیوار ۱۱
stairway/staircase	/rāh.pel.le/	راه پله ۱۱
striped	/rāh.rāh/	راه راه ۱۸
to walk	/rāh raf.tan/	راه رفتن ۷
paste	/rɔːb/	رب ٢٤

معادل انگلیسی	تلفظ	واژه‌ها
quarter	/rɔːbʔ/	ربع ۳
diet	/re.ʒi.m-e qa.zā.ji/	رژیم غذایی ۲۳
restaurant	/res.tu.rān/	رستوران ۲۵
traditional restaurant	/res.tu.rā.n-e sɔːn.na.ti/	رستوران سنتی ۲۵
formal	/ras.mi/	رسمی ۱، ۲۹
to handle	/re.si.de.gi kar.dan/	رسیدگی کردن ۱۵
to arrive	/be re.si.dan/	رسیدن (به) ١٦
ripe	/re.si.de/	رسیده ۲۱
to grow	/rɔːʃd kar.dan/	رشد کردن ۳۰
thunder and lightning	/raʔ.dɔː barq/	رعد و برق ۲۷
to thunder	/raʔ.dɔː barq za.dan/	رعد و برق زدن ۲۷
grater	/ran.de/	رنده ۱۳
to grate	/ran.de kar.dan/	رنده کردن ٢٤
color	/rang/	رنگ ۸، ۱۸
fox	/ru.bāh/	روباه ۲۹
counterpane	/ru.tax.ti/	روتختی ١٤
river	/rud/	رود ٢٦
river bed	/rud.xā.ne/	رودخانه ٢٦
day	/ruz/	روز ٤
Russian	/rus/	روس ۲
scarf (hijaab)	/ru.sa.ri/	روسری ۱۷
Russian	/ru.si/	روسی ۲
Russia	/ru.si.je/	روسیه ۲
on	/rɔː.ʃan/	روشن ۱۲
light	/rɔː.ʃan/	روشن ۸
wash basin/ sink	/ru.ʃu.ji/	روشویی ١٤
oil	/rɔː.qan/	روغن ۲۲
on (preposition)	/ru.-je/	رویِ ۱۲
to strew/to pour	/rix.tan/	ریختن ۱۳
beard	/riʃ/	ریش ۷
language	/za.bān/	زبان ۲
tongue	/za.bān/	زبان ۷

معادل انگلیسی	تلفظ	واژه‌ها
yellow	/zard/	زرد ۱۸
apricot	/zar.dā.lu/	زردآلو ۲۱
barberry rice with chicken	/ze.reʃk.pɔː.lɔː/	زرشک پلو با مرغ ۲۵
saffron	/zaʔ.fe.rān/	زعفران ۲٤
earthquake	/zel.ze.le/	زلزله ۲۸
winter	/ze.mes.tān/	زمستان ٤
to fall down	/za.min xɔːr.dan/	زمین خوردن ۷
earthquake	/za.min lar.ze/	زمین لرزه ۲۸
woman/female	/zan/	زن ٥
wife	/zan/	زن ٦
bee	/zan.bur/	زنبور ۳۰
beautiful	/zi.bā/	زیبا ۸
zipper	/zip/	زیپ ۱۸
under	/zi.r-e/	زیرِ ۱۲
underground	/zir.za.min/	زیرزمین ۱۱
Japan	/ʒa.pɔːn/	ژاپن ۲
Japanese	/ʒa.pɔː.ni/	ژاپنی ۲
sweater	/ʒa.kat/	ژاکت ۱۷
jelly	/ʒe.le/	ژله ۲٥
beach/coast	/sā.hel/	ساحل ۲٦
building (n)	/sāx.te.mān/	ساختمان ۱۱
solid	/sā.de/	ساده ۱۸
watch	/sā.ʔat/	ساعت ۱۷
hour	/sā.ʔat/	ساعت ۳
what time is it?	/sā.ʔat tʃande/	ساعت چنده؟ ۳
resident	/sā.ken/	ساکن ۱۱
year	/sāl/	سال ٤
salad	/sāl.ād/	سالاد ۲٥
sandwich	/sān.de.vitʃ/	ساندویچ ۲٥
size	/sājz/	سایز ۱۹
basket	/sa.bad/	سبد ۲۱
green	/sabz/	سبز ۸، ۱۸

معادل انگلیسی	تلفظ	واژه‌ها
herbs	/sab.zi/	سبزی ۲۱
herb rice with fish	/sab.zi.pɔː.lɔː/	سبزی پلو با ماهی ۲۵
green grocery (selling herbs)	/sab.zi fɔː.ru.ʃi/	سبزی فروشی ۲۱
vegetables	/sab.zi.dʒāt/	سبزیجات ۲۱
moustache	/se.bil/	سبیل ۷
hard working	/saxt.kuʃ/	سخت کوش ۹
talking (talking parrot)	/sɔː.xan.gu/	سخنگو (در طوطی سخنگو) ۳۰
head	/sar/	سر ۷
to fry	/sɔːrx kar.dan/	سرخ کردن ۲٤
cold	/sard/	سرد ۲۷
I am cold	/sar.dam ʔast (sar.da.me)/	سردم است.(سردمه) ۱۰
to flow over	/sar.raf.ta.n-e qa.zā/	سررفتن (غذا) ۲٤
green	/sar.sabz/	سرسبز ۲٦
to cough	/sɔːr.fe kar.dan/	سرفه کردن ۲۰
coldness	/sar.mā/	سرما ۲۷
to catch a cold	/sar.mā xɔːr.dan/	سرما خوردن ۲۰
navy blue	/sɔːr.me.ʔi/	سرمه ای ۱۸
W.C.	/ser.vi.s-e beh.dāʃ.ti/	سرویس بهداشتی ۱۱
bucket/container	/satl/	سطل ۲۲
dustbin/ trash bin/ garbage can	/sat.l-e zɔː.bā.le/	سطل زباله ۱۵
to order	/se.fā.reʃ dā.dan/	سفارش دادن ۲۵
traditional restaurant	/sɔːf.re.xā.ne/	سفره خانه ۲۵
white	/se.fid/	سفید ۸، ۱۸
ceiling	/saqf/	سقف ۱۲
dog	/sag/	سگ ۲۹
hello/hi	/sa.lām/	سلام ۱
health	/sa.lā.ma.ti/	سلامتی ۲۰، ۲۳
age	/sen/	سن ۵
traditional	/sɔːn.na.ti/	سنتی ۲۵
stone	/sang/	سنگ ۲٦
three	/se/	سه ۳

واژه‌ها	تلفظ	معادل انگلیسی
سه شنبه ٤	/se.ʃan.be/	Tuesday
سواحل ٢٦	/sa.vā.hel/	beaches/coasts
سواحیلی ٢	/sa.vā.hi.li/	Swahili
سوار شدن ٧	/sa.vār ʃɔː.dan/	to get on
سواری کردن ٢٩	/sa.vā.ri kar.dan/	to ride
سوپ ٢٥	/sup/	soup
سوختن ٢٠، ٢٤، ٢٨	/sux.tan/	to burn
سوری ٢	/su.ri/	Syrian
سوریه٢	/su.ri.je/	Syria
سوزن ١٨	/su.zan/	needle
سوسیس ٢٢	/sɔː.sis/	sausage
سومین ٤	/sev.vɔː.min/	third
سونامی ٢٨	/su.nā.mi/	tsunami
سی ٣	/si/	thirty
سی‌اُم ٤	/si.jɔːm/	thirtieth
سیاه ١٨	/si.jāh/	black
سیب ٢١	/sib/	apple
سیب زمینی ٢١	/sib.za.mi.ni/	potato
سیب زمینی سرخ کرده ٢٤	/sib.za.mi.ni.-je sɔːrx.kar.de/	french fries
سیر ٢١	/sir/	garlic
سیزده ٣	/siz.dah/	thirteen
سیل ٢٨	/sejl/	flood
سینک ظرفشویی ١٣	/sin.k-e zarf.ʃu.ji/	sink
شال گردن ١٧	/ʃāl gar.dan/	scarf
شام ٢٣	/ʃām/	dinner
شامپو ١٤	/ʃam.pu/	shampoo
شانزده ٣	/ʃanz.dah/	sixteen
شانه (در شانهٔ تخم مرغ) ٢٢	/ʃa.ne/	egg carton
شانه ١٤	/ʃā.ne/	comb
شانه کردن ١٦	/ʃā.ne kar.dan/	to comb/ to brush
شب ٣	/ʃab/	night
شبانه روز ٣	/ʃa.bā.ne.ruz/	a day/day and night

معادل انگلیسی	تلفظ	واژه‌ها
to be similar	/ʃa.bih bu.dan/	شبیه بودن ۹
brave	/ʃɔː.dʒāʔ/	شجاع ۹
syrup	/ʃar.bat/	شربت ۲۰
sorry	/ʃar.man.de/	شرمنده ۱۰
to wash	/ʃɔːs.tan/	شستن ۱۳
to wash	/ʃɔːs.tan/	شستن ۱۶، ۲٤
six	/ʃeʃ/	شش ۳
sixty	/ʃast/	شصت ۳
occupation/job	/ʃɔːql/	شغل ٥
what is your job?/ what do you do?	/ʃɔːq.l-e ʃɔː.mā tʃist (tʃi.je)/	شغل شما چیست (چیه)؟ ٥
hunt	/ʃe.kār/	شکار ۲۹
to hunt	/ʃe.kār kar.dan/	شکار کردن ۲۹
sugar	/ʃe.kar/	شکر ۲۲
sugar sprinkler	/ʃe.kar.pāʃ/	شکرپاش ۲۳
to break	/ʃe.kas.tan/	شکستن ۲۰
stomach	/ʃe.kam/	شکم ۷
trousers/ pants	/ʃal.vār/	شلوار ۱۷
you	/ʃɔː.mā/	شما ۱
where are you from?	/ʃɔː.mā ʔah.le kɔː.dʒā has.tid/	شما اهل کجا هستید؟ ٥
where are you from?	/ʃɔː.mā kɔː.dʒā.ji has.tid/	شما کجایی هستید؟ ۲
are you married?	/ʃɔː.mā mɔː.te.ʔah.he.lid/	شما متأهلید؟ ٥
you too	/ʃɔː.mā ham ha.min.tɔːr/	شما هم همین‌طور ۱
shoe size	/ʃɔː.mā.re-je kafʃ/	شماره کفش ۱۹
Saturday	/ʃan.be/	شنبه ٤
to hear	/ʃe.ni.dan/	شنیدن ۷
Shahrivar (august-september)	/ʃah.ri.var/	شهریور ٤
salty	/ʃur/	شور ۲٤
husband	/ʃɔː.har/	شوهر ٦
milk	/ʃir/	شیر ۲۲
lion	/ʃir/	شیر ۲۹
tap	/ʃi.r-e ʔāb/	شیرآب ١٤
sweet	/ʃi.rin/	شیرین ۲٤

معادل انگلیسی	تلفظ	واژه‌ها
sweet/pastry	/ʃi.ri.ni/	شیرینی ۲۵
bottle (of lemon juice)/ jar (of jam)	/ʃi.ʃe/	شیشه (در یک شیشه آبلیمو یا مربا) ۲۲
soap	/sā.bun/	صابون ۱۴
owner	/sā.heb/	صاحب ۱۱
landlord	/sā.heb xā.ne/	صاحب خانه ۱۱
smooth	/sāf/	صاف ۱۵
clear/sunny	/sāf/	صاف (درآسمان صاف) ۲۷
straight	/sāf/	صاف ۸
morning	/sɔ:bh/	صبح ۳
good morning	/sɔ:bh be xejr/	صبح به خیر ۱
break fast	/sɔ:b.hā.ne/	صبحانه ۲۳
patient	/sa.bur/	صبور ۹
to speak/to talk	/sɔ:h.bat kar.dan/	صحبت کردن ۲
one hundred	/sad/	صد ۳
zero	/sefr/	صفر ۳
chair	/san.da.li/	صندلی ۱۲
bill	/su.rat he.sāb/	صورت حساب ۲۵
pink	/su.ra.ti/	صورتی ۱۸
ground floor	/ta.ba.qe.-je ham.kaf/	طبقهٔ همکف ۱۱
floor	/ta.ba.qe/	طبقه ۱۱
pattern	/tarh/	طرح ۱۸
recipe	/tar.z-e ta.hi.je/	طرز تهیه ۲۴
flavor	/taʔm/	طعم ۲۴
to get a divorce	/ta.lāq ge.ref.tan/	طلاق گرفتن ۶
parrot	/tu.ti/	طوطی ۳۰
noon	/zɔ:hr/	ظهر ۳
impatient	/ʔa.dʒul/	عجول ۹
Iraq	/ʔa.rāq/	عراق ۲
Iraqi	/ʔa.rā.qi/	عراقی ۲
Arabic	/ʔa.ra.bi/	عربی ۲
to sweat	/ʔa.raq ka.rdan/	عرق کردن ۲۷

معادل انگلیسی	تلفظ	واژه‌ها
honey	/ʔa.sal/	عسل ۲۳
angry	/ʔa.sa.bā.ni/	عصبانی ۱۰
evening	/ʔasr/	عصر ۳
evening meal	/ʔas.rā.ne/	عصرانه ۲۳
to sneeze	/ʔat.se kar.dan/	عطسه کردن ۲۰
eagle	/ʔɔː.gāb/	عقاب ۳۰
aunt (sister of father)	/ʔam.me/	عمه ٦
uncle (brother of father)	/ʔa.mu/	عمو ٦
spider	/ʔan.ka.but/	عنکبوت ۳۰
to change	/ʔa.vaz kar.dan/	عوض کردن ۱۹
glasses	/ʔej.nak/	عینک ۱۷
to wear glasses	/za.dan/	عینک زدن ۱۷
to cook food	/qa.zā pɔːx.tan/	غذا پختن ٢٤
to make food/prepare a meal	/qa.zā dɔː.rɔːst kar.dan/	غذا درست کردن ٢٤
main course	/qa.zā.-je ʔas.li/	غذای اصلی ۲۳، ۲۵
informal	/qej.re ras.mi/	غیر رسمی ۱
tomorrow	/far.dā/	فَردا ٤
relatives	/fā.mil/	فامیل ٦
oven	/fer/	فر ۱۳
curly	/fer/	فر ۸
France	/fa.rān.se/	فرانسه ۲
French	/fa.rān.sa.vi/	فرانسوی ۲
processed meat products	/fa.rā.var.de.hā.-je guʃ.ti/	فراورده های گوشتی ۲۲
tomorrow night	/far.dā ʃab/	فردا شب ٤
child	/far.zand/	فرزند ٦
carpet	/farʃ/	فرش ۱۲
frizzy	/fer.fe.ri/	فرفری ۸
to differ	/farq dāʃ.tan/	فرق داشتن ۹
form	/fɔːrm/	فرم ٥
to sell	/fɔː.rux.tan/	فروختن ۱۱
Farvardin (march-april)	/far.var.din/	فروردین ٤
store	/fɔː.ruʃ.gāh/	فروشگاه ۲۲

واژه‌ها	تلفظ	معادل انگلیسی
فریاد کشیدن ۱۰	/far.jād ke.ʃi.dan/	to shout
فریزر ۱۳	/fe.ri.zer/	freezer
فست فود ۲۵	/fast.fud/	fast food
فصل ٤	/fasl/	season
فلفل ۲۲	/fel.fel/	pepper
فنجان ۲۳	/fen.dʒān/	cup
فیل ۲۹	/fil/	elephant
قابلمه ۱۳	/qāb.la.me/	pot
قاره ۲	/qār.re/	Continent
قاشق ۲۳	/qā.ʃɔːq/	spoon
قالب (در یک قالب پنیر) ۲۲	/qā.leb/	mold
قد ۸	/qad/	height
قرار دادن ۲	/qa.rār dā.dan/	to put
قرآن خواندن ١٦	/qɔːr.ʔān xān.dan/	to read Quran
قرص ۲۰	/qɔːrs/	pill
قرمز ۱۸	/qer.mez/	red
قطره ۲۰	/qat.re/	drop
قله ٢٦	/qɔːl.le/	peak
قند ۲۲	/qand/	sugar cube
قندان ۲۳	/qan.dān/	sugar cube bowl
قهوه ۲۳، ۲٥	/qah.ve/	coffee
قهوه ای ۸	/qah.ve.ʔi/	brown
قوری ۱۳، ۲۳	/qu.ri/	teapot
قوطی ۲۲	/qu.ti/	can
قیچی ۱۸	/qej.tʃi/	scissors
قیمت ۲۱	/qej.mat/	price
کابینت ۱۳	/kā.bi.net/	cabinet
کاپشن ۱۷	/kāp.ʃan/	jacket
کار انجام دادن ١٥	/kār ʔan.dʒām dā.dan/	to do (sth)
کارهای روزانه ١٦	/kār.hā.-je ru.zā.ne/	daily routines
کافی شاپ ۲٥	/kā.fi.ʃāp/	coffee shop/café
کال ۲۱	/kāl/	unripe

واژه‌ها	تلفظ	معادل انگلیسی
کالباس ۲۲	/kāl.bās/	sausage
کاناپه ۱۲	/kā.nā.pe/	sofa
کانادا ۲	/kā.nā.dā/	Canada
کانادایی ۲	/kā.nā.dā.ji/	Canadian
کاهو ۲۱	/kā.hu/	lettuce
کباب کردن ۲۴	/ka.bāb kar.dan/	to barbecue
کبوتر ۳۰	/ka.bu.tar/	pigeon
کپسول ۲۰	/kap.sul/	capsule
کت شلوار ۱۷	/kɔːt ʃal.vār/	suit
کتابخانه ۱۲	/ke.tāb.xā.ne/	library
کتری ۱۳	/ket.ri/	kettle
کثیف ۱۵	/ka.sif/	dirty
کد پستی ۵	/kɔː.d-e pɔːs.ti/	zip code
کرهٔ زمین ۲۶	/za.min/	the Earth
کره ۲	/kɔː.re/	Korea
کره ۲۲	/ka.re/	butter
کره اسب ۲۹	/kɔːr.re ʔasb/	colt
کره الاغ ۲۹	/kɔːr.re ʔɔː.lāq/	donkey foal
کره‌ای ۲	/kɔː.re.ʔi/	Korean
کشو ۱۴	/ke.ʃɔː/	drawer
کشور ۲	/keʃ.var/	country
کشیدن ۷، ۱۲	/ke.ʃi.dan/	to pull
کف ۱۲	/kaf/	floor
کفش ۱۷	/kafʃ/	shoes
کفگیر ۱۳	/kaf.gir/	spatula
کلاغ ۳۰	/ka.lāq/	crow
کلاه ۱۷	/kɔː.lāh/	hat
کلمبیا ۲	/kɔː.lɔːm.bi.ja/	Columbia
کلمبیایی ۲	/kɔː.lɔːm.bi.ja.ji/	Columbian
کم رنگ ۱۸	/kam.rang/	light blue
کم هوش ۹	/kam.huʃ/	unclever
کمد ۱۴	/kɔː.mɔːd/	closer

واژه‌ها	تلفظ	معادل انگلیسی
کمر ۷	/ka.mar/	waist
کمربند ۱۷	/ka.mar.band/	belt
کنارِ ۱۲	/ke.nā.r-e/	next to/near
کنارزدن ۱۲	/ke.nār za.dan/	to pull over
کهنه ۱۹	/kɔːh.ne/	old
کوبا ۲	/ku.bā/	Cuba
کوبایی ۲	/ku.bā.ji/	Cuban
کوتاه ۸	/ku.tāh/	short
کوچک ۱۹	/ku.tʃak/	small
کوه ۲۶	/kuh/	mount
کوهستان ۲۶	/ku.hes.tān/	mountain
کویر ۲۶	/ka.vir/	desert
کیسه زباله ۱۵	/ki.se.j-e zɔː.bā.le/	trash bag/ garbage bag
کیف ۱۷	/kif/	bag
کیک ۲۵	/kejk/	cake
گاری ۲۹	/gā.ri/	cart
گاز گرفتن ۲۹	/gāz ge.ref.tan/	to bite
گاو ۲۹	/gāv/	cow
گذاشتن (در کلاه به سر گذاشتن) ۱۷	/gɔː.zāʃ.tan/	to put on (a hat)
گذاشتن ۱۲	/gɔː.zāʃ.tan/	to put
گران ۱۹	/ge.rān/	expensive
گربه ۲۹	/gɔːr.be/	cat
گردباد ۲۸	/gerd.bād/	tornado
گردگیری کردن ۱۵	/gard.gi.ri kar.dan/	to dust
گردن ۷	/gar.dan/	neck
گردو ۲۳	/ger.du/	walnut
گرسنه ۱۰، ۲۳	/gɔː.rɔːs.ne/	hungry
گرگ ۲۹	/gɔːrg/	wolf
گرم ۲۷	/garm/	warm
گرما ۲۷	/gar.mā/	heat
گرمم است. (گرممه) ۱۰	/gar.mam ʔast (gar.ma.me)/	I am hot.

معادل انگلیسی	تلفظ	واژه‌ها
to tie	/ge.reh za.dan/	گره زدن ۱۵
to cry	/ger.je kar.dan/	گریه کردن ۱۰
loose	/gɔː.ʃad/	گشاد ۱۹
flower	/gɔːl/	گل ۳۰
floral	/gɔːl.dār/	گل دار ۱۸
pear	/gɔː.lā.bi/	گلابی ۲۱
pot/vase	/gɔːl.dān/	گلدان ۱۲
sparrow	/gɔːn.jeʃk/	گنجشک ۳۰
tomato	/gɔː.dʒe.fa.ran.gi/	گوجه فرنگی ۲۱
zebra	/gu.re.xar/	گورخر ۲۹
calf	/gu.sā.le/	گوساله ۲۹
sheep	/gus.fand/	گوسفند ۲۹
ear	/guʃ/	گوش ۷
meat	/guʃt/	گوشت ۲۲
red meat	/guʃ.t-e qer.mez/	گوشت قرمز ۲۲
carnivorous	/guʃt.xār/	گوشتخوار ۲۹
plant	/gi.jāh/	گیاه ۳۰
plants	/gi.jā.hān/	گیاهان ۳۰
herbivorous	/gi.jāh.xār/	گیاهخوار ۲۹
cherry	/gi.lās/	گیلاس ۲۱
slim	/lā.qar/	لاغر ۸
nest	/lā.ne/	لانه ۳۰
lip	/lab/	لب ۷
children's clothing	/le.bā.s-e batʃ.tʃe.gā.ne/	لباس بچگانه ۱۷
boy's clothing	/le.bā.s-e pe.sa.rā.ne/	لباس پسرانه ۱۷
to dress	/le.bās pu.ʃi.dan/	لباس پوشیدن ۱٦
girl's clothing	/le.bā.s-e dɔːx.ta.rā.ne/	لباس دخترانه ۱۷
women's clothing	/le.bā.s-e za.nā.ne/	لباس زنانه ۱۷
men's clothing	/le.bā.s-e mar.dā.ne/	لباس مردانه ۱۷
Lebanon	/lɔːb.nān/	لبنان ۲
Lebanese	/lɔːb.nā.ni/	لبنانی ۲
dairy product/ milk product	/la.ba.nij.jāt/	لبنیات ۲۲

معادل انگلیسی	تلفظ	واژه‌ها
to shake	/lar.zi.dan/	لرزیدن ۲۷، ۲۸
chandelier	/lus.ter/	لوستر ۱۲
glass	/li.vān/	لیوان ۲۳
mother	/mā.dar/	مادر ٦
grandmother	/mā.dar.bɔː.zɔːrg/	مادربزرگ ٦
mother in-law (for the men)	/mā.dar.zan/	مادرزن ٦
mother in-law (for the women)	/mā.dar.ʃɔː.har/	مادرشوهر ٦
snake	/mār/	مار ۲۹
yogurt	/māst/	ماست ۲۲
yogurt	/māst/	ماست ۲۵
dishwasher	/mā.ʃi.n-e zarf.ʃu.ji/	ماشین ظرفشویی ۱۳
washing machine	/mā.ʃi.n-e le.bās.ʃu.ji/	ماشین لباسشویی ۱۳
macaroni/spaghetti	/mā.kā.rɔː.ni/	ماکارونی ۲۲
mom	/mā.mān/	مامان ٦
manteau	/mān.tɔː/	مانتو ۱۷
month	/māh/	ماه ٤
fish	/mā.hi/	ماهی ۲۲، ۲۹
frying pan	/mā.hi.tā.be/	ماهی تابه ۱۳
dishwashing liquid	/mā.je.j-e zarf.ʃu.ji/	مایع ظرفشویی ۱۵
couch	/mɔːbl/	مبل ۱۲
married	/mɔː.te.ʔah.hel/	متأهل ٥
tape measure	/metr/	متر ۱۸
in shape body	/mɔː.te.nā.seb/	متناسب ۸
average	/mɔː.te.vas.set/	متوسط ۸
unmarried/single	/mɔː.dʒar.rad/	مجرد ٥
wavy	/mɔː.dʒaʔ.ʔad/	مجعد ۸
product	/mah.sul/	محصول ۲۹
where are you born?/Where is your place of birth?	/ma.hal.l-e ta.val.lɔːd-e ʃɔː.mā kɔː.dʒās t/	محلِ تولدِ شما کجاست؟ ٥
where do you live?	/ma.hal.l-e sɔː.ku.na.t-e ʃɔː.mā kɔː.dʒas t/, /ʃɔː.mā kɔː.dʒā zen.de.gi mi.kɔː.nid/	محلِ سکونتِ شما کجاست؟ / شما کجا زندگی می‌کنید؟ ٥
place of birth	/ma.hal.l-e ta.val.lɔːd/	محل تولد ٥
residence	/ma.hal.l-e sɔː.ku.nat/	محل سکونت ٥

واژه‌ها	تلفظ	معادل انگلیسی
محله ١١	/ma.hal.le/	neighborhood
مربا ٢٣	/mɔː.rab.bā/	jam
مرتب کردن ١٤، ١٥	/mɔː.rat.tab kar.dan/	to tidy (up)
مرد ٥	/mard/	man
مرداد ٤	/mɔːr.dād/	Mordad (july-august)
مرغ ٢٢	/mɔːrq/	chicken
مرغ ٢٩	/mɔːrq/	hen
مرگ ٦	/marg/	death
مزه ٢٤	/maz.ze/	taste
مسواک ١٤	/mes.vāk/	toothbrush
مسواک زدن ١٤، ١٦	/mes.vāk za.dan/	to brush the teeth
مشکلات آشپزی ٢٤	/mɔːʃ.ke.lā.t-e ʔāʃ.pa.zi/	cooking difficulties
مشکی ٨	/meʃ.ki/	black
مصر ٢	/mesr/	Egypt
مصری ٢	/mes.ri/	Egyptian
مطب ٢٠	/ma.tab/	doctor's office
معاینه کردن ٢٠	/mɔː.ʔā.je.ne kar.dan/	to examine
معرفی کردن ٢	/mɔː.ʔar.re.fi kar.dan/	to introduce
معمولی ١٩	/maʔ.mu.li/	casual
مقدار ٢٢	/meq.dār/	amount
مکزیک ٢	/mek.zik/	Mexico
مکزیکی ٢	/mek.zi.ki/	Mexican
مگس ٣٠	/ma.gas/	fly
ملاقات کردن ١	/mɔː.lā.qāt kar.dan/	to meet
ملاقه ١٣	/ma.lā.qe/	ladle
ملیت ٢، ٥	/mel.li.jat/	nationality
ممنون ١	/mam.nun/	thank you/thanks
من ١	/man/	I
منظم ٩	/mɔː.naz.zam/	tidy
منم همین‌طور ١	/ma.nam ha.min.tɔːr/	me too
مه ٢٧	/meh/	fog
مه آلود ٢٧	/meh.ʔā.lud/	foggy

معادل انگلیسی	تلفظ	واژه‌ها
Mehr (september-october)	/mehr/	مهر ٤
kind	/meh.ra.bān/	مهربان ۹
hair	/mu/	مو ۷
hair	/mu/	مو ۸
ingredients	/ma.vād.d-e lā.zem/	مواد لازم ٢٤
groceries	/ma.vād.d-e qa.zā.ji/	موادغذایی ۲۲
whatch out/be careful!	/mɔː.vā.zeb bāʃ/	مواظب باش! ۲۰
wave	/mɔːdʒ/	موج ٢٦
banana	/mɔːz/	موز ۲۱
snack	/mi.jān vaʔ.de/	میان وعده ۲۳
I will see you/see you	/mi.bi.na.met/	می‌بینمت ۱
table	/miz/	میز ۱۲
table	/miz/	میز ١٤
ironing table/ ironing board	/mi.z-e ʔɔː.tu/	میزاتو ١٥
dining table	/mi.z-e qa.zā.xɔː.ri/	میزغذاخوری ۱۲
shrimp	/mej.gu/	میگو ۲۲
to eat (formal)	/mejl kar.dan/	میل کردن ٢٥
million	/mil.jun/	میلیون ۳
fruit	/mi.ve/	میوه ۲۱
green grocery (selling fruits and vegetables)	/mi.ve fɔː.ru.ʃi/	میوه فروشی ۲۱
finger nail	/nā.xɔːn/	ناخن ۷
to clip/ to cut the nails	/nā.xɔːn ge.ref.tan/	ناخن گرفتن ١٤
nail clipper	/nā.xɔːn.gir/	ناخن گیر ١٤
fool	/nā.dān/	نادان ۹
sad	/nā.rā.hat/	ناراحت ۱۰
orange	/nā.ren.dʒi/	نارنجی ۱۸
tangerine	/nā.ren.gi/	نارنگی ۲۱
what is your surname?	/nā.me xā.ne.vā.de.gi.-je ʃɔː.mā tʃi.je/	نامِ خانوادگیِ شما چیه؟ ٥
name	/nām/	نام ٥
last name	/nā.m-e xā.ne.vā.de.gi/	نام خانوادگی ٥
to name	/nām gɔː.zāʃ.tan/	نام گذاشتن ٦
unkind	/nā.meh.ra.bān/	نامهربان ۹

معادل انگلیسی	تلفظ	واژه‌ها
bread	/nān/	نان ۲۲، ۲۳
lunch	/nā.hār/	ناهار ۲۳
thread	/nax/	نخ ۱۸
floss	/nax-e dan.dān/	نخ دندان ١٤
cotton	/na.xi/	نخی ۱۸
family relationship	/nes.bat.hā.-je xā.ne.vā.de.gi/	نسبت‌های خانوادگی ٦
prescription	/nɔːs.xe/	نسخه ۲۰
breeze	/na.sim/	نسیم ۲۷
address	/ne.ʃā.ni/	نشانی ۵
to sit	/ne.ʃas.tan/	نشستن ۷
worried	/ne.ga.rān/	نگران ۱۰
to keep	/ne.gah.dā.ri kar.dan/	نگهداری کردن ۲۹
to pray	/na.māz xān.dan/	نماز خواندن ١٦
salt	/na.mak/	نمک ۲۲
nine	/nɔːh/	نه ۳
new	/nɔː/	نو ۱۹
ninety	/na.vad/	نود ۳
sunlight	/nu.r-e xɔːr.ʃid/	نور خورشید ۲۷
Nowrooz (persian new year)	/nɔː.ruz/	نوروز ٤
nineteen	/nuz.dah/	نوزده ۳
nineteenth	/nuz.da.hɔːm/	نوزدهم ٤
bon appetite	/nu.ʃ-e dʒān/	نوش جان ٢٤
soda	/nu.ʃa.be/	نوشابه ۲۵
to drink	/nu.ʃi.dan/	نوشیدن ۱۰
beverage/drink	/nu.ʃi.da.ni/	نوشیدنی ۲۳، ۲۵
beak	/nɔːk/	نوک ۳۰
grandchild	/na.ve/	نوه ٦
to need	/ni.jāz dāʃ.tan/	نیاز داشتن ۲۹
Nigeria	/ni.dʒer/	نیجر ۲
Niger	/ni.dʒe.ri/	نیجری ۲
to sting	/niʃ za.dan/	نیش زدن ۳۰
eggs sunny-side up	/nim.ru/	نیمرو ۲۳

معادل انگلیسی	تلفظ	واژه‌ها
partly cloudy	/ni.me ʔab.ri/	نیمه ابری ٢٧
midnight	/ni.me.ʃab/	نیمه شب ٣
New Zealand	/ni.juz.land/	نیوزلند ٢
eighteen	/hedʒ.dah/	هجده ٣
thousand	/he.zār/	هزار ٣
eight	/haʃt/	هشت ٣
eighty	/haʃ.tād/	هشتاد ٣
seven	/haft/	هفت ٣
seventy	/haf.tād/	هفتاد ٣
week	/haf.te/	هفته ٤
seventeen	/hef.dah/	هفده ٣
to push	/hɔːl dā.dan/	هل دادن ٧
peach	/hɔː.lu/	هلو ٢١
to stir	/ham za.dan/	هم زدن ٢٤
hamburger	/ham.ber.ger/	همبرگر ٢٥
whisk	/ham.zan/	همزن ١٣
neighbor	/ham.sā.je/	همسایه ١١
husband/wife	/ham.sar/	همسر ٦
India	/hend/	هند ٢
watermelon	/hen.da.vā.ne/	هندوانه ٢١
Indian	/hen.di/	هندی ٢
carrot	/ha.vidʒ/	هویج ٢١
bathtub	/vān/	وان ١٤
wild	/vah.ʃi/	وحشی ٢٩
entrance	/vɔː.ru.di/	ورودی ١١
weight	/vazn/	وزن ٨
to weight	/vazn kar.dan/	وزن کردن ٢١
toiletries	/va.sā.je.l-e beh.dāʃ.ti/	وسایل بهداشتی ١٤
sewing tools	va.sā.je.l-e xaj.jā.ti/	وسایل خیاطی ١٨
marital status	/vaz.ʔi.ja.t-e ta.ʔah.hɔːl/	وضعیت تأهل ٥
to perform one´s ablution before praying	/vɔː.zu ge.ref.tan/	وضو گرفتن ١٦
meal	/vaʔ.de.-je qa.zā.ji/	وعدهٔ غذا ٢٣

معادل انگلیسی	تلفظ	واژه‌ها
window (shop)	/vit.rin/	ویترین ۱۹
physical characteristics	/vi.ʒe.gi.hā.-je zā.he.ri/	ویژگی های ظاهری ۸
eleven	/jāz.dah/	یازده ۳
to freeze	/jax za.dan/	یخ زدن ۲۸
frost	/jax.ban.dān/	یخبندان ۲۸
refrigerator	/jax.tʃāl/	یخچال ۱۳
collar	/ja.qe/	یقه ۱۸
one	/jek/	یک ۳
one kilogram	/jek ki.lu/	یک کیلو ۲۱
Sunday	/jek.ʃan.be/	یکشنبه ٤
Greece	/ju.nān/	یونان ۲

ـ کتابنامه

ـ بی‌جن‌خان، محمود و محسنی، مهدی (۱۳۹۰). فرهنگ بسامدی بر اساس پیکرهٔ متنی زبان فارسی امروز. تهران: مؤسسهٔ انتشارات دانشگاه تهران.

ـ حسنی، حمید (۱۳۸۴). واژه‌های پرکاربردِ فارسیِ امروز بر مبنای پیکرهٔ یک‌میلیون واژه‌ای شاملِ بیش از ۸۰۰۰ لغتِ قاموسی و غیرِقاموسی. تهران: کانون زبان ایران.

ـ صحرایی، رضامراد، مجیری فروشانی، امیرحسین، طالبی، مروارید و مجیری، محمدمهدی (۱۳۹۵). واژه‌های پایهٔ زبان فارسی مبتنی بر متون مطبوعاتی. طرح پژوهشی درون دانشگاهی. دانشکدهٔ ادبیات و زبان‌های خارجی. دانشگاه علامه طباطبایی.

ـ صفرزاده، بهروز (۱۳۸۸). فرهنگ زبان‌آموز فارسی برای فارسی‌آموزان سطح مقدماتی. تهران: کانون زبان ایران.

ـ عسگری، مهناز (۱۳۸۴). واژه‌آموزی زبان فارسی (سطح مقدماتی). تهران: کانون زبان ایران.

ـ نعمت‌زاده، شهین، دادرس، محمد، دستجردی‌کاظمی، مهدی و منصوری‌زاده، محرم (۱۳۹۰). واژه‌های پایه فارسی از زبان کودکان ایرانی. تهران: مؤسسهٔ فرهنگی مدرسهٔ برهان (انتشارات مدرسه).

_ Anderson, N. (2003). Active Skills for Reading Students' Book 2. Boston: Heinle.

_ Carter, R. and M. McCarthy (1988). Vocabulary and Language Teaching. London: Longman.

_ Gairns, R. and S. Redman (2008). Oxford Word Skills Basic. Oxford: Oxford University Press.

_ Gairns, R. and S. Redman (2011). Idioms and phrasal verbs Intermediate. Oxford: Oxford University Press.

_ McCarthy, M. (1996). Spoken Language and Applied Linguistics. Cambridge: Cambridge University Press.

_ McCarthy, M. and F. O'Dell (2010). English vocabulary in use Elementary. Cambridge: Cambridge University Press.

_ Nation, I.S.P. (1990). Teaching and Learning Vocabulary. Boston: Heinle & Heinle.

_ Nation, I.S.P. (2003). Vocabulary. In D. Nunan (ed.) Practical English Language Teaching. New York: McGraw-Hill.

_ Nunan, D. (1999). Second Language Teaching & Learning. Boston: Heinle & Heinle.

_ Nunan, D. (2013). What Is This Thing Called Language? 2nd Edition. London: Palgrave Macmillan.

_ Gairns, R. (2003). Natural English upper-intermediate puzzle book. Oxford: Oxford University Press.

_ Schmitt, D. and N. Schmitt and D. Mann (2011). Focus on Vocabulary 1. New York: Pearson Education.

_ Woolard, G. (2005). Key Words for Fluency Pre-Intermediate. London: Thomson.

_ Zimmerman, C. (2014). Teaching and learning vocabulary for second language learners. In M. ____ _.Celce-Murcia, D. Brinton, and M.A. Snow (eds.) Teaching English as a Second or Foreign Language. Boston: National Geographic Learning /Cengage.